

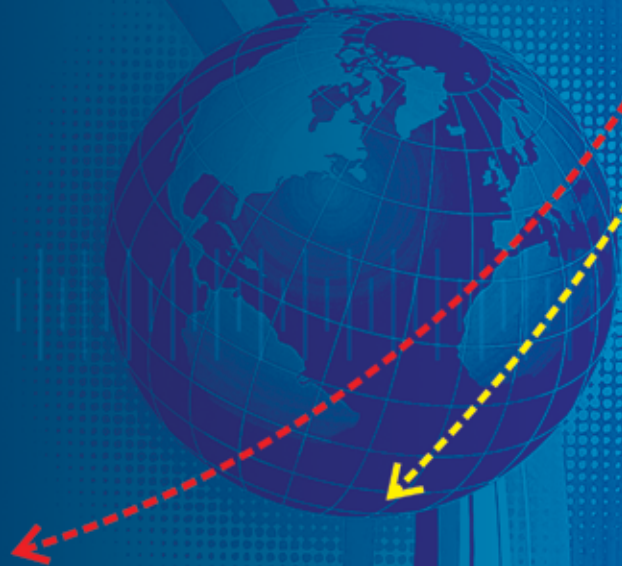
ندای آزادی خواهی ایران در سراسر جهان پیچید



AEROPLAN® Cöln

اژانس بزرگ مسافرتی ایرو پلان کلن

سفر به ایران
و سایر نقاط جهان
با معتبر ترین خطوط هوایی
با مناسب ترین قیمتها
و بهترین سرویس



برای آگاهی بیشتر و رزرو جا با همکاران فارسی زبان ماو تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.

۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۲	آقای کامران خطیبی	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۳۴	خانم خسروی
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۵	آقای پرویز خطیبی	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۵۳	خانم بخشی
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۳۲	آقای یوسف همایون	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۶۶	خانم شیلان
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۱	آقای منوچهر خزد و زیان	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۸	خانم چالاک
		۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۶۷	خانم پور ختایی

دورتموند :

۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۸	خانم عنصری
۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۹	خانم جنتیان

فرودگاه کلن و بن :

۰۲۲۰۳ - ۴۰ ۵۹ ۴۰	خانم نقاش - خانم دانش
------------------	-----------------------

AEROPLAN's Partner:

مسافرت با شرکتهای معتبر زیر با تخفیف ویژه برای هموطنان ایرانی



Studiosus

seetours

Club Med



airtours



Neumarkt 49 - 50667 Köln

www.aeroplan.de

info@aeroplan.de

بهترین برنج باسماتی جهان برگزیده خانواده‌های ایرانی

SCHEHERAZADE

خوش طعم، خوش عطر، خوش پخت

شهرزاد

پاکیزه و بسته بندی شده تحت نظارت کارشناسان مواد غذایی در آلمان با استانداردهای بین المللی



Basmati Rice GmbH (Europe)

Tel: +49 (0)2151 - 510 560



آیا از موهای زاید بدن ، بوی ناخوشایند زیر بغل ، کیفیت پوست ، چروک و فرم اندام خود و یا شریک زندگیتان ناراضی هستید ؟!

کلینیک زیبایی دکتر عباس شیرافکن، دکتر ویلیامز و دکتر لورن و بیوتراپیستهای با سابقه



•Alexander Laser •I P L •N Lite •Nd:YAG laser •L P G

۱- لایز برای از بین بردن مو:

صورت 45£ - زیر بغل 35£

۴- تمیز کردن صورت از 16£ الی 50£

کلیه درمانهای زیبایی الکترولیز

۵- لایه برداری پوست صورت 35£

۶- Contact Lens, Fresh look رنگی

برای ایرانیان 10£

۷- جدیدترین مدلهای آرایش و رنگ مو

و آرایش عروس پوت آپ

۱- لایز برای از بین بردن مو:

صورت 45£ - زیر بغل 35£

چانه 20£ - بالای لب 20£ -

بیکنی 45£ - پا 99£ - پشت گردن

30£ - گونه ها 30£

۲- تزریق بتاکس در ناحیه پیشانی و

اطراف چشم ، اطراف دهان و کنار

بینی برای از بین بردن چروک از

270£ به بالا

بزرگ کردن لب 250£

۳- از بین بردن مویرگهای قرمز 35£

LEMOGE CLINIC

020 73720044 - 020 73724433 (شعبه اصلی)

191 Kilburn High Road London NW6 7HY (near Bingo)

Mon-Fri 9:30 - 7 Sat 9-6 / Sun 10-5:30

شعبه جدید:

0207 625 60 60 - 0207 625 50 00

325 Kilburn High Road
London NW6 7PY



PERSIAN SART DELUXE تقدیم می‌کند

باشکوه‌ترین شب ایرانیان در اروپا

کهکشان طلایی سه نسل موزیک ایران در شهر کلن

سالن شماره یک رویایی اروپا LANXESS ARENA پذیرای ایرانیان در کنسرت استثنایی خواهد بود.

آرش و آیسِل (AYSEL) برندگان مقام سوم در مسابقات اروپایی ۲۰۰۹ به همراه ربه‌کا که در ویدیوهای آرش هنرنمایی می‌نماید.

ستار آوازه‌خوان عاشقانه‌های سه نسل ایرانی

علی گیتور سرشناس‌ترین DJ اروپا

کامران و هومن موفق‌ترین و محبوب‌ترین گروه نسل جوان

فرشید امین چهره‌ای که در کنار بزرگان هنر ایران نام خود را ثبت کرده است

هنگامه پدیده هنرموزیک ایران



19 سپتامبر 2009 در سالن LANXESS ARENA شهر کلن یک برنامه استثنایی و باشکوه را با

هم جشن می‌گیریم و در پیست 6 هزار نفره LANXESS ARENA به رقص و پایکوبی خواهیم پرداخت.

قیمت بلیط تا آخر اگوست 28 یورو، از اول سپتامبر 32 یورو، کودکان 8 تا 10 سال 15 یورو، زیر 5 سال ممنوع.



Miraflores®

شرکت میرافلورس تجربه گرانبهای سی ساله
خود را در اختیار شما قرار میدهد

"اکنون بهترین زمان سرمایه گذاری است"

شما میتوانید از این فرصت طلایی بهره مند شوید
و در جنوب اسپانیا ، بلغارستان و مراکش از حداکثر
موقعیت ها و وامهای بانکی بهره مند شوید

ما بهترین موقعیت های سرمایه گذاری را
به شما ارائه میدهیم

جهت بازدید و دریافت اطلاعات لازم از
پروژه های فوق با دفتر مرکزی ما در اسپانیا
و آقای شهرام وارسته تماس حاصل نمائید



تلفن مستقیم: ۲۲ ۴۴ ۷۰ ۹۵۱ (+۳۴)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۱ ۰۲ ۹۳ ۹۵۲ (+۳۴)

موبایل: ۴۴۴ ۵۰۳ ۶۰۷ (+۳۴)

فکس: ۴۰۱ ۹۳ ۹۵۲ (+۳۴)

MIRAFLORES DEVELOPERS S.L.

Centro Miraflores, Ctra. Cádiz

KM 199, 29649 Mijas – Costa

Málaga - España

info@miraflores.com

www.miraflores.com

حرف اول

تا که بودیم، نبود با ما کسی کشت ما را، غم بی کسی وقتی مردیم، همه یار و غم خور شدند خفته‌ایم در خاک، همه بیدار شدند



ارهای ریشه‌ها و پیوندهای مرا با دوستان دور و نزدیکم قطع می‌کند؟ شما چه می‌دانید که چقدر این نوشته‌ها، روح و روان و احساس مرا می‌آزارد ولی این آنان هستند که چشم معرفت خود را بسته‌اند و به آغوش حکومتی خونخوار و سیاه کارنامه و پلید رفته‌اند. نمی‌دانم چه کسی را باید توبیخ کرد یا نصیحت و اندرز داد؟ گویی خطاکار منم که مقاوم و پایدار بر اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و شرافت انسانی ایرانی خود ایستاده‌ام!

نمی‌دانم، ولی وقتی کسی می‌تواند حدود ۲۵ سال در غربت و با دست خالی هر غیرممکنی را ممکن کند، شک کنید، اندکی هوش، ذره‌ای زرنگی، قطره‌ای شناخت و روابط عمومی در وجودش بوده که دوام آورده است.

مسلماً چنین کسی چون من، دیوانه نیست که به هر رهگذری که به سوی رژیم می‌رود مشت بزند و آگاه نباشد که این مشت خوردگان، حداقل در خفا و پنهانی ساکت و بی‌کار نخواهند نشست. اما وقتی همان‌ها هم در خلوت خویش هستند و خوب می‌دانند دعوا و جنگ من با آنان شخصی و کاسبکارانه نیست چون تا قبل عبورشان از خط قرمز و آلوده شدنشان، روزگار خوشی با هم داشته‌ایم. دوستان لطفاً در بازی خاک نریزید.

محمود سربابی

عافیت اندیشی را خانه نشین کرده است که چنین کلمات و توصیه‌های رسوا و بی‌آبرو را بزرگ می‌کنند تا آرزان فروشان هزار رختخواب را به حاشیه‌ای امن ببرند که من را به مدارا وادار نمایند!

در این شهر خاکستری نم زده سالهاست که من هم با دیگران زندگی کرده‌ام همه ما سوت دلای سوخته دل بوده‌ایم. من، علیرضا نوری زاده در رادیو، مجله و تلویزیون رنگارنگ با هم ماهها را به سالها تبدیل کردیم، رودلف آقابگیان در خانه‌اش به همراه زن مهربانش میزبان بچه من بوده‌اند. شمایان فکر می‌کنید من دیوانه‌ام که صمیمی‌ترین دوستان دیروز خود را امروز، پفیوز، خودفروش و... بنامم؟! من بچه جنوب شهر تهرانم، من به جای لالایی ظریف مادر، با صدای عربده لات‌ها و چاقوکشها بزرگ شده‌ام.

در دبستان الفبا و خواندن و نوشتن را آموختم و در مدرسه کوچه و خیابان درس معرفت و لوطی‌گری و انسان بودن را یاد گرفتم.

نظام آباد، میدان فوزیه یا امام حسین، اگر حسین فرزین، خسرو پلنگ، عزیز آقایی، بادپا و... را به عنوان قمه کش و گردن کلفت داشت ولی بزرگ و کوچکی، احترام و حرمت و معرفت و اخلاقیات خودش را هم داشت و فرهنگ و سنت محله سرقفلی و قانون نانوشته در میان مردم بود.

کسانی را که من نامشان را از لیست دوستان دیروز پاک می‌کنم به خاطر عبورشان از خط قرمز خونین میان ما و رژیم جنایتکار است و گرنه چرا باید در خلوت غم زده خود به کلماتی نگاه کنم که چون

اسم‌ها و چهره‌ها، همه را می‌شناسم ولی واژه‌ها و کلمات و حرف‌ها را نمی‌شناسم نمی‌دانم من ترد و شکسته شدم یا که زندگی بیرحم شده.

من نازک دل شدم یا که جهان سنگ شده. نقطه وصل همه ایرانیان در لندن «من» بودم. هر هفته صدها ایرانی را بر محور «ورزش» در لندن جمع می‌کردم صدها جوان و خانواده ایرانی در غربت را با هم آشنا و دوست و رفیق کردم، با تلویزیون و مجله، هزاران ایرانی غربت زده را در انگلستان هر هفته به هم پیوند می‌زد. هم درد، هم وطن، آواره، زخم خورده از دشمن مشترک، آرزومند برای آزادی و رهایی ایران بودیم.

نمی‌دانم، من بی حوصله و بدخلق شدم یا که خلق جهان بی‌عار و درد شده امروز همه آنهایی که مدیون و بدهکار دیروز من هستن، چنان سر در گریبان کرده‌اند که مبادا چشمشان به چشم من بیفتد و دفتر ایام زندگی غربت شان ورق بخورد و رگه‌هایی از ناسپاسی و حق ناشناسی در وجودشان حرکتی نماید و نهیب به آنان زند که به این مردی وام‌دار هستید!

نمیدانم من عوض شده‌ام یا که دنیا عوضی شده! این روزها بدجوری در خودم گم شدم، باورم نمی‌شود حتی دنبال خودم هم نمی‌گردم چون می‌ترسم گم شده‌ام خودم نباشد.

اسم‌ها و چهره‌ها با کلمات بزرگ کرده، نصیحت می‌کنند، دلسوزی می‌کنند و ته خط همه حرف‌ها به آشتی دزد و پلیس ختم می‌شود که نویس، اسم نیز کاری نداشته باش.

نمی‌دانم حس رخوت غربت در تنشان و بیروس

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS
Tel: 020 8731 9333
www.ranagarang.co.uk
Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ همراه منتشر می
شود



GoldenPhone

Digital Communication

فقط در گلدن فون Line Rental از ۱۰ پوند در ماه * شروع می شود



FREE INTERNATIONAL CALLS

تماس رایگان به خارج از انگلستان *

ارایه کلیه خدمات
تعمیر و نگهداری
لپ تاپ و موبایل



برای آگاهی از جدید ترین و بهترین تعرفه
ها و مدل های گوشی موبایل با کارشناسان
فارسی زبان ما تماس بگیرید

0208 123 5246

07950 111 222 اردوان

65 Minerva, Road Park Royal London NW10 6HJ

0208 123 5247

07961 44 7979 مسعود

www.goldenphone.co.uk

* Terms & conditions apply, Call us for details . Offer available for a limited period only

کنسرت گروه مستان و همای

HOMAY UND ENSEMBLE MASTAN
Klassische Persische Musik

Sonntag, 19. Juli 2009, 20:00 Uhr

برای اولین بار در شهر هامبورگ

ورود به سالن: ساعت ۱۹

شروع برنامه: ساعت ۲۰

بهای بلیط: ۳۰/۲۵/۲۰ یورو

شب اجراء: ۳۳/۲۸/۲۳ یورو

محل اجراء:

Audi Max

Von-Melle-Park 4
20148 Hamburg

مراکز فروش بلیط:

تماشا: ۲۴۱۲۱۱

بهار: ۲۸۰۲۵۰۵

پامیربازار: ۲۸۸۰۴۹۰۱

پرسپولیس: ۵۵۵۰۲۶۴۰

شیرینی سرای پرشیا: ۲۸۰۰۳۶۸۶

رامتین: ۰۱۷۰۷۴۳۵۹۱۰

تک فیلم پروداکشن: ۳۴۸۳۹۰۸۹



TAC FILM PRODUCTION

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ذیل تماس حاصل نمایید:

۰۱۷۶-۸۰۰۷۷۵۸۴ و یا ۰۱۷۶-۲۲۶۶۰۲۳۰-۶۷۳۸۷۰۰۰

نسلی که دنیا را جای گذاشت

گهواره نشینان ۵۷ تاریخ را دور زدند



آنچه در ایران به وقوع پیوست اعتراضات و تظاهرات متداول در مسائل سیاسی جهان نبوده است. نسل گهواره‌ای سال ۵۷ که با انقلاب به دنیا آمده، با نسل ۵۷ که به خیابانها ریختند یک تفاوت بزرگ دارند. جوانان سال ۵۷ اصلاً سیاسی و آگاه به مسائل روز جهان نبودند و در مقابل جوانان امروز ایران سرشار از آگاهی، بلوغ سیاسی و شناخت از آنچه بدنبالش هستند می‌باشند.

در تاریکترین نقطه یاس و ناامیدی که سراسر وجود ایرانیان را فراگرفته بود و رویاهای شیرین و طلایی حکومتگران جنایتکار جمهوری اسلامی به اوجش رسیده بود، و صف‌های طویل رای دهندگان نشان از اقتدار و ثبات حکومت ولایت فقیه را می‌داد و ایران پرستان واقعی در خود فرو رفته و اشک حسرت می‌ریختند، در نقطه اوجی که همه جهانیان با تبلیغات عوامفریبانه خود نشان می‌دادند که رژیم ملایان مشروعیت قانونی دارد، برنده شدن احمدی‌نژاد هم کاملاً قابل پیش‌بینی بود زیرا میرحسین موسوی سگ زردی برادر شغال است و چنانچه صد بار دیگر رای‌گیری شود باز هم احمدی‌نژاد برنده خواهد بود ولی آنچه را که نسل جوان ایرانی رقم زد دور زد تاریخ بود. آنان با طراحی و معماری شگرف و آگاهانه‌ای از بهترین فرصت‌های طلایی زمانی استفاده کردند و رژیم ضددموکراتیک و خونخوار را غافلگیر

ساختند. آنان دنیا را جای گذاشتند و تمامی محاسبات و تجزیه و تحلیل‌های سیاسی دنیا را بهم زدند و مماشات و برنامه‌های یکی به نعل، یکی به میخ سیاست جهانی را ناک اوت کردند. سیل خروشان‌ی که به خیابانها ریختند و رخ به رخ رژیم تا دندان مسلح ایستادند، نشان دادند که از قبل طراحی چنین روزها و برخوردهایی را کرده بودند و برخلاف دل نگرانی‌هایی از عدم رهبری این حرکت، جوانان نشان دادند کاملاً سازمان یافته و برنامه ریزی شده حرکت کرده‌اند و مسلماً در میان خودشان رهبران بسیار آگاهی دارند که چنین حساب شده به خیابانها ریختند و هر روز گام به گام رژیم را به عقب راندند و مطالبات خود را هر روز بیشتر و بیشتر کردند و از ابطال انتخابات در روز اول به رفراندوم تغییر رژیم رسیدند و این به خوبی نشان می‌دهد در زیر پوست این حرکت بی‌نظیر تاریخی، کنترل و برنامه‌ریزی محکمی وجود دارد که نقش قهرمان‌پروری و چهره بازی در آن وجود ندارد. نسل طلایی همه تاریخ چند هزار ساله کشورمان امروز با دست خالی ولی ایمان و اعتقاد و مهم‌تر از همه شعور و آگاهی به میدان آمده است. با تلفن دستی و اینترنت همدیگر را بهم پیوند می‌زنند. این نسل دیگر اعتقاد و اعتمادی به رسانه‌هایی چون صدای آمریکا و BBC و مثنی دلال و رسوای سیاسی چون فرخ نگهدارها، نوری‌زاده‌ها، بهنودها و خان‌بابا تهرانی‌ها و... امثال اینان ندارد هر چند اینان تلاش دارند چون وصله‌ای چرک و کثیف خود را به جامعه پاک و منزه جوانان بچسبانند ولی شیرجه‌های دلیر ایرانی همه را جا گذاشته‌اند و هزاران قدم از دنیا جلوتر هستند.

نقش پر رنگ زنان در قیام برای آزادی



جانش را از دست بدهد و گلوله به قلبش بخورد، که اتفاقاً گلوله به قلبش خورد، در همین راه قدم خواهد داشت.»

در تصاویر و فیلمهایی که از خیزشهای مردمی در تهران و شهرهای دیگر کشور پخش شد، نقش زنان به خوبی برجسته است. شرکت قهرمانانه زنان در این خیزشها و مشتهای گره کرده شان فریاد سه دهه ظلمی است که به آنان شده است. حضور پر رنگ زنان بر دموکراتیزه شدن این قیامها تاثیر خواهد گذاشت. مطالبه زنان فراتر از ابطال یک انتخابات مهندسی شده است. حقوق زنان و حقوق بشر همه نظم موجود را به چالش می کشد و دستیابی به آن از انگاره های حافظان نظم موجود به دور است. به همین جهت ندا نمونه ای از زنانی هست که قلبشان برای آزادی می تپد. زنان و مردان ازادیخواهی که چنین

تصویر چهره زیبای ندا آقا سلطان، بر صفحه های شمار کثیری از رسانه های جهان، چهره کریه جمهوری اسلامی را بار دیگر در برابر چشم جهانیان به نمایش گذاشت. صدای پر صلابت استاد وی بر بالین او در آن هنگام که می گفت: «ندا نترس» قلبها را به لرزه درآورد. ندا، تبدیل به ندای آزادی در قلب و اندیشه مردم شد. روز دوشنبه اول تیر علیرغم بیانیه های پی در پی سپاه پاسداران و گلوله های آنها، هزارها زن و مرد خیابانهای تهران و شهرهای دیگر را تسخیر کردند و به ندای ندا پاسخ مثبت دادند.

کاسپین ماکان، نامزد ندا آقا سلطان در مصاحبه ای با بی بی سی گفت: «هدف ندا آقای موسوی یا احمدی نژاد نبود. هدفش وطنش بود و برایش اهمیت داشت که در این راه قدم بردارد. بارها اشاره کرده بود که حتی اگر

سینه هایشان را در برابر گلوله های مزدوران حکومتی سپر می کنند تبلور اراده ای برای تغییر دموکراتیک هستند و نمی توان آنان را در قفس تنگ نظام جمهوری اسلامی زندانی کرد. خصلت این خیزشهای خیابانی و به ویژه حضور گسترده زنان در آن نشان از عزم مردم برای تحقق دموکراسی و حکومتی لائیک است.

مادر ایران

آموختی که برای تغییر سرنوشت اش انتظار معجزه و دخالت بیگانگان را نداشته باشد ، به او آموختی که همیشه تشنه عدالت و آزادی و دموکراسی باشد . و هرگز آزادی و دموکراسی را گدایی نکند . فرزندت همچون همه فرزندان ایران به درستی آمد تا قطره ای باشد از این دریای خروشان آزادی و دموکراسی . اما نامردان و کودتاچیان خواسته به حق او را با گلوله پاسخ دادند .

زمین خونین شد و فرزندت جان به جان آفرین تسلیم کرد . مادرم ، ای داغدیده ، می دانم منتظری تا بر بالین پیکر بی جان فرزندت فریاد بکشی و از نامردان پرسی که به کدامین گناه نکرده او را کشتند ؟ می دانم . مادرم بدان که امروز میلیونها جوان ایرانی همانگونه که با تظاهرات میلیونی خود ، صدای بر حق شان را به گوش همه این ناشنوایان و کوردلان رساندند .

مادرم ، ما را هراسی نیست ، ما سالهاست که داریم تیرباران می شویم و روزی هزار بار رویاهای زیبای ما را به دار می آویزند . مادرم تاریخ ایران پر است از صفحات خونینی که با خون آزادی خواهان رنگین شده و نام آنها برای همیشه در تاریخ ثبت شده است .

مادرم رگ و ریشه ما ایرانیان در خون شسته شده و امروز فریاد حق طلبی مردم به آسمان بلند شده . اما فریاد ما همچون نامردان نیست ! مادرم ، گریه کن اما بدان که مرگ جوان تو مرگ همه ما بود ولی ما را هراسی نیست . فرزندان ایران را فرزند خود بدان .

زن با چهره ای رنگ پریده و سیاهپوش و در حالی که آرام آرام اشک می ریزد با صدایی گرفته زمزمه می کند و فرزندش را جستجو می کند . زیر لب با فرزندش که دو روز قبل کشته شده زمزمه می کند . سنگی جلوی او است که روی آن چند شمع به یادبود فرزند رشیدش که چند روز قبل به شهادت رسیده روشن کرده . مردم دسته دسته می آیند و دستی به سر و روی او می کشند و سعی می کنند از او دلجویی کنند . زنان با او همراهی می کنند و اشک می ریزند و گرد شمع جمع می شوند .

اینجا پارک کاج تهران واقع در منطقه سعادت آباد است که این زن اکنون به آن پناه آورده است . فرزندش را در درگیری کشته اند و حتی اجازه عزاداری هم به او نداده اند . اینک آنچه از او باقی مانده است یک تکه سنگ و شمعی است که می سوزد .

مادرم ، ای دلشکسته ، ای پهلوشکسته ، ای داغدیده ، امروز همه مادران ایران داغدارند . امروز ایران همه داغدار است . امروز همه با تو همدردند و در غم تو شریک . تو فرزندت را ، جگر گوشه ات را و عزیزت را ۲۰ سال همچون دوچشمست محافظت کردی ، به او درسها آموختی ، آموختی که هرگز زیر بار ظلم و ستم سر خم نکند . به او آموختی که همچون یک شهروند مسئول در سرنوشت کشورش سهیم باشد ، به او



**اجازه ندهیم دلالها و خودفروشان
خارج از کشور نشین انقلاب
جوانانمان را بدزدند و جاپایی
برای نفوذ خود باز کنند**

The League for Liberty of IRAN



اتحادیه مبارزان آزاد ایران

بنام انسان، بنام آزادی، بنام ایران

چه می فروشی ؟

با تو ام که قلم به تن فروشی نان داده ای

ای برهنه بی آبرو شاعر تبعیدی

با توام ای هرزه هزار رختخواب خردادی

ای فاحشه گان همیشه ارزان فروش هر جایی

با شما یانم، آشغالهای بیمار شهوت، تریاک و قمار

۱۵۱ پیشه گان آزادی، مبارزه، سیاسی؟!

روزنامه نگار مزدور، دُکان دار تصویری، دلال

محبت تکمیلی

بنویسد هر روز، بگوئید هر شب، شعر، مقاله و

مطلب شعار دهید.

ای بوی گنداب گرفته های هرزه تبعیدی،

بفروشید بیشتر مطاع خود را به دشمن

ای فاحشه گان همیشه ارزان فروش هر جایی

دیوارهای تمصبات کور سیاسی فرو می ریزد

نجات ایران و سرنگونی حکومت ملایان الویت عاشقان آزادی ایران میشود

۳۰ سال از عمر نکتت بار حکومت ملایان بر کشورمان می گذرد طی این سالهای سیاه که همه گاه انتظار سرنگونی این رژیم پیش بینی می شد تفرقه و چند دستگی اپوزیسیون در خارج از کشور سبب شد که حکومت ملایان از خطر سقوط فرار کند ولی امروز شعور و بلوغ سیاسی آزادخواهان و درک شرایط حیاتی ایران سبب شده است شاهد تعدیل و بازنگری افراد و گروه های سیاسی در عقاید تک بعدی خویش باشند و نوید مسرت بخشی را بشارت دهند که دلسوختگان وطن به اولویتهای سیاسی - مبارزاتی رسیده اند و با تجربه و آگاهی از گذشته دریافتند که تخم نفاق را رژیم و پادوهایش در میان اپوزیسیون می پراکنده اند

اتحادیه مبارزان آزادی ایران که سالهاست در کشور انگلستان فعالیت سیاسی مبارزاتی علیه رژیم ملایان می کند و در کارنامه خود دهها تظاهرات، سخنرانی و برنامه های افشاگرانه را دارد در این برهه حساس و حیاتی از همه هموطنان عزیز می خواهد چنانچه ۴ محور اصلی و رسی این اتحادیه مورد تأییدشان می باشد با دفتر مرکزی اتحادیه در لندن تماس حاصل نمایند و اعلام آمادگی کنند و با نظریات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارند

اتحادیه مبارزان آزادی ایران

عضویت در این اتحادیه به صورت فردی یا سازمانی آزاد است و هر مرام و عقیده سیاسی مورد احترام خواهد بود التزام و تأکید بر ۴ محور توافقی بین اعضای این اتحادیه برقرار خواهد بود:

۱- مبارزه و تلاش برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در کلیت و بدون هیچ قید و شرط و جناح بندیهای ساختگی

۲- حمایت و پشتیبانی از هر حرکت شناخته شده سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی

۳- شرکت اعتراضی فعال در سخنرانیها و گردهمایی ها و برنامه هایی که زیر پوشش های گوناگون از سوی جمهوری اسلامی برگزار شود

۴- حمایت و پشتیبانی از همه پرس مردم در تعیین سرنوشت

اعضای این اتحادیه همانطور که از اطلاعیه آن می خوانیم قصد دارند علیه کلیت فعالیتهای نظام جمهوری اسلامی زیر پوششهای هنری، فرهنگی و مذهبی فعالیت نمایند و بیش از این اجازه ندهند تعدادی اوباش و اراذل در اشکال مختلف جامعه ایرانیان تبعیدی را به بازی بگیرند

اتحادیه مبارزان آزادی ایران تنها گروهی از ایرانیان خارج از کشور می باشند که برای نخستین بار قصد دارند به شکلی علنی و رویارویی مستقیم به فعالیتهای ضد ایرانی و انسانی نظام ملایان و همدستانشان برخورد کنند

تلفن تماس :

+۴۴ ۰۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳

**گردهمایی اعتراضی اتحادیه مبارزان آزادی ایران
در مقابل سفارت شوروی در لندن به دلیل حمایتهای کاسبکارانه
دولت شوروی با ملایان جنایتکار برگزار خواهد شد
تاریخ و زمان آن بزودی اعلام خواهد شد**

تظاهرات جهانی در اعتراض به سرکوب مردم ایران

خبرگزاری «ریا نووستی»/ فدراسیون بین المللی کارکنان بخش حمل و نقل اطلاع داد که روز جمعه ۲۶ ژوئن در سراسر جهان تظاهراتی در اعتراض به سرکوب آزادی در ایران برگزار شد. سازمان دهندگان این تظاهرات چهار اتحادیه صنفی جهانی هستند که بیش از ۱۷۰ میلیون عضو دارند.

تظاهرات در برابر سفارت ها و کنسولگری های ایران در شهرهای آنکارا، بانگکوف، بروکسل، کانبرا، ژنو، جاکارتا، لندن، مادرید، دهلی نو، اسلو، لاهه، توکیو، تورنتو و ولینگتون برگزار شدند.

همراه با این تظاهرات، اتحادیه های صنفی سایر کشورها نیز قصد دارند تظاهرات مختلفی را در حمایت از اپوزیسیون ایران ترتیب دهند.

محمود سرایی

انتخابات در ایران و آنان که نان در نجاست می خورند

این مطلب دو هفته قبل از شروع انتخابات در ایران

نوشته شده است

«ثروت» و «سرمایه‌های کشورهای درجه ۲ و ۳، چشم‌انداز و سوسه انگیزی است برای کشورهای قلد ر جهان که با استفاده از ابزار و امکانات تبلیغاتی که در اختیار دارند در کشورهای مورد نظرشان طرحهای تامین منافع خود را اجرا کنند.

روانشناسی اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، مذهبی کشورها را به خوبی می‌شناسند و مهمتر از همه به خوبی آگاه هستند که در چنین کشورهایی از جمله ایران در طول تاریخ همیشه کشورفروشان حاضر بوده‌اند که در ازای دستمزدهایی حداقل، حداکثر ضربه را به منافع ملی کشورشان بزنند که چنانچه به سی سال اخیر نگاه کنیم حضور ویرانگر این ارزان فروشان را به روشنی می‌بینیم. همان کسانی که شاه را آریامهر و ابرمرد تاریخ ساختند با اندک دستمزدی بیشتر خمینی را امام کردند و کماکان این خودفروشان نان خود را در نجاست خیانت به ایران و ایرانی می‌خورند.

مگر در خط دهی و سازمان دهی رادیو BBC در شکل‌گیری انقلاب در سال ۵۷ را فراموش کرده‌ایم گردانندگان سیاست آن سالها همان کسانی بودند که امروز به جای صدا، تصویر BBC را می‌فروشد و با گماردن چهره‌ها و اسامی که مهم نیست چه افرادی هستند فقط هویت ایرانی داشته باشند و فارسی حرف بزنند کافی است که تلاش نمایند جایگاهی تاثیرگذار در جامعه داخل ایران مانند سال ۵۷ را به وجود آورند که تامین کننده منافع دولت فخیمه انگلستان باشد و نقش جاقویی دوله را بازی کند که هم می‌تواند جان رژیم را نجات دهد و یا چنانچه مصلحت و منافع ایجاب کرد جانش را بگیرد.

اما نکته‌ای که در این میان مهم است این است که دولت مردان و سیاست پیشگان خارجی، انسانهایی وطن پرست و شریف ملی و میهنی کشورشان می‌باشند و چنانچه کشورهایی را هم چون ایران به روز سیاه می‌نشانند ولی هدفشان تامین رفاه، آسایش و آینده مردمان کشورشان می‌باشد ولی درباره انسان نماهایی که عروسکهای این

نمایشات می‌شوند و نان خود را در نجاست این سیاستها فرو می‌برند و می‌خورند چه باید گفت؟

طرح و هدف حفظ رژیم جمهوری اسلامی، پروژه کلی دولتهای بزرگ جهانی است و با ترفندها و بازیهای یکی به نعل، یکی به میخ، سی سال است این رژیم را حفظ کرده‌اند زیرا منافع و سودشان را رژیم تامین کرده است. بازی‌ها و دعوای زرگری سیاسی را برای انحراف افکار عمومی اجرا می‌کنند.

آنچه مهم است در پس پرده است که رژیمی با پرونده‌ای مملو از جنایت و خیانت و چپاول و فساد سی سال است بر سر کار است و در ظاهر ابرقدرتها هم با آنان مشکل دارند ولی از پس ملایان بر نمی‌آیند؟! باید فاتحه ابرقدرت ها را اگر چنین است خواند. ابرقدرتهایی که در چشم بهم زدن مثال حکومتهای شاه، صدام و آئنده و مصدق و... را به زیر می‌کشند ولی در مقابل حکومتی که سی سال است پایتاش لرزان است، کاری نمی‌توانند بکنند!؟

جمهوری اسلامی ملایان به مانند زنی زیبا، دلفریب و خواستنی می‌ماند که در بازار خودفروشی، هوسبازان حاضرند به پایش همه چیز بریزند ولی این مطاع اسلامی ملایان برای اینکه خود را در اختیار دیگران قرار دهد پول هم می‌دهد! به همین دلیل از آمریکا و اروپا گرفته تا افریقا و آسیا، دولتها صف کشیده‌اند برای هماغوشی لذت بخشی که در پایان دستمزد و دستخوش هنگفت و نجومی هم می‌گیرند و ملتی که صاحب سرمایه و ثروت است یعنی ایرانیان نگون بخت در فقر و فساد دست و پا می‌زنند و سی سال است در بر همین پاشنه می‌پرند زیرا ایران فروشان صفشان هر روز دراتر و سقف وقاحتشان بلندتر و نان آلوده‌شان کلفت‌تر میشود.

کشوری چون ایران، با پیشینه‌ای که بزرگمردان و زنانش سنگ پایه تمدن و دموکراسی بشری را در هزاران سال پیش بنا نهاده‌اند و جهانیان مترقی و پیشرفته جهان امروز خود را وامدار ایرانیان می‌دانند، امروز سرنوشتشان به جایی رسیده است که فردی از درون شکم چهل و تاریکی وحشی گری تاریخ به نام ولایت فقیه بر جان، مال، ناموس و سرنوشتشان حکومت کند. چنین جانتوری عقب مانده از قافله تمدن انسانی حق دارد به جای ۷۰

میلیون ایرانی تصمیم بگیرد. اگر ۷۰ میلیون رایشان هر چه باشد این یک تن می‌تواند بگوید ۷۰ میلیون غلط کرده‌اند و عقلشان نمی‌رسد و اوست که قادر و تواناست که تعیین و تکلیف نهایی کند!

پرسش این است که این معرکه و شعبده بازی و شامورتی درآوردن برای این است که ملتی را سرکار بگذارند؟ و چند میمون انتخاباتی را هر چند سال یک بار به میدان بیاورند که جای دوست و دشمن را نشان دهند و ملتی یکی از این حیوانات ماقبل تاریخ را انتخاب نماید. بازی بی‌لذتی است که اساس و بنیادش مسخره و توهین آمیز و عوامفریبانه است زیرا در کشوری که حکومتی بر سر کار است که پرده پوشی و پنهان کاری هم نمی‌کند، با افتخار و غرور اعلام می‌نماید که حکومت ما بر اساس ولایت مطلقه فقیه است. انتخابات یعنی چه؟ رای دادن برای چی! آراء مردم هر چه می‌خواهد باشد مهم تأیید یا رد نظر یک شخص مهم است.

ملت در ایران یعنی گله‌ای که چوپانی حق تعیین سرنوشت بر آنان دارد. هر زمان که چوپان هوس کرد می‌تواند تمام گله یا تعدادی یا راسی را قربانی کند. کما اینکه سی سال کرده است.

حالا وای برما که در عصر تکنولوژی و ارتباطات فنی و علمی جهان امروز، متعلق به گوشه‌ای از نقشه جغرافیایی جهان هستیم به نام ایران که عمامه بسری بیمار و روانی، با لشکریانش بر کشور و ملت ما حکومت می‌کند و در خارج از کشور هم نان خوران آغشته به نجاست، بازیگردانان اینان هستند. در BBC فارسی خودفروشان صاحب پرونده کثیف در کشتار و خیانت و جنایت به ملت ایران به شکل میزگردی، مانند سازگارا پایه‌گذار و طراح سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات رژیم، فرخ نگهدار سردمدار چریکهای فدایی و به کشته دادن هزاران جوان، مسعود بهنود هرزه گرد مطبوعاتی، جمیله کدیور و در سوی دیگر امثال نوری زاده‌ها فاحشه گان ژورنالیستی که نان در نجاست همه صاحبان قدرت فرو کرده است و دهها چهره ریز و درشت .

و وای به روزی که ملت ایران در روز آزادی خود دستش به اینان برسد نجاست خیانت سی سله را به خوردشان خواهد داد

پرویز مقصدی هم رفت



خوانندگانی که هر یک چون مقصدی به نوعی با وقوع انقلاب تن به یک کوچ اجباری داده و ناچار هنر خود را محدود به یک یا چند اقلیت قومی کرده‌اند. بسیاری از هنرمندان صحنه موسیقی ایران، پس از انقلاب علیرغم محدودیت‌ها، همچنان به کار خود ادامه داده‌اند. برخی متحول شده‌اند و بعضی روش‌های قدیمی خود را با کاربردی تازه عرضه کرده‌اند و در نتیجه توانسته‌اند در صحنه باقی بمانند اما هنرمندانی چون پرویز مقصدی و بسیاری دیگر با روحیه‌ای عزت‌جو و گوشه‌گیر در حاشیه‌ها نشستند.

داریوش و گوگوش از پرویز مقصدی می‌گویند

می‌کند خودش را جمع و جور کند تا در این آشفتگی و تلاطم بتواند خودش را با مسائل هماهنگ کند.

این صدمه‌ای که انقلاب به جامعه هنری زد بسیار قابل بحث است و می‌شود ساعت‌ها در مورد آن صحبت کرد. پرویز هم حساسیت داشت و من متأسفانه خبر فوت او را شنیدم ولی ۱۰ یا ۱۲ سالی بود

حرفه‌ای آنها مؤثر بود، وجود داشت دیگر به وجود نیامد. چرا فکر می‌کنید این اتفاق افتاد؟

سؤال خیلی حساسی کردید. ببینید ما با یک انقلاب مواجه شدیم. انقلاب هر کدام از ما را به یک جایی در این کره خاکی پرتاب کرد. با توجه به این مسئله که هنرمند اصولاً آسیب‌پذیر، بسیار شکننده و حساس است در این بحران‌ها سعی

مقصدی به وجود آورد. او تلفیق سازها را به وجود آورد و بر حس کلام و نوع بیان کلام در ملودی تأکید داشت. در این راستا پرویز معلمی برای من بود. من همیشه سعی می‌کردم از راهنمایی‌های او در خواندن این ترانه‌ها استفاده کنم و اگر دقیقاً می‌توانستم آنچه را که او گفته بود انجام بدهم به این هدف رسیده بودم.

داریوش می‌گوید: پرویز بیشتر کارهایش را خودش می‌خواند و خواننده می‌رفت و آن را مشق می‌کرد. حتی نسل پیش از ما مثل ویگن و روانبخش. برای همه اینها آهنگ ساخته بود. برایشان ضبط می‌کرد برایشان تمرین می‌گذاشت تا آن چیزی که در ذهن او هست را به خواننده منتقل کند.

پرویز مقصدی مدتی در سن دیگو زندگی کرد، بعد دوباره به ایران بازگشت و یک بار دیگر به آمریکا آمد. در این رفت و برگشت‌ها می‌بینیم که با وجود آنکه شما و گوگوش و کسان دیگر بیرون بودند اما آن حالت همکاری که بین مقصدی و خواننده‌هایی که او در زندگی و کار

داریوش اقبالی یکی از چهره‌های جوان دورانی است که موسیقی جاز مدرن ایرانی توسط مقصدی از طریق آهنگ‌هایی چون «به من نگو دوست دارم» به معروفیت رسید.

داریوش معتقد است که کارهایی که مقصدی برای او ساخت، سکوی پرتاب و پرش او بوده است.

داریوش می‌گوید: پرویز در حقیقت دست مرا گرفت و وارد دنیای موسیقی کرد.

با کار پرویز مقصدی آغاز کردم و در محضر او یاد گرفتم که چگونه با ملودی کار می‌کند چطور با شعر برخورد می‌کند و چگونه در خلوت خودش ملودی را می‌سازد و ۱۲ کاری که از او در شروع کارم خواندم یک پایه‌ریزی بتونی بود که پرویز مقصدی برای من ساخت. سکوی پرتاب و سکوی پرش مرا او به وجود آورد. من کماکان روی صحنه از آهنگ‌های او استفاده می‌کنم می‌خوانم و از او یاد می‌کنم.

داریوش در ادامه این سخنان در مورد پرویز مقصدی می‌گوید: زبان تنظیم، هارمونی و تلفیق سازها را در موسیقی ما پرویز



داریوش اقبالی: مقصدی سکوی پرش و پرتاب من بود



گوگوش: پرویز مقصدی حس و حال دیگری برای من داشت

گل بی گلدون و آهنگ بی قرار را خواندم که بشنوم و رفت. فکر می کنم یادش رفت که تلفن را جواب بدهد. به نظرم آمد که بیماری فراموشی گرفته بود چون صدای قدم هایش را می شنیدم ولی گوشی تلفن را گذاشته بود کنار ضبط صوت و رفته بود دنبال کارهایش.

خانم گوگوش، پرویز مقصدی برای نمی دانم. من دو سال پیش باهاش تلفنی حرف زدم اما نمی دانم چه اتفاقی برایش افتاده بود که او را از همه چیز فراری کرده بود. به من آدرس گنگی داد و گفت که در یک مزرعه زندگی آرامی دارد اما هیچ اشاره ای به این مسئله که چرا نتوانست یا نخواست با کسی کار کند نکرد. تنها کاری که کرد این بود که یک آهنگ تازه خودش را برایم پای تلفن گذاشت که چرا کناره گرفت؟

نمی دانم. من دو سال پیش باهاش تلفنی حرف زدم اما نمی دانم چه اتفاقی برایش افتاده بود که او را از همه چیز فراری کرده بود. به من آدرس گنگی داد و گفت که در یک مزرعه زندگی آرامی دارد اما هیچ اشاره ای به این مسئله که چرا نتوانست یا نخواست با کسی کار کند نکرد. تنها کاری که کرد این بود که یک آهنگ تازه خودش را برایم پای تلفن گذاشت که

قصه وفا که رکورد فروش هم داشت. آن طور که در آن زمان رئیس شرکت آهنگ روز، آقای چمن آرا، به من گفتند آن موقع ها صفحه زده می شد و این صفحه در آن زمان رکورد فروش را شکست. قبل از اینکه همکاری ام را با پرویز مقصدی شروع کنم، من ترانه های خوانندگان مختلف را می خواندم. یک یا دو آهنگ در آن زمان به وسیله آقای شمعی زاده برای من ساخته شده بود اما هنوز به صورت صفحه بیرون نیامده بود. اما قصه وفا به شکل صفحه ۴۵ دور منتشر شد.

گوگوش می گوید: تا آن زمان آهنگسازهای ما یک سری کارهای روتین ایرانی می ساختند که نه سستی بود و نه پاپ. مثل آقای سلیمان اکبری و آقای بابک افشار که کارهایشان را در رادیو خواندم و بسیار هم کارهای زیبایی است و جزو آرشو ارزشمند و گران بهای من به شمار می رود.

اما پرویز مقصدی حس و حال دیگری برای من داشت که حالانی دانم شاید به دلیل یک رنگ آذربایجانی اش یا اینکه کار پاپ بیشتر می کرد. پیانو و ارگ می زد و خودش هم خیلی خوب می خواند. در آن زمان با گروه منوچهر بیگلری یک ارکستر جاز تشکیل داده بود. آهنگ های پرویز مقصدی را خیلی دوست داشتم و آنها را خیلی سریع می گرفتم. بعد از قصه وفا، ساحل و دریا،

که دنبال او می گشتم. برخی می گفتند به ایران بازگشته، بعضی ها می گفتند در کلورادو زندگی می کند. اما حقیقت این است که امروز باید به مردم ایران برای از دست دادن چنین هنرمندی تسلیت بگویم. هنرمندی که هنوز آهنگ هایش به طور گسترده در میان مردم شنیده می شود و روی صحنه توسط هنرمندان اجرا می شود اما وجودش نیست. هیچ وقت صحبتی از او به میان نیامده. این باعث تأسف شدید است که هنرمندان ما وقتی که از دست می روند ما به یادشان می افتم و ای کاش شرایطی به وجود بیاید که این هنرمندان به این صورت به انزوا کشیده نشوند. امیدوارم مردم بتوانند با هنرمندانشان حتی در زمان کهولت در ارتباط باقی بمانند و ما بتوانیم هم چنان بین مردم حضور داشته باشیم.

گوگوش که از سه سالگی به اجرای برنامه و از پنج سالگی به خوانندگی پرداخت تا پیش از آشنایی با پرویز مقصدی به اجرای ترانه های محبوب خوانندگان معروف آن دوران اشتغال داشت اما ترانه قصه وفا با آهنگی از پرویز مقصدی تبدیل به یکی از پرفروش ترین صفحه های ۴۵ دور آن زمان شد.

گوگوش در مورد پرویز مقصدی می گوید: اولین ترانه مستقل من که ۱۶ یا ۱۷ ساله که بودم خواندم کار آقای مقصدی بود،

فرهنگسرای لندن بزرگترین و مدرنترین مرکز فرهنگی ایران در بریتانیا

- * انواع کتابهای چاپ داخل و خارج از کشور
- * مرکز پخش آئین نامه رانندگی
- * انواع سی دی های داخل و خارج از ایران و فیلمهای ایرانی
- * انواع سازهای ایرانی تار، سه تار، تنبک همراه کتابهای نت

فرهنگسرای لندن هیچ گونه نوار، سی دی و فیلمهای کپی عرضه نمی کند



مرکز پخش ترجمه فارسی راهنمای تست زندگی در بریتانیا

1261 Finchley Road, Temple Fortune London NW11 0AD

(Golders Green Tube Station – Northern Line)

Buses: 82, 102, 460

Tel: 020 8455 55 50

Fax: 020 8201 8506

E-mail: Farhangsara@aol.com

حمله شهره به گوگوش:

خانم تو شهبانو نیستی که پیام میدی، تو چکاره هستی که در خانهات نشسته‌ای و ادا در می‌آوری

شهره صولتی در یک مصاحبه تلویزیونی در رابطه با اعتراضات و تظاهرات مردم ایران از اینکه هنرمندان مطرح در کنار مردم نیستند با گریه و فریاد به همکاران خود اعتراض کرد. او به گوگوش خطاب کرد:

خانم گوگوش خجالت بکش. امروز دیگر وقت سیاه‌بازی نیست که در خانهات بنشینی و ادای شهبانوها را در بیاوری و پیام بدهی و نقش بازی کنی.

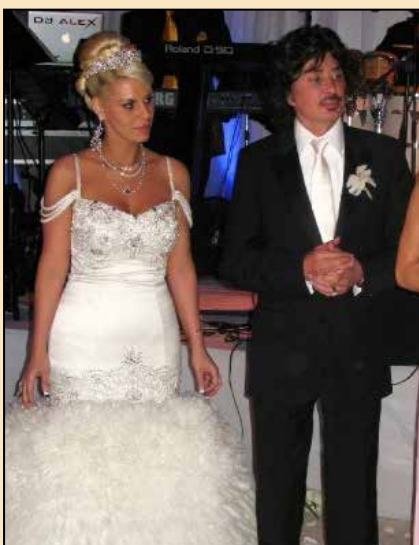
آقای داریوش کجا هستید، چرا در کنار مردم نیستند؟ فقط مردم برای کنسرت‌های شماها خوب هستند که پول بدهند ولی در این روزها که جوانان ما را می‌کشند و ما وظیفه داریم در کنار مردم باشیم و در تظاهرات و گردهمایی‌های آنان شرکت کنیم ولی شما در خانه‌هایتان نشسته‌اید و باز هم با چندتا ویدیو و آهنگ سر مردم کلاه می‌گذارید.

خانم گوگوش، امروز باید نقش یک هنرمند مردمی را ایفا کنی و جلو بیفتی و هزاران نفر را به خیابانها بکشی. ولی رفتی در خانهات نشسته‌ای و برنامه‌ریزی برای کنسرتها می‌کنی. واقعاً خجالت بکش.



شهرام صولتی هم به خانه بخت رفت

ماه گذشته شهرام صولتی برای چندمین بار لباس دامادی به تن کرد و با دختر دلخواه خود پای سفره عقد نشست. همسر قبلی شهرام، دختر جمیله ارباب رقصنده سرشناس بود.



«شبی با عهدیه و صدها ترانه»

«شبی با عهدیه و صدها ترانه» عنوان برنامه‌ای است که گروهی از علاقمندان این خواننده دوست داشتی و محبوب در تدارک برگذاری آن در شهر ساحلی «Mijas» مجاور شهر مالاگا می‌باشند.

عهدیه که به جرات می‌توان او را بانوی خاطرات موسیقی ایرانیان نامید، قرار است او آهنگهایی را که هر یک کوله باری مملو از خاطرات است را در این شب برنامه اجرا کند. همچنین در این شب برنامه‌هایی ویژه در بزرگداشت عهدیه و مروری تصویری بر کارهایش خواهد بود.



۲۱ جولای چلسی و انترمیلان در آمریکا به میدان می‌روند

اندی به عنوان تنها هنرمند این مسابقه جهانی در هفتایم به اجرای برنامه می‌پردازد. در استادیوم ۹۰ هزار نفری روزبال در لس آنجلس دو باشگاه بزرگ فوتبال جهان چلسی و انتر میلان به میدان می‌روند که عواید بلیط فروشی و درآمدهای آن از سوی یک کمپانی خیریه صرف تهیه وسایل ورزشی برای بچه‌های بی‌بضاعت در جهان می‌شود.

۲۱ جولای این مسابقه بزرگ برگزار می‌گردد و اندی هنرمندی است که از سوی کمیته برگزارکننده این مسابقه انتخاب شده است که در میان دو نیمه بازی به اجرای برنامه می‌پردازد و دلیل آن هم فعالیت‌ها و حضور اندی در عرصه بین‌المللی است که بارها مصاحبه‌ها و برنامه‌های او را رسانه‌های جهانی مانند CNN، و نشریات معتبر منعکس کرده‌اند و اندی تنها هنرمند این برنامه خواهد بود.

اندی در راه اسپانیا

گویا قرار است در ماه آگوست کنسرتی بزرگ با حضور اندی در جنوب اسپانیا برگزار شود. برنامه‌گذاران این کنسرت در تلاش هستند که بتوانند شبی بیاد ماندنی و خاطره انگیز را با حضور ایرانیان علاقمند به اندی و موزیک ایرانی برگزار کنند.



۱۹ سپتامبر ایرانیان اروپا نشین به کلن خواهند رفت تا در کنسرت بزرگ و باشکوه برگزیده هنرمندان محبوب خود شرکت کنند



**PERSIAN
STAR
DELUXE**



**۱۹
سپتامبر
در
کلن**



PERSIAN STAR DELUXE که برگزارکننده این کنسرت بزرگ است، با طرح و ایده‌ای جالب کهکشانی از خوانندگان با سبک‌های مختلف که مورد علاقه عموم مردم هستند را در یک شب کنار هم قرار داده است که در واقع هارمونی زیبایی از سه نسل از هنرمندان مطرح ماست. ستار با کارنامه‌ای درخشان که چند دهه به عنوان هنرمند مطرح مورد علاقه ایرانیان است. هنگامه، پدیده دهه اخیر دنیای موزیک پاپ که او را به عنوان یکی از مسلط‌ترین و حرفه‌ای‌ترین هنرمندان روی صحنه همگان تأیید می‌کنند. کامران و هومن که از مرز هنرمندان عادی گذشته‌اند و به دروازه‌های طلایی قلب مردم رسیده‌اند. آرش هنرمند جوانی که موفق شده است در صحنه‌های بین‌المللی بدرخشد و عنوان سوم مسابقات موسیقی اروپا نصیب او و همکاریش آیسل شود و نام آرش و آیسل را در صدر هنرمندان جوان جهان قرار دهد. در کنسرت ۱۹ سپتامبر **ریه‌کا** هم حضور دارد. دختر هنرمندی که در ویدیو کلیپ‌های آرش با او همکاری می‌نماید. **علی گیتور** سرشناس‌ترین DJ در اروپاست. او محبوب هزاران دختر و پسر در میان ملیتهای مختلف است. و بالاخره **فرشید امین** هنرمندی که یکشنبه ره صد ساله رفته است و در این کنسرت به‌ترینمایش را عرضه خواهد کرد. ۱۹ سپتامبر در شهر کلن حادثه‌ای مهم در دنیای هنر ایرانیان اتفاق می‌افتد و چند نسل از ایرانیان در این برنامه کنار هم و با هم شبی بیاد ماندنی و فراموش ناشدنی را در سالن رویایی **LANXESS ARENA** خلق خواهند کرد.

قنادی و خشکبار بهار و سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون



آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

گوشت و مرغ حلال

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ، سی دی و ویدیوهای ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.

Tel: 020 7603 8909

347 Kensington High St. W8

مجله رنگارنگ همیشه زبانزد همگان است

پیام تبلیغاتی خود را در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE & FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St

London W1K 6WD

Under New Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

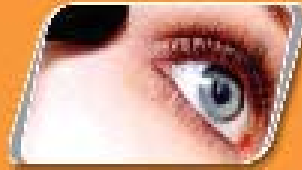
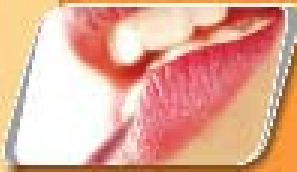
Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae

سالن آرایش و زیبایی هایدی استودیو

Hydi Studio



با ارایه کلیه خدمات آرایشی و زیبایی توسط کادر مجرب ایرانی در خدمت هموطنان عزیز می باشد

- ۱- خدمات آرایشی و مو: شامل مش، فر، های لایت، کوپ و کاشت مو
- ۲- خدمات زیبایی: شامل انواع فیشال پوستی، بند و ابرو و وکس، استفاده از مواد Micro derma bration, Guimot, KC, Dermologica, لیزر
- ۳- خدمات ناخن: شامل مانیکور و پدیکور و کاشت ناخن
- ۴- انجام تزریقات زیبایی بتاکس و فیلر توسط جراح متخصص با نازلترین قیمت

۱۰٪ تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز

سالن هایدی استودیو در قلب لندن (منطقه ریجنتس پارک) آماده ارایه خدمات به ایرانیان عزیز می باشد

106 ROBERT STREET ,REAGENTS PARK LONDON NW1 3QP

Tel: 020 74 19 96 01

www.hydistudio.co.uk

hydistudio@hotmail.co.uk

Design by : Rangrang Media Group

سوپر تهران

جدیدترین و شادترین
کاست ، سی دی و
ویدیوها با قیمت‌هایی
استثنایی فقط در
سوپر تهران

شما می توانید
شیرینیجات،
بستنی، فالوده ایرانی
خشکبار، ترشیجات و
دیگر محصولات ایرانی
را از ما تهیه فرمائید.

565 , Finchley Road , London NW3

Tel: 020 7435 3622

Fax: 020 7431 9595

حضور اعتراضی میلیونها ایرانی در سراسر جهان از دریچه دوربین



جنوب اسپانیا



هامبورگ - آلمان



استکهلم - سوئد



وین - اتریش



برلین - آلمان



لس آنجلس - آمریکا



لندن - انگلستان



مالمو - سوئد



تورنتو - کانادا

بعضی‌ها نان چي را میخورند؟



دیش ما به هم ریخت. شلوغی‌های ایران باعث شد. آمدم صدای آمریکا را بگیریم؛ بی.بی.سی. اش در رفت. بی.بی.سی را درست کردیم یک کانال جمهوری اسلامی هم جایزه گرفتیم. (یکی بخر دوتا ببر!). اما صدای آمریکاش سیاه شد. یک آقا وحیدی بود که ازدواج کرد. (وگرنه میگفتم هست.) هروقت گیر میکردیم میآمد. حالا هم البته هست. خیلی بیشتر از قبلش هم هست اما به جای اینکه بیاید دیش ما را درست کند با خانمش میروند خرید.

زنگ زد م طفلکی توی فروشگاه بود. گفت شما دستش نزنید من هفته آینده میام. رفیقم پیشم بود. گفت تا هفته آینده کی مرده کی زنده، بیا بهش دست بزنیم! گفتم نه. بدتر خرابش میکنیم اقا وحید میاد دعوامون میکنه، لابد یک چیزی

گوش داد. یک ریشویی با قطع و وصل حرف میزد. پرسیدم کدام کاناله؟ گفت مگه نمیشنوی چی میگه؟ رژیمه. بعد فحش بد داد به یارو. گفت ببین چی میگه. (نقطه چین‌ها فحش بد بود.) دوباره پرسیدم کدام کاناله؟ گفت نمی‌بینی میگه همه چیز آرامه؟ نمی‌بینی میگه دولت‌های غربی راجع به تقلب در انتخابات اعتراضی ندارند. پرسیدم کدام کاناله؟ داد زد: رژیم! گفتم تلویزیون رژیم که از این حرفا نمیزنه. این انگار بی.بی.سی.یه. گفت غیرممکنه. یارو مفسره انگار شیش تا دستمال ابریشمی قووت داده (نقطه چین!) گفتم پس خودش.

بی.بی.سی.یه! گفت غیرممکنه! دو فحش مترادف زشت داد. گفتم فحش زنده. بی.بی.سی.یه!! گفت غیرممکنه! و تصویر رفت. صدا هم رفت. ای داد بیداد! حالا از کجا بفهمیم کی بود؟ کدام کانال بود؟ آمدم طبقه‌ی بالا پای کامپیوتر. رفیقم توی پله‌ها بیست پوند باهام شرط بست. رفتم روی سایت گویا از آنجا رفتم پخش زنده‌ی بی.بی.سی. آقای شهریار رادپور کارشناس امور بریتانیاشون داشت راجع به روابط دو کشور حرف میزد. رفیقم یک بیست پوندی و یک فحش آبدار رد کرد.

حکایت موش و صندوق رأی

شنیدم یکی موش صاحب مقام به تجدید منصب نمود اهتمام

یکی صندوق رأی را دیده بود برای تقلب پسندیده بود

به بالای صندوق نشستی کمین بمالیده بر خویشتن وازلین

شبانۀ بدان هیکل لیز و صاف به صندوق فرو رفت از آن شکاف

هرآنکس حقیر است و نرمش‌پذیر به رخنه نمودن ندارد نظیر

چه سوراخ موش و چه کانال سوسک چه جرز دکان و چه مال کیوسک

چه در درز خشتک، چه چاک لباس جلومیرود مثل کک مثل ساس

چو آن موش ناچیز بنمود سعی توانست رفتن به صندوق رأی

در آنجا همه رأی‌ها را که خواند دلش گشت غمگین و افسرده ماند

که با آنهمه عرض اندام او نبود یکی رأی بر نام او

به خشم آمد از کار ملت شدید همه رأی‌ها را به دندان جوید

عرق بر سراپای جانش نشست چه دشنام‌ها بر زبانش نشست

چو میخواست برگردد از آن شکاف نه دیگر تنش لیز بود و نه صاف

ز بلعیدن رأی از روی حرص همی هیکش بود مانند خرس

دریغا که بر آب زد بیگدار نبودش در آن حال راه فرار

بدینگونه آن موش دزد و دله بیفتاد از هول توی تله

خبر گشت آن رهبر از حال موش بگفتا خودم گفته بودم بکوش

ولی گز نکرده چرا پاره کرد نه خود که مرا نیز بیچاره کرد

چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد به روبریز که حرف دارم زیاد

که من از همان سال پنجاه و هفت شدم واقف از ظلم و جوری که رفت

ولیکن همین چشمه‌ی آخری بود «اند» شلتاق و افسونگری

بسی حقه دیدم در این سال سی تقلب ندیدم بدین خالسی

آرزو داشتید الان کار دیگری میکردید؟

آیا برای شغل دیگری آموزش
دیده‌اید، ولی فاقد مهارت در
انگلیسی و یا مدارک بریتانیا هستید
تا آرزویتان برآورده شود؟
کمک پیش پای شما است

به **The Careers Advice Service** (سرویس راهنمایی مشاغل) تلفن
کرده و با مشاور فارسی زبانی صحبت کنید، آنها میتوانند کمکتان کنند تا
آرزویتان تحقق یابد.

هم امروز برایگان تلفن کنید
خطوط تلفنی دوشنبه تا جمعه ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر دایر است.

0800 093 1116
direct.gov.uk/careersadvice

CA09/Farsi/press/teacher

**Careers
Advice**



مشاورین املاک کلید طلایی (GOLDEN KEY)

شاید تا سالهای آینده چنین فرصت طلایی پیش نیاید

شما میتوانید با کمترین سرمایه در بهترین مناطق زیبای اسپانیا صاحب خانه شوید

ما برای شما ویزای شینگن از ایران و سایر کشورها تهیه خواهیم کرد

کافی است که خانه خود را انتخاب کنید . ما کلیه هزینه های هواپیما ، هتل، ایاب وذهاب و اقامت شما را پرداخت خواهیم کرد



دفتر مرکزی اسپانیا

0034 951 29 59 35

0034 637 98 7009

انگلستان

0044 755 44 27 425

goldenkeyspain@googlemail.com



۲۰ سؤالی با هنرمندان



مهمان این شماره:
اندی

بیقرار بود و آلبوم کورس نسل من که هر دو بسیار موفق بود. ولی مهم این است که ما دو نفر هنوز از بهترین دوستان یکدیگر هستیم و این جدایی هنری خللی در دوستی مان به وجود نیاورده است.

۴ - نیی از لندن، انگلستان

س: تا به حال ازدواج کرده‌ای؟ شینی دختر توست یا همسرت؟

این سوال خیلی سیاسی شد. (اندی با خنده) ولی به نظر من مهمترین مسئله میان زن و مرد عهد و پیمان و قول و قراری است که با هم می‌گذارند حالا می‌خواهد اسمش ازدواج باشد یا دوست دختر و پسر با هم بودن. من سالهاست با شینی زندگی می‌کنم و براساس قول و قرارهایی که میان ماست با هم هستیم و هر دو پای آن ایستاده‌ایم.

۵ - رضا از هامبورگ، آلمان

س: در سال چند کنسرت و برنامه اجرا می‌کنی و درآمدت چقدر است؟

هیچوقت حساب نکرده‌ام در سال چند تا برنامه می‌روم و چقدر می‌گیرم. مهم این است که آخر سال هر چه درآورده‌ایم به همان نسبت هم خرج کرده‌ایم و تهاش چیزی نمانده است.

۶ - نیکی از کلن، آلمان

س: از صدای کدام خواننده مرد و زن ایرانی و خارجی خوش می‌آید؟

این سوال فکر می‌کنم نیاز به زمانی زیاد دارد چون تعداد خوانندگان مورد علاقه من خیلی‌ها هستند که واقعاً در این لحظه نمی‌توانم از خواننده خاصی نام ببرم.

۷ - شبنم از آمستردام، هلند

س: خاطره انگیزترین آهنگی که همیشه به یاد داری کدام است؟

این سوال هم مثل سوال قبلی است. تعداد آهنگهای خاطره انگیز خیلی زیاد است که

برای نخستین بار در مطبوعات مجله رنگارنگ ارائه می‌کند.

۲۰ سؤالی از سوی ۲۰ خواننده مجله از هنرمندان محبوب خود

۱ - هانیه از بنال مدنیا، اسپانیا

س: چرا خواننده شدی؟

از بچگی عاشق موسیقی بودم. در خانه ما، پدر و مادرم همیشه می‌خواندند و شوق خواندن در همان دوران در من بود و آهنگهای مورد علاقه‌ام را زمزمه می‌کردم. به خاطر همین علاقه به دنبال تحصیل موسیقی رفتم و تا پایان تحصیلات دانشگاهی به آموزش موسیقی اصولی و علمی پرداختم.

۲ - حامد از استراسبورگ، فرانسه

س: فکر می‌کنی برای خوانندگی صدا مهمتر است یا سواد موسیقی داشتن؟

مسلماً صدا مهمتر است. شما وقتی صدا نداشته باشی، بهترین معلم‌های صدای دنیا را هم استخدام کن که به تو آموزش بدهند جواب نخواهد داد. صدای خوب داشتن در کنار استعداد هدیهای است که خدا به تو می‌دهد و اگر صدا نداشته باشی با تبلیغات و هیاهو نمی‌توانی ماندگار و محبوب باقی بمانی هر چند سبک و شیوه استفاده از صدا هم سلیقه‌ای و سبکی است و هر خواننده‌ای نوع سبک خواندن را انتخاب می‌کند ولی در نهایت باید صدا داشته باشی.

۳ - علیرضا از لندن، انگلستان

س: چرا از کوروس جدا شدی؟

چند دلیل داشت. ما دو نفر حدود ۷ - ۸ سال با هم کار کرده بودیم و یواش، یواش سلیقه‌ها مان عوض می‌شد و هر کدام دلمان می‌خواست بیشتر کاری را عرضه کنیم که به تنهایی می‌پسندیدیم. مسئله بعدی که از همه مهمتر بود بخش مالی بود که دستمزد ما دو نفر عملاً به اندازه یک نفر پرداخت می‌شد و از نظر اقتصادی برای هیچکداممان صرف نداشت. با همین جمع‌بندی هر دو به این نتیجه رسیدیم که از هم جدا شویم و بنا به سلیقه و ایده‌های خودش هر کس کارش را دنبال کند که نمونه آن اولین کار من

۸ - مجید از گلاسکو، اسکاتلند

س: دلت می‌خواست کدام آهنگ را که خواننده‌ای دیگر خوانده است تو بخوانی؟
سوال بسیار خوبی است ولی نیاز به فکر کردن دارد که الان فرصت آن نیست که واقعاً بگم کدام آهنگ را دلم می‌خواست می‌خواندم.

۹ - بهنام، بروکسل، بلژیک

س: نظرت درباره موسیقی در ایران چیست؟

خیلی سوال کلی است که سعی می‌کنم در چند بخش کوتاه پاسخ بدهم. موسیقی کلاسیک یا همان موسیقی اصیل که در ایران شناخته شده است بسیار پیشرفت کرده، چون مورد حمایت و تشویق هم قرار دارد ولی آنچه به اسم موسیقی پاپ جریان دارد بخشی که اصطلاحاً «اندرگراندی یا زیرزمینی» نامیده می‌شود کارهای خوبی تولید کرده‌اند که اکثراً به صورت گروهی و استفاده از نوازندگان سازهای مختلف است ولی بخشی که به نام پاپ مطرح شده بیشتر برای رقصیدن است تا شنیدن، چون کار را ساده کرده‌اند و با یک کیبورد و مجموعه‌ای من درآوردی که نیاز به نوازنده و کار گروهی هم ندارد به راه انداخته‌اند که متأسفانه بیشتر کارهای داخل به این سمت رفته است و به همین دلیل هم تعداد DJها هم بسیار زیاد شده است و تنها به درد رقصیدن می‌خورد ولی کارهای زیر زمینی قابل شنیدن‌تر هستند ولی اگر بخواهیم تولیدات داخلی را با لس‌آنجلس مقایسه کنیم اصلاً قابل مقایسه نیستند زیرا در لس‌آنجلس موسیقی پاپ سالهاست که روی آن کار شده و کسانی تلاش و زحمت کشیده‌اند که صاحب آگاهی و دانش و تجربه هم بوده‌اند.

۱۰ - شیرین از پاریس، فرانسه

س: اگر از تودعوت شود به ایران می‌روی؟ اگر بله، چرا؟ اگر نه، چرا؟

من فکر نمی‌کنم چنین دعوتی از من بکند یا من در این شرایط چنین قصدی داشته باشم. چون وقتی هنوز کار من در ایران ممنوعه و تولیدات هنری من در مغازه‌ها حق عرضه آزاد به مردم را ندارد و نمی‌توانند کارهای مرا بفروشند در رادیو و تلویزیون داخل کشور حق پخش آهنگ یا تصویری از من را ندارند، حتماً چنین دعوتی هم وجود نخواهد داشت. اگر روزی شرایطی فراهم شود و صدا و تصویر من از رادیو و تلویزیون دیده و شنیده شود، شرایطی فراهم شود که نویسندگان و روزنامه و نشریات آزاد باشند حتماً آن زمان دیگر نیازی به دعوت از من نیست و من صد درصد خودم به ایران خواهم رفت.

۱۱ - رهام از منچستر، انگلستان

س: موزیک لس آنجلسی یعنی چی؟ این اشاره‌ای خوب است یا بد؟

موزیک لس آنجلسی لقب خوبی است بستگی دارد که هر کس چه برداشتی داشته باشد. اگر کسی با طعنه آن را به کار می‌برد شعور و درک درستی ندارد زیرا سی سال است که گروهی در لس آنجلس با هزاران مشکلات و سختی توانسته‌اند موزیک لس آنجلسی که در واقع همان حفظ موزیک خودمان بوده است را حفظ کنند. بخشی از این القاب را هم گروه‌های سیاسی رایج کرده‌اند تا به نوعی هنرمندان را زیر سوال ببرند و اجازه ندهند هنرمندان سبیل‌ها و الگوهای مردم باشند. در لس آنجلس سی سال است که نیروی عظیم فعالیت می‌کنند. اکثراً تحصیل کرده و آگاه هستند و تجربه به دست آورده‌اند و حتی در جامعه جهانی موزیک هم مورد احترام هستند. این مجموعه را موزیک لس آنجلسی باید گفت.

۱۲ - بهار از برلین، آلمان

س: اگر خواننده نمی‌شدی چه شغلی را انتخاب می‌کردی و چرا؟

احتمالاً به فوتبال می‌پرداختم چون فوتبال هم بخشی از زندگی من است. کما اینکه هنوز در هفته چند جلسه به فوتبال بازی مشغول هستم. ولی شغل وکالت را هم دوست دارم چون فکر می‌کنم می‌توانستم از مردمی دفاع کنم که خودشان از عهده دفاع از حق‌شان بر نمی‌آیند و من می‌توانستم از آنان دفاع کنم.

۱۳ - امیر از لندن، انگلستان

س: هوادار چه تیمی در ایران و چه باشگاهی در خارج از ایران هستی؟

در ایران طرفدار تیم ملی هستم و در خارج از کشور هم هر با شگاهی فوتبال زیباتری

۱۴ - شایان از هانوفر، آلمان

س: عزیزترین کس در زندگی‌ت کیست؟

این هم از همان سوالهای سیاسی است چون همه فکر می‌کنیم عزیزترین کس باید انسان باشد زیرا خود انسان خودخواه است و فکر می‌کنم مهمترین موجود روی کره خاکی است در حالی که حیوانات هم می‌توانند عزیز باشند و نقشی عاطفی و احساسی شدید در زندگی انسانها داشته باشند ولی برای من عجیب است که ایرانیان با این همه مهربانی چرا با حیوانات خوب رفتار نمی‌کنند.

۱۵ - ارشیا از لیدز، انگلستان

س: مسئولیت یک هنرمند درباره حوادث تلخ در ایران چیست؟

درباره دیگران نمی‌توانم اظهار نظر کنم ولی من هم مانند یک روزنامه‌نگار یا پزشک و نجار و صاحب هر شغل دیگری مسئولیتهای خودم را دارم. من به عنوان یک هنرمند سعی می‌کنم آهنگی بخوانم که اثرگذار باشد. دل مردم را شاد کند و انرژی مثبت به آنان منتقل نماید و این کاری است که یک هنرمند باید انجام دهد. البته به نظر من

۱۶ - مهدی از پاریس، فرانسه

س: ورزشکار مورد علاقه‌ات ایرانی و خارجی کیست؟

واقعاً سوال سختی است که بخواهم اسم خاصی را بگویم چون ورزشکاران خوب با ویژگی‌های منحصر به فرد زیاد هستند.

۱۷ - سام از مادرید، اسپانیا

س: اگر بخواهی گروهی جدید با چند خواننده تشکیل بدهی چه کسانی را انتخاب خواهی کرد که با تو همکاری کنند؟

گروه که نیاز به چند خواننده ندارد که انتخاب کنم اگر منظور نوازنده‌ها هستند که من بند خودم را دارم

۱۸ - آرزو از لندن، انگلستان

س: اگر روزی به ایران رفتی، اولین مکانی که دوست داری برنامه اجرا کنی کجاست؟ و اولین آهنگی که خواهی خواند کدام خواهد بود؟
مجیدیه در تهران و شاید در آن لحظه به حدی هیجان زده باشم که آهنگ ما همه ایرونی هستیم را بخوانم.

۱۹ - کیانوش از لندن، انگلستان

س: چرا آهنگ «رضا موتوری» فرهاد را خواندی؟

در دنیای موسیقی جهان یک سنت و رسم قابل احترام وجود دارد و آن هم بزرگداشت و پاسداری از نامهای بزرگ و ماندگار در جهان موسیقی است. البته در هر کشوری ممکن است کاری از هنرمندی بزرگ را با سبک و طرحی جدید اجرا کنند. مثلاً کارهایی از بتهوون را بزرگترین ارکستر سمفونیکهای دنیا اجرا کرده‌اند با فرم و شکلی متفاوت چون مهم احترام و سپاس به ارزشهای هنری ماندگار بتهوون است. من هم اگر کاری از فرهاد را خوانده‌ام، این نشانه کامل عشق و ارادت من به این هنرمند بزرگ و ماندگار است چون من از بچگی عاشق فرهاد و سبک و کارهای هنری‌اش بودم و به خاطر ادای این علاقه به فرهاد آهنگ رضا موتوری را اجرا کردم. فرهاد و اسفندیار منفردزاده کارهایی ماندگار از خود به جای گذاشته‌اند

۲۰ - مجتبی از لندن، انگلستان

س: ابا آرزویی داشتی که به آن نرسیده باشی؟

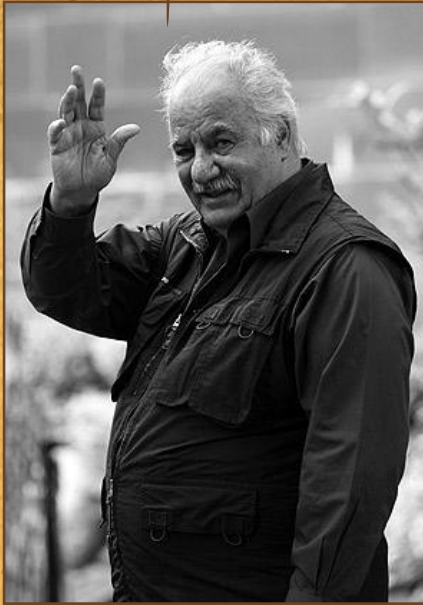
بله، رفتن به ایران.

سؤالات شما از هنرمندان محبوبتان

در شماره آینده شهره صولتی پاسخگوی سؤالات شما خواهد بود

میتوانید هر سؤالی دارید از او پرسید .

برگ ریزان عزیزدانه های مردم



هر روز از درخت به غم نشسته عشق‌ها و عاطفه‌های ملت ایران، برگ‌ها به زمین می‌ریزد. باغبانی ریشه‌کن داس بی‌رحم‌ش را بر پیکره این درخت سی سال است که می‌کوبد و هنوز هم از سایه این درخت ریشه‌دار می‌ترسد. سی سال است عزیزدردانه‌های ملتی را به جرم عشق مردم به آنان، تحقیر، اذیت، آزار و خانه نشین کرده‌اند.

این مظلومان بی‌گناه جرمشان محبوب بودن در میان ملتی است که سی سال بدون حضور هم مهرشان در دل مردم پررنگ‌تر شده است. در صحنه نباشی، سانسورت کنند، اجازه حضور در رسانه‌ها را نداشته باشی، شهروند در کشور به حساب نیایی، ولی مردم محبت و عاطفه‌هایشان را به زیر پایت بریزند از شگفتی‌های راز دل است.



این عزیزدردانه‌های دلهای مردم هر روز چون برگ‌ها غم‌زده به زمین مرگ فرو می‌افتند! مرگی که با حضور روضه‌خوانهای شارلاتان ۳۰ سال پیش زندگی را از این محبوبان قلبهای مردم ایران گرفت.

۳۰ سال گذشته می‌توانست چه آثاری درخشان از سوی این محرومان خلاق و با استعداد بوجود آید که گزیده‌های خمینی جلوی‌ش را سد کردند تا آدمهایی بی‌بضاعت از استعداد و کوتوله‌های فکری به جای طاغوتیان حضور بیابند.



از نسل کنج قفس نشسته تنها خبر مرگشان در رسانه‌های رژیم منعکس می‌شود یا چون بالماسکه‌ای تهوع‌آور در سالهای فرتوتی و پیری، آنان را به صحنه می‌کشاند که زیر پوشش بزرگداشت در واقع شکستن و خرد شدن آنان را نشان مردم دهند تا اعتبار و محبوبیت و یادگارهای ذهنی مردم را بشکنند. ولی راز دل عاشق همیشه ماندگار است.

۳۰ سال اینان تلاش کردند ذهن و خاطره مردم را پاک کنند ولی هر روز نقش عزیزدردانه‌های ملت ایران پررنگ‌تر شد. موحّد، قلیچ‌خانی، مصطفی‌عرب، محمد نصیری، عزیز اصلی و... در سینما، فردین، ناصر ملک مطیعی، فروزان، پوری بنایی، بهروز وثوقی، منوچهر وثوق، رضا بیک ایمانوردی و... در موسیقی، پرویز یاحقی، بیژن ترقی، سوسن، آغاسی، ویگن، الهه، مهستی، هایده و... در ادبیات، نادر نادریپور، سهراب سپهری، آتشی و... مگر می‌شود عکس و یاد اینان را از دل مردم درآورد؟

هرچند برگهای عاطفی مردم ایران از درخت زندگی فرو ریزند، ولی هیچگاه سایه حضورشان از دلها و خانه‌های مردم محو نمی‌شود.



چشمی با هزار نگاه



تکنولوژی در کنار استفاده از دروس روانشناسی و صرف هزینه باعث انباشت سود کلان در انبان رژیم میشود که از خوشی سر به آسمان بساید و با افتخار اعلام کند دیواره های تبلیغاتی - دفاعی رژیم مستحکمتر از ادوات جنگی اوست و راست هم می گوید زیرا چندین میلیون مخالف؛ مبارز و خواهان سرنگونی رژیم امروز بی تفاوت؛ بی تفکر و حتی سود هم به رژیم به ارقام نجومی می رسانند چندین میلیون ایرانی با خرید بلیط هواپیما؛ پرداخت هزینه های گوناگون به سفارت خانه های رژیم برای شناسنامه؛ پاسپورت؛ وکالت نامه؛ تأییدیه؛ دفترچه ملی؛ خرید سربازی؛ فروش خانه و.....

سرمایه ای هنگفت را تقدیم خزانه رژیم می کنند تا ثابت شود استفاده درست از سیستم روانی؛ تبلیغات چقدر می تواند موثر باشد حتی اگر دشمن قسم خورده هم از آنان بهره می گیرد باید گفت و تاکید کرد که ایکاش اپوزیسیون هم می توانست از این حربه و ابزار تعیین کننده بهره مند شود

رژیم جهت اجرای اهداف تبلیغاتی خود و در تربیونهای مختلف با کم ترین قیمت اجناس فیزیکی خود را خریده است گردانندگان کانالهای تلویزیونی که هر یک در تلاش و کوشش هستند تا بازی سرگردانی و بلا تکلیفی و ناامیدی مردم را بخوبی پیاده کنند روزنامه نگاران و مفسرین و سیاسی پردازانی که با قبول ژست مخالفت با رژیم عملاً نقش آب بیارن معرکه را بهعهده گرفته اند و با تظاهر با مخالفت با بخشی از رژیم عملاً بخش دیگر رژیم را اپوزیسیون رژیم کرده اند و با حمله به بخش اول رژیم برای بخش دوم طرح خود مشروعیت می خردند که مردم ساده لوح قبول کنند اینان مخالف رژیم هستند و دلایل این مخالفت هم حمله و فحاشی به جناحی از رژیم است ولی زیرکانه جناح دیگر رژیم با آب توبه ریختن بر سرش به مقبولیت می رسانند مانند طرح محمد خاتمی و چهره هایی دیگر که مردم ساده لوح باور کنند اینان افراد سالم و پاکتر از سایر همپالگی های حکومتی می باشند که امثال نوری زاده ها؛ بهنودها؛ فرخ نگهدارها؛ مجتهد زاده ها و مجید تفرشی ها و صدها رسوا و پادوی دیگر از جمله این خدمتگزاران این بازی کثیف هستند و صد البته من و شما بعنوان "مردم" خنجر خونین بدست گرفته ایم و بر پیکر کشور و هموطنان خود فرو می کنیم و طراح این ضربات هولناک رژیم است و پادوهایش که هر یک نقش روانی تبلیغاتی خود را بخوبی ایفا می کنند و افکار من و تو را بازی می گیرند و با ترفندهای عوامفریبانه باعث نگون بختی ملتی می شوند که هر روزه زیر چرخ های بی رحم حکومت آخوندی نابود می شوند و نا زمانی که من و شما بعنوان یک انسان ایرانی ذره ای مسئولیت و تفکر و دقت نداشته باشیم در بر همین پاشنه شوم خواهد چرخید.

خون جوانانمان در ایران پایمال نشود

۴۰ کانال تلویزیونی، هزاران سایت اینترنتی، صدها کانون و انجمن خیریه و فرهنگی و هزاران حقوق بگیر خارج از کشور نشین دیوار دفاعی رژیم شده اند

برای روانشناسی جامعه ای که در آن زندگی می کنید باید چندین فاکتور مهم و تاثیر گذار را بشناسید حافظه تاریخی مردم آن جامعه علائق و تعصبات ویژه مردم تخیل پذیری و پذیرش شایعات آسان باوری و قبول موضوعاتی که پایه و اساس عقلانی و منطقی ندارد

چند نمونه بالا که ذکر کردم بخشی از موضوعات روانشناسی جامعه در کلاس های تدریس حرفه ژورنالیستی است که باید یک ژورنالیست حرفه ای در کنار دانش و آگاهی های گوناگون در زمینه های مختلف شناختی هم از روانشناسی جامعه خود داشته باشد و امروز اثرات دقیق و کارشناسانه عملکرد جمهوری اسلامی را در استفاده از ابزار و امکانات حرفه ای تبلیغات روانی بخوبی می بینیم که چطور با اهرم موثر سرمایه که از خزانه ملت ایران خرج میشود و در خارج از کشور با بکارگیری شیوه روانی - تبلیغاتی جامعه ایرانیان خارج از کشور را اخته کرده است و متجاوز از چند میلیون ایرانی فراری و پناهنده را بشکل مسافر بیلاق و قشلاق و سود آور درآورده و سلیقه و ذائقه و اصول اخلاقی؛ انسانی آنان را بدلخواه خود تغییر داده است و برای اجرای این پروژه شوم ضد ایرانی تامین هزینه دکانهایی که خود طرح آن را داده است باعث بساطی جنجال ساز و منحرف کننده شده که سگ صاحبش را نمی شناسد

ایجاد ده ها کانال تصویری بی محتوا و هم شکل و هم خط که تمرکز و تفکر بیننده را بر هم می زند و او را به ابتذال بینی می کشاند و سلیقه و ذائقه بیننده را در سطح دلخوش کردن به تصاویری آهنگین یا فحش کاری های سیاسی مشغول می سازد و برگ برنده در جذب اکثریت میلیونی بینندگان ایرانی را خود رژیم زمین می زند و میلیونها ایرانی فراری برای فرار از تصاویر بیش از چهل کانال بی برنامه سراغ تصاویر دولتی آخوندی میرود تا از سریالها؛ فیلم ها؛ برنامه های ورزشی؛ آشپزی و غیره خانه پدري بهره مند شود و در عمل ثابت شود استفاده از علم و دانش

شبی که روح مصباح زاده در قبر لرزید

خانم انصاری چشمانتان روشن!

پیوند کیهانی های تبعیدی با اطلاعاتی های رژیم

نوری زاده رسماً پیوند و حضور ماموران رژیم را با کیهانی های لندن اعلام کرد

کیهانی های لندن جمع شده بودند که جشن سالگردشان در تبعید را برگزار کنند و به خود ببالند که طی این سالها مجبور شده اند رنج و فشار و مشکلات غربت را تحمل کنند ولی نشریه ای علیه متجاوزان به کشورشان را سر پا نگهدارند! برای این افتخار و سرفرازی چنین جشنی را برپا ساخته بودند و این نمایش زمانی مضحک و باعث رسوایی و آبروریزی شد که نوری زاده چهره رسوا و تبلیغاتی خامنه ای، خاتمی، رفسنجانی و... و پشت تربیون به طور رسمی با خوشحالی و مسرت و ذوق اعلام کرد که در این جشن احمد سام مدیر روزنامه اطلاعات رژیم هم در این گردهمایی حضور دارد و تشریف فرمایی ایشان را در جمع تبعیدیان تبریک گفت.

اینکه نوری زاده ماهیت خود را در پیوند با عوامل رژیم اعلام می کند که حرف تازه ای نیست مهم اینکه کیهانی ها که قبلاً متهم به همکاری با اصلاح طلبان داخل کشور بودند، با این اعلام رسمی دیگر جای شک و شبهه ای باقی نگذاشتند و باید به حال مصباح زاده گریست که حتی در قبر هم میراث خوران زیر و روکش راحتش نمی گذارند و سوالی از خانم نازنین انصاری کرد که چه توجیهی برای این شامورتی بازی های همکارانش دارد.

ورزش آینه نمادین

هر کشوری در

جهان است



انگیزه های ملی، مالی در کشورها و قاره های مختلف جهان متفاوت است. همه ملتها در سراسر جهان از پیروزی های ورزشی بالاتر از هر حادثه یا اتفاقی خوشحال و مغرور می شوند.

جوامع بشری در عصر ماشینی شدن زندگی و حضور تکنولوژی در زندگی روزمره که باعث می شود تحرک و فعالیتهای بدنی انسانها هر روز محدودتر شود، ورزش نقش و حضوری حیاتی و سرنوشت ساز پیدا کرده است. ورزش آینه نمادین سلامت و نشاط و شادابی هر جامعه ای است که به ورزش اعتبار و ارزش لازم را بخشیده است.

ورزش در جهان امروز و در کشورهای مرفهی و پیشرفته در ۳ برنامه تدوین شده است:

۱- ورزش پایه

۲- ورزش عمومی

۳- ورزش قهرمانی

ورزش پایه از مرحله دبستان و دبیرستان شکل می گیرد و در سیستم های حکومتی اروپایی و آمریکایی و کشورهایی نظیر کانادا و استرالیا با اولویت بخشیدن به توسعه امکانات و تسهیلات و ایجاد اماکن لازم برای ورزش در مدارس زمینه ساز آشنایی و فراگیری و پرورش نوجوانان و جوانان در ورزش می شوند و دروس ورزشی در چنین جوامعی از اهمیت و اولویتی خاص برخوردار است هر چند جنبه قهرمانی ندارد و ورزش اجباری است. زیرا نیاز نوجوان و جوان به ورزش و یادگیری رشته های مورد علاقه آنان است.

ورزش عمومی بسیار مهمتر و حیاتی تر از ورزش قهرمانی در جوامع پیشرفته است زیرا در ورزش عمومی اکثریت مردمان یک کشور که بالغ بر دهها میلیون انسان می شوند به ورزش روی می آورند و چنین آمار و ارقامی از حضور انسانها برای ورزش نیازمند تاسیسات، امکانات و فضای لازم ورزشی در هر کشوری است. هر یک از ما که امروز در یک کشور اروپایی زندگی می کنیم به سادگی می توانیم با کمترین هزینه در نزدیکترین محل زندگیمان به ورزش بپردازیم. در یک مقایسه ساده مثلاً اگر انگلستان را در نظر بگیریم، جمعیتی تقریباً اندازه ایران دارد ولی از نظر مساحت چندین برابر از ایران کوچکتر است ولی در مقایسه با امکانات و فضاهای ورزشی شاید منچستر یا لیورپول یا لندن هر یک از این شهرها به تنهایی از تمام ایران امکاناتشان بیشتر است. زیرا در این کشورهای پیشرفته، حکومتها در سیستم های مردمی و علمی و پژوهشی عمل می کنند و تغییر دولتها تاثیری در روند پیشرفت و ایجاد تسهیلات بیشتر ورزشی در این کشورها ندارد. زیرا ورزش در کشورهای پیشرفته و متمدن نهادینه شده است و هر کس به فراخور علاقه،

وقت و توان خود به ورزش عمومی می پردازد.

ورزش قهرمانی امروز یک صنعت و تجارت جهانی است که سرمایه گذاری و تولید حرف اول را می زند و «باشگاهها» ویتترین تمام عیار ورزش قهرمانی در هر کشوری است. مدیران و سهامداران باشگاهها با استفاده از اصول علمی و مدیریتی در ورزش کارها را به دست کاردانها می سپارند و چهره های کاردان و شایسته کسانی هستند که مورد قبول احترام و علاقه مردم قرار دارند و سود و زیان عملکرد این مجموعه شامل گردانندگان آن می شود و دولتها نقشی در تعیین تکلیف و دخالت در امر ورزش حرفه ای باشگاهها را ندارند مگر در زمینه های تخلفات یا جرم های حقوقی که قانون دخالت می کند.

چهره ها و منتخبین و زنده های ورزشکاران باشگاههای هر کشوری به تیمهای ملی راه پیدا می کنند و نقش قهرمان و سمبل و الگو جامعه خود می شوند. این قهرمانان و سمبل های بزرگ یک شبه خلق نمی شوند و یک روزه هم محو نمی گردند. اینان از شکم سیستم ها و سلسله مراحل مدیریتی، علمی، فنی و برنامه ریزی شده تولد می یابند و پس از قهرمانی نیز در جامعه خود نقش سازنده و راهبری را به عهده می گیرند زیرا سیستم و بستر ورزش برایشان مهیاست. به همین دلیل ورزش آینه نمادین هر کشوری است.

در ایران کلیه فضاهای حیاتی و مورد نیاز برای ایجاد امکانات ورزشی و سالم سازی جامعه را به پادگانها و بازداشتگاهها اختصاص داده اند. عشرت آباد، باغشاه، چهارراه قصر و... هزاران هکتار زمین در بهترین نقاط تهران را به موضوعاتی اختصاص داده اند که اصلاً محل حضور آنان در وسط شهر غلط است. کما اینکه شما در هیچ کشور پیشرفته ای شاهد حضور این همه پادگان و بازداشتگاه در وسط یک شهر نیستید. این است تفاوت از زمین تا آسمان حکومتی ضد مردمی با دولتهایی مردمی که تشابه آن را به اشاره و ساده بیان کردم!

همه نگاهها به ورزش غلط است

گروهی ساده باور هستند و گروهی مامور فریب افکار مردم.

ورزش در نظام جمهوری ملایان در سه دهه گذشته تغییرات تاکتیکی مختلف داشته است که بحثی مفصل و جداگانه است ولی در دهه سوم رژیم همدش سرگرم کردن مردم و کنترل استادیوم هاست و در این رابطه با بودجه ای هنگفت و نجومی، قصد کنترل احساسات و واکنش های مردم را دارد تا مانند دهه گذشته، مردم فوتبال را سوژه تظاهرات خیابانی نسازند و فوتبال بهانه به چالش کشیدن رژیم در خیابانها نشود و برای مهار افکار

عمومی بخصوص جوانان پرهیجان و پرانرژی با گسترش بی شمار روزنامه ها و مجلات ورزشی و تلویزیونهای داخل کشور از حمایت و همکاری تلویزیونهای سایه در خارج از کشور هم سود می برند که آنان هم فقط مسئله فوتبال را منتهی به نتایج و تحلیلهای آبکی و سطحی نمایند و بانی و باعث تمان ناهنجاریها و افتضاحات ورزش را که بخشی از تمام کشور است را با هیاهو سازی به بیراهه بکشاند و با عزل این یا انتصاب آن افکار عمومی را مهار نمایند. ورزش در ایران و فساد کامل آن و کارنامه حقارت آمیز شکستهای خارجی و رشوه و دلالی و فروپاشی اخلاقی در ورزش آینه نمایانگر چهره زشت و پلید رژیم ملایان است که گروهی در خارج از کشور خود را مفسر، آگاه و تحلیل گر جا زده اند تا سر مردم را شیره بمانند، در حالی که باید از سوژه ورزش به اصل قضیه پرداخت که حکومت ولایت فقیه است.

ویتترین بی مسئولیت یا آدمهای...

حکایت ورزش در جمهوری اسلامی هم مانند بازی های سیاسی در خارج از کشور به شکلی در خط حفظ منافع رژیم ملایان طرح ریزی شده است.

چندین تلویزیون در خارج از کشور با حضور دهها چهره های گوناگون به ورزش نظام ملایان می پردازند که متأسفانه همه آنها فقط قصد دارند مردم را سر کار بگذارند و به مسائل سطحی و نتایج و نهایت به مربیان بپردازند تا مقصر اصلی و سیستم مافیایی حکومتی پنهان بماند و این در حالیست که افرادی سی سال است در ایران زندگی می کنند ولی چنین به قلب مسائل حمله می نمایند و عجب است در خارج از کشور عده ای چنان بازیهای رقت بار در می آورند که غیر از افسوس چیزی بر جا نمی گذارند.



حکومتگران مقابل قهرمانان تعظیم می کنند



ورزش و بخصوص فوتبال مذهبی جهانی و حکومتی جهانگشا شده است. پیامبران سرزمین مقدس سبز ۵ قاره جهان را فتح کرده اند.

در دورافتاده ترین نقطه آفریقا یا آسیا تا قلب نیویورک و پاریس و لندن همه مردمان دهکده جهانی فوتبال به شمار می روند. این مردمان میلیاردی در هر گوشه جهان مذهبشان فوتبال و پیامبرانشان ستارگان میدین ورزشی هستند. چنانچه از نسل های جدید درباره آگاهی ها و دانسته هایشان در مورد مذهب یا حکومتگران کشورشان سوالاتی پرسید مسلماً بیشترین سرشان را به علامت ندانستن تکان می دهند ولی چنانچه از آنان درباره قهرمانان و تیمهای محبوبشان در هر گوشه جهان پرسید هر سوالی را با آگاهی و هیجان و لذت پاسخ میدهند شاید آنان ندانند مسیح، محمد، پاپ،... چه تاریخچه ای داشته اند ولی زندگیتامه پله، مارادونا، رونالدو،

مسی و... با جزئیات می دانند ممکن است کلیساها و مساجد را شناسند ولی استادیوم های جهان را می شناسند و شاید فینالهای بزرگ فوتبال بهترین نمونه این مقایسه باشد که پادشاهان و روسای جمهور و نخست وزیران کشورهای جهان در صف می ایستند تا قهرمانان پیروز میدین فوتبال بیایند و با آنان دست بدهند و جالب اینکه برخورد ورزشکاران سلاطین وارتر از حکومتگران است.

تیم فوتبال پارس لندن خود را برای مسابقات تابستانی آماده می کند



هر یکشنبه و چهارشنبه در تمرینات عمومی تیم پارس علاقمندان با اصول صحیح فوتبال آشنا می شوند.

یکشنبه ها از ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر و چهارشنبه ها از ساعت ۶ تا ۸ بعدازظهر در منطقه برنت کراس شمال لندن تیم فوتبال پارس تمرینات خود را انجام می دهد.

تیم فوتبال پارس قدیم ترین شکل ورزشی در خارج از کشور است که به مرز ۳۰ سالگی نزدیک می شود.

محمود سرابی که از سال ۱۹۹۴ مربیگری و سرپرستی این تیم را به عهده دارد دارای مدرک جهانی فوتبال «فیفا» می باشد و سابقه مربیگری و بازیگری در تیمهای دسته اول باشگاههای ایران را دارد. او با کمک امیر رضایی منش از بازیکنان رده

تیم فوتبال منتخب ایرانیان ساکن شهر لیدز مهمان پارس لندن بود

معتبر محلی بازی کرده اند مجموعه ای امروز پارس را تشکیل می دهد.

مهمترین ویژگی تیم پارس، رعایت اصول نظم و انضباط و اخلاق ورزشی که فضایی دلچسب و آرامبخش برای شرکت کنندگان را فراهم کرده است که هر هفته تعداد بیشتری به این تمرینات روی می آورند. چنانچه شما هم یا افرادی از خانواده یا دوستان و آشنایانی دارید که سابقه بازی یا علاقه و استعدادی در خود می بینند می توانند در تمرینات تیم فوتبال پارس شرکت نمایند.

ملی فوتبال ایران هر هفته تمرینات تیم پارس را زیر نظر دارند.

شرکت کنندگان در تمرینات هر هفته با جدیت و علاقه به کار خود ادامه می دهند و قرار است از میان آنان تیمی منتخب در مسابقات مختلف شرکت نمایند که در برنامه های این تیم گنجانده شده است.

در تیم فعلی پارس بازیکنانی با سوابق بازیگری در باشگاههای ایران حضور دارند و جمعی نیز از جوانان با استعداد و آماده فراگیری بهتر، در کنار بازیکنانی که سالهاست در لندن در سطح لیگهای

تیم فوتبال پارس لندن عضو می پذیرد

به اطلاع کسانی که سابقه بازی فوتبال در رده های باشگاهی، جوانان یا نوجوانان را داشته اند

میرساند چنانچه مایل باشند میتوانند در تیم پاریس لندن شرکت نمایند.

این تیم زیر نظر محمود سرابی اداره میگردد.

علاقمندان میتوانند با تلفن ۰۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳ تماس حاصل نمایند

مردی که هرچه بخورد چاق نمی شود



آقای پری می تواند هرچیزی که دوست دارد مثل کلوچه، همبرگر و انواع دسر را بخورد بدون اینکه نگران چاق شدن باشد.

این مرد ۵۹ ساله به خاطر شرایط خاص که لیپودیستروفي نامیده می شود، به سرعت اضافه وزنش را از دست می دهد. او در کودکی يك بچه چاق بوده اما از سن ۱۲ سالگی با سوخت و ساز غیرطبیعی بدنش، وزنش شروع به کاهش و کم شدن کرد.

او برای درمان این مشکل خود، ابتدا شروع به خوردن بیش از حد غذا کرد اما به نتیجه ای نرسید و هیچ گونه افزایش وزنی پیدا نکرد.

آقای پری بیش از يك دهه انواع تست و آزمایشات را انجام داد تا بیماریش تشخیص داده شود و سرانجام مشخص گشت که بدن او ۶ مرتبه بیشتر از حالت طبیعی انسولین تولید می کند.



آیا میدانستید که...

کلمه «ماشین تحریر» (TYPEWRITER) طولانی ترین کلمه ای است که می توان با استفاده از حروف تنها يك ردیف کیبورد ساخت.

چشمک زدن زنان، تقریباً دوبرابر مردان است.

شما نمی توانید با حبس نفستان، خودکشی کنید.

محال است که آرنج تان را بلبیسید.

وقتی که عطسه میکنید مردم به شما «عافیت باش» میگویند، چرا که وقتی عطسه می کنید قلب شما به اندازه يك

میلیونیم ثانیه ایستد.

خوک ها به لحاظ فیزیک بدنی، قادر به دیدن آسمان نیستند.

در تایوان بشقاب های گندمی درست می شود و افراد بعد از خوردن غذا، بشقابشان را هم می خورند!

يك چهارم استخوان های بدن، در پای او قرار دارد!

اثر لب و زبان هر کس، مانند اثر انگشت او منحصر به فرد است!

اسم تمام قاره ها با همان حرفی که آغاز شده است پایان می یابد.

مقاوم ترین ماهیچه در بدن، زبان است.

انسان سالانه بیش از ۱۰ میلیون مرتبه پلک

می زند!

خورشید ۳۳۰۳۳۰ مرتبه بزرگتر از زمین! يك گالن روغن سوخته، می تواند تقریباً

يك میلیون گالن آب تمیز را آلوده کند! ناخن های انگشتان دست، تقریباً چهار برابر ناخن های پا رشد می کنند!

حرف E بیشتر از تمام حروف انگلیسی، در کلمات بکار می رود در حالیکه حرف Q کمترین کاربرد را دارد!

خوردن يك عدد سبب اول صبح، بیشتر از يك فنجان قهوه باعث دور شدن خواب آلودگی می شود!

از يك فنجان قهوه باعث دور شدن خواب آلودگی می شود!

از يك فنجان قهوه باعث دور شدن خواب آلودگی می شود!

از يك فنجان قهوه باعث دور شدن خواب آلودگی می شود!

شده و شیک پوشیده گرفته شده است.

برخی از واژه های بیگانه در زبان ما

آیا می دانستید که اصل و نسب برخی از واژه ها و عبارات مصطلح در زبان فارسی در واژه ها عبارتی از يك زبان بیگانه قرار دارد و شکل دگرگون شده آن وارد زبان عامه ما شده است؟

به نمونه های زیر توجه کنید:

(ز پرتی): واژه روسی Zeperti به معنی زندانی است و استفاده از آن یادگار زمان قزاق های روسی در ایران است در آن دوران هرگاه سربازی به زندان می افتاد دیگران می گفتند یارو زیرتی شد و این واژه کم کم این معنی را به خود گرفت که کار و بار کسی خراب شده و اوضاعش دیگر به هم ریخته است.

(هشلف): مردم برای بیان این نظر که واگفت (تلفظ) برخی از واژه ها یا عبارات از يك زبان بیگانه تا چه اندازه می تواند نازبا و نجسب باشد، جمله انگلیسی (I shall have) به معنی من خواهم داشت را به مسخره هشلف خوانده اند تا بگویند ببینید واگویی این عبارت چقدر نامطبوع است! و اکنون دیگر این واژه مسخره آمیز را برای هر واژه عبارت نجسب و نامفهوم دیگر نیز (چه فارسی و چه بیگانه) به کار می برند.

(چسان فسان): از واژه روسی Cossani Fossani به معنی آرایش

(شرو ورو): از واژه فرانسوی Charivari به معنی همهمه، هیاهو و سرو صدا گرفته شده است.

(فاستونی): پارچه ای است که نخستین بار در شهر باستون Boston در امریکا بافته شده است و بوستونی می گفته اند.

(اسکنا): از واژه روسی ignatsia که خود از واژه فرانسوی ignat به معنی برگه دارای ضمانت گرفته شده است.

(فکسنی): از واژه روسی Fkussni به معنی بامزه گرفته شده است و به کنایه و واژگونه به معنی بیخود و مزخرف به کار برده شده است.

(لگوری، دگوری هم می گویند): یادگار سربازخانه های ایران در دوران تصدی سوئدی ها است که به زبان آلمانی (Lagerhure) به فاحشه کم بها یا فاحشه نظامی می گفتند.

(نخاله): یادگار سربازخانه های قزاق های روسی در ایران است که به زبان روسی به آدم بی ادب و گستاخ می گفتند Nakhal و مردم از آن برای اشاره به چیز اسقاط و به درد نخور هم استفاده کرده اند.

برخورد شهاب سنگ با نوجوان آلمانی

يك شهاب سنگ داغ و سرخ رنگ پس از برخورد به دست نوجوان آلمانی، به زمین برخورد کرده و حفره یی در زمین ایجاد کرد.

این گزارش می افزاید؛ این نوجوان ۱۴ ساله از این حادثه که احتمال بروز آن يك در میلیون است، جان سالم به در برد، اما اثر زخم سه اینچی روی دست وي بر جای مانده است. بنابر این گزارش، دانشمندان در حال بررسی این شهاب سنگ کوچک

که در شهر «اسین» آلمان به زمین برخورد کرده است، هستند. همچنین انجام آزمایش های متعدد شیمیایی روی این شهاب سنگ، گذران از فضا و اصابت به زمین را تایید کرده است.

رئیس موسسه پژوهشی والتر هامان درباره این رویداد گفت؛ این جسم، شهاب سنگ است و برای دانشمندان و کلکسیونرها از ارزش بسیار بالایی برخوردار است. بنابر این گزارش، تنها مورد قبلی از زنده ماندن يك انسان پس از برخورد شهاب سنگ در نوامبر ۱۹۵۴ در منطقه آلاباما در کشور امریکا رخ داده است.

BENAL MADENA

رستوران تنور



رستوران تنور با منوی اختصاصی خود خوشمزه ترین غذاها و پیتزها را بشما تقدیم میکند

**رستوران تنور با فضایی جذاب در مجاورت ساحل زیبای شهر
بنال مدینا (اسپانیا) دور نمایی خاطره انگیز را برایتان به ارمغان می آورد**



Nueva Torrequebrada
Centro Comercial Torrenueva, Local 14
Benalmadena costa

Telf: 952 57 51 81

فوت مایکل جکسون

ستاره موسیقی پاپ آمریکا در اثر سکت قلبی درگذشت. فرزندان مایکل، پرنس مایکل (۱۲)، پاریس (۱۱) و پرنس مایکل ۲ (۷) ساله در بهت فرو رفته اند.

مدیر برنامه های مایکل - فرانک دیلثو - می گوید: این روزها همه چیز به سختی برای ما می گذرد. واقعا نمیدانم چه باید گفت. او دوست من بود. بچه ها با این که حالشان بد است ولی به نظر می رسد توانسته اند با واقعیت کنار بیایند.

وقتی بدن بیهوش او در خانه اش پیدا شده، به سرعت به اورژانس پزشکی اطلاع داده شده که خود را سر صحنه برسانند. اما وقتی رسیده بودند، نبض مایکل نمی زده است.

برایان آکسمن - وکیل خانوادگی خانواده جکسون - می گوید اینجا اتفاقا زیادی افتاده است که من اجازه ندارم همه آنها را بیان کنم. تنها چیزی که میدانم این است که فعلا دل شکسته ام و نمیدانم باید چه گفت. اما اتفاقی که افتاد، همانی بود که من از آن می ترسیدم و پیش بینی آن را هم کرده بودم.

منبع موثقی همچنین اضافه کرد احتمال مصرف بیش از حد دارو (overdose) همچنان به قوت خود باقیست و قرار است کالبد شکافی صورت بگیرد



فیلم درباره فیس بوک



«دیوید فینچر»، کارگردان فیلم نامزد اسکار «مورد عجیب و غریب بنجامین باتن» در حال گفتگو برای ساخت فیلمی جدید با موضوع مؤسسن سایت اینترنتی فیس بوک است.

در صورت توافق طرفین، «فینچر» تا پایان سال جاری ساخت این پروژه سینمایی را آغاز خواهد کرد.

فیلمنامه این فیلم توسط «آرون سورکین»، نویسنده شده و کمپانی فیلمسازی کلمبیا نیز عهده دار ساخت آن شده است.

به گزارش روتترز، در حالیکه هنوز نام مشخصی برای این پروژه سینمایی انتخاب نشده، نام موقت «شبکه اینترنتی اجتماعی» برای آن در نظر گرفته شده است.

از دیگر کارهای موفق و برجسته «فینچر» می توان به فیلم «هفت» اشاره کرد.

کیت وینسلت و پایان بازیگری



وینسلت، بازیگر اسکاری تصمیم گرفته برای مدتی به استراحت برود. وینسلت که چند ماه گذشته حضوری پررنگ در عرصه سینما داشت، اعلام کرده قصد دارد مدتی از سینما کناره گیری کرده و استراحت کند. او می گوید خودم از خودم خسته شده ام و دیگر خودم را دوست ندارم. مطمئنم بقیه هم مرا دوست ندارند! او می گوید مطمئن نخواهم توانست بازیگری را به طور کامل کنار بگذارم اما یک استراحت، حتی برای مدتی کوتاه واقعا برایم مفید است.

او همچنین اعلام کرده دوست دارد بازی در تئاتر را تجربه کند. کیت این روزها بیشتر از همیشه از ازدواجش راضی و خوشحال به نظر می رسد و می گوید هیچ وقت به اندازه این روزا احساس رضایت و خوشحالی نداشته است. او احساس استقلال می برد.

رابطه عجیب و اسرار آمیز جرج کلونی با یک پیشخدمت رستوران



روابط عجیب و غریب جرج کلونی با یک پیشخدمت رستوران، همه را کلافه و البته متعجب ساخته است. او این روزها با یک پیشخدمت رستوران در لاس وگاس، روابطی را آغاز کرده است که هیچ کس نمی داند به کجا خواهد انجامید.

این پیشخدمت که "والورت" نام دارد، دوست ندارد خیلی درباره این رابطه اطلاعاتی در دست خبرنگاران قرار گیرد، چون می ترسد شغلش را از دست دهد.

آنجلینا جولی مورد اصابت گلوله قرار گرفت



آنجلینا جولی بلافاصله پس از زخمی شدن حین فیلمبرداری فیلم "نمک" جلوی دوربین برگشت.

این فیلمبرداری در "لانگ آیلند" انجام می شد و عوامل صحنه بلافاصله پس از ضربه ای که به سر آنجلینا وارد شد، او را به بیمارستان رساندند.

دست اندرکاران میگویند ضربه ای که به سر آنجلینا وارد شده، خوشبختانه

آسیب جدی به او وارد نکرده و رساندن او به بیمارستان تنها یک اقدام پیش گیرانه بوده. حال آنجلینا الان خوب است

یکی دیگر از بازیگران محبوب هالیوودی درگذشت



فارا فاوست پس از سه سال مبارزه با بیماری سرطان صبح روز پنجشنبه در سن ۶۲ سالگی در مرکز پزشکی سنت جان سانتا مونیکا از دنیا رفت.

فارا فاوست با مجموعه تلویزیونی "ستارگان چارلی" به شهرت رسید و در اواسط دهه ۸۰ میلادی نام خود را به عنوان بازیگری جدی مطرح کرد. او سال ۱۹۴۷ در تگزاس به دنیا آمد و از زندگی مشترک با رایان اونیل یک پسر به نام ردموند داشت.

فاوست اواخر سال ۲۰۰۶ به سرطان مبتلا شد و داستان مبارزه خود را با این بیماری مرگبار در مستند تلویزیونی "داستان فاوست" به تصویر کشید. این فیلم مستند اواسط ماه مه از شبکه NBC پخش شد.

آل پاچینو در پلک



اقتباس سینمایی از کتاب غیر داستانی و پرفروش "پلک" نوشته مالکم گلدویلز با نقش آفرینی آل پاچینو ساخته می‌شود.

فیلمنامه این اثر توسط استفن گاگان نوشته می‌شود که پیش از این فیلمنامه‌هایی همچون "سیرانا" و "ترافیک" را در سابقه کاری اش دارد. وی همچنین این اثر را کارگردانی خواهد کرد.

داستان این فیلم روایت پدر و پسر است که رابطه خوبی با هم ندارند. پسر قصد دارد تا در منطقه‌ای در جنوب شهر به تدریس بپردازد و پدر مخالف اوست و این تقابل سبب می‌شود تا آن دو رابطه جدید و نزدیکی را آغاز کنند.

نویسنده درباره این کتاب گفته است:

ماجرای این کتاب قرار گرفتن آدمها در شرایط گوناگون است، به این ترتیب که پدر و پسر نزدیکی چندانی با هم ندارند اما هنگامی که پدر قصد دارد تا به پسر کمک کند وجوهی از شخصیت خود و او را کشف می‌کند که به نزدیکی آن دو می‌انجامد.

پاچینو در این فیلم به عنوان بازیگر و راهنمای بازیگران با چند هنرپیشه جوان همکاری خواهد کرد.

کتاب "پلک" در سال ۲۰۰۵ منتشر شد و به سرعت توانست توجه مخاطبان را به خود جلب کند. عنوان فرعی این کتاب "قدرت اندیشیدن بدون اندیشیدن" است.

نیکول کیدمن درخواست وودی آلن را رد کرد



نیکول کیدمن، بازیگر برنده اسکار که قرار بود در پروژه جدید و فعلا بی‌نام وودی آلن نقش‌آفرینی کند، از بازی در این فیلم انصراف داد و رایتی اعلام کرد: آنتونیو باندرا، جاش بrolین، آنتونی هاپکینز، فریدا پیتو و نومی واتس بازیگران این فیلم هستند که فیلمبرداری آن تابستان امسال در لندن آغاز می‌شود.

بازیگر جایگزین نیکول کیدمن در این پروژه هنوز مشخص نیست. هزینه تولید فیلم را شرکت مدیاپرو تامین می‌کند که روی "ویکی کریستینا بارسلونا" فیلم قبلی آلن نیز سرمایه‌گذاری کرد. نیکول کیدمن ۴۲ ساله پارسال فیلم حماسی "استرالیا" ساخته باز لورمن را روی پرده داشت که در آن با هیو جکمن همبازی است. او موزیکال "۹" به کارگردانی راب مارشال را در مرحله پس از تولید دارد.

جنیفر باید قید براد پیت را بزند



آنیستون هنوز نتوانسته خاطرات براد پیت را به فراموشی بسپارد. اما دوستانش شدیداً به وقوع این اتفاق تأکید دارند. دوستان آنیستون هم اذعان دارند که براد پیت خیلی خودمانی و دوستانه است و دور شدن از او کار سختی است. اما این واقعیتی است که جنیفر باید با آن کنار بیاید. آنها همچنین معتقدند اگر آنجلینا و براد از هم جدا شوند، احتمال اینکه براد پیت دوباره به جنیفر آنیستون پیوندد بسیار کم است و حتی اگر این اتفاق هم بیفتد، خود جنیفر باید سختی زیادی را تحمل کند هر چه باشد براد پیت و آنجلینا شش بچه با هم تربیت کرده‌اند و این یعنی خیلی....

جنیفر آنیستون پس از جدایی اش از براد پیت تلاش کرد جایگزین مناسبی برای براد پیت پیدا کند، اما از آنجا که هر کسی را با براد مقایسه می‌کند، نتوانست با "وینس ووگان"، "پل اسکالفور" و "جان مه‌یر" سازش برقرار کند و از آنها جدا شد. ظاهراً جنیفر باید هر چه سریعتر قید براد را بزند یا منتظر اتفاقات بدی برای خودش باشد.

ودودی آلن ، همسر سارکوزی را به سینما می‌آورد



ودودی آلن روز گذشته در پاریس اعلام کرد، شخصیت و کاریزمای «کارلا برونی»، همسر رئیس‌جمهور فرانسه برای نقش‌آفرینی در فیلم بسیار مناسب است و من مطمئنم حضور او در فیلم بسیار جالب خواهد بود، البته در حال حاضر داستانی برای نقش او در نظر ندارم.

«برونی» پیش از این در سال ۱۹۹۴ نقش کوتاهی در فیلم «روبرت آلتمن» به عنوان مدل بازی کرده بود.

گفتگو با بنیامین بهادری به مناسبت انتشار آلبوم جدیدش

از آلبوم قبلی ات حدود سه سال و یکی دو ماه می‌گذرد. در این مدت خیلی کم‌رنگ بودی، چیکار می‌کردی؟

روزهای اول، همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاد. این اتفاق‌های سریع همه چیز را به هم ریخت.

چی سریع اتفاق افتاد؟

اولش که آلبوم با سرعت زیاد مطرح شد. بلافاصله بعد از آن سه ترانه برای فیلم خواندم. بعدش در سوئد کنسرت داشتم. قبل از آن برای یک برند و محصولاتش عکس‌هایم روی بلیوردها رفت. دو کلیپ همزمان را داشتم ضبط می‌کردم که نیمه کاره و لشان کردم و... همه اینها در چهار، پنج ماه اتفاق افتاد و هضم‌کردنشان برای من نیاز به زمان داشت. ضمن اینکه بدم می‌آمد یک دوران سکوت داشته باشم.

این کند بودن منجر به فراموشی نمی‌شود؟

فکر نمی‌کنم. مردم اینقدر هم فراموش‌کار نیستند.

الان از کدام آهنگ‌های قبلی ات بازتاب

می‌بینی؟

بستگی دارد از چه زاویه‌ای به آن نگاه کنی. به عاشق (می‌میرم) و دنیا دیگه...

آیا ادعای روشنفکری داری؟

من خودم را روشنفکر می‌دانم. آهنگ خوب. دوباره هم ممکن است با آهنگ خوب و تازه تر بشناسندمان.

منطق چیست؟

به شرطی که این اتفاق خوب بیفتد. روشنفکر چه تیپ آدمی است؟ آدمی که یک من به این آلبوم هم امیدوارم. سه سال برایش وقت گذاشته‌ام.

قبول داری چند سال یکبار سلیقه مردم عوض می‌شود؟ خوب و بدش را کار ندارم.

قبول دارم، ولی سلیقه ما هم در آهنگسازی عوض می‌شود.

اصلاً قصد مقایسه ندارم. اگر با تو و موسیقی ات مردم موسیقی ترنس گوش کردند، الان

سای مانکن و شش و هشت گوش می‌کنند. حالا من یک نکته را بگویم. اگر من آلبوم دومم را شش ماه یا یک سال بعد از آلبوم به بازار می‌دادم و تا امسال به جای اینکه آلبوم دومم را منتشر کنم، آلبوم پنجم را منتشر می‌کردم، نه خودم و نه مخاطبانم اینقدر تغییر در بنیامین را حس نمی‌کردند، آن زمان که آلبوم 85 آمد بنیامین یک اتفاق شد.

آلبوم قبلی ات با اینکه خیلی همه‌گیر شد، ولی روشنفکرها در مقابلش گارد گرفتند و متهم به عامه‌پسندی شدی.

الان اوضاع فرق کرده. با اینکه سه سالی می‌شود از من هیچ کاری بیرون نیامده، ولی این اتفاق افتاده که مخالف‌هایم با من رابطه‌ی خیلی خوبی پیدا کرده‌اند. هنوز قطعه‌های آلبومم را بین مردم می‌شنوم. هر چند نه به اندازه گذشته، ولی با هم تعارف که نداریم، با این شرایط که هر روز یک MP3 جدید به دست مردم می‌رسد، شنیده شدن آن قطعه‌ها خیلی عجیب است.

می‌بینی؟

به عاشق (می‌میرم) و دنیا دیگه...

آیا ادعای روشنفکری داری؟

من خودم را روشنفکر می‌دانم.

منطق چیست؟

روشنفکر چه تیپ آدمی است؟ آدمی که یک اطلاعات کلی از گذشته و حال دارد و یک تحلیل درست نسبت به آینده را می‌دهد، از نظر نماد کلی یک روشنفکر است. من که آنها را دارم. تا اینجای عمرم هم با افراد کتابخوان و پیشرو رابطه داشته‌ام. کلی کتاب خوانده‌ام. تحلیل‌م که نسبت به آینده تا به امروز تحلیل‌م او انگاردی بوده است. هیچ کس را هم تخطئه نکرده‌ام. برای هر حرف و نظرم هم دلیل دارم. چرا باید خودم را دست کم بگیرم؟



حداقل ادای روشنفکرها را در نمی آورم. چاپش کرده ام.

از این بحث بگذریم. درباره دستمالی شدن سبک قبلی ات، می گفتمی در این آلبوم سبک و سیاق موسیقی ات را عوض می کنی، ولی من فکر نمی کنم چنین کاری انجام داده باشی؟
واقعاً؟ فکر می کنی سبک کارم تغییر نکرده است.

من که چیز خاصی متوجه نشدم.

فکر می کنم اگر کمی زمان از شنیده شدن آلبوم بگذرد، بهتر می توانیم درباره اش صحبت کنیم.

این دوری و نبودن سه ساله ات را با تکرار بعضی قسمت های دو آهنگ قبلی ات در این آلبوم پر کرده ای؟

نه. من می خواستم بدون اینکه از پتانسیل موسیقی آنها استفاده کنم، به صورت خیلی سریع و گذرا از خط ملودی آنها به صورت یک خاطره و پیوستگی استفاده کنم. یک جوری استفاده کرده ام که خیلی از جذابیت های آنها استفاده نکنم. ولی خاطره سازی کنم.

بعد از انتشار آلبوم به فکر کنسرت دادن و پول سازی هستی دیگر؟

من اسمش را پول درآوردن نمی گذارم. ولی فوق العاده آدم پر خرج و ولخرجی هستم. ولی اعتراف می کنم که امسال کنسرت هایی را در ایران و خارج از ایران دارم.

سال قبل که به این خانه آمده بودم، این همه عکس های قد خودت و مختلف روی در و دیوار پر نبود. دوست داری دیده بشوی و خودت را همه جا ببینی؟

(می خندد) همه این عکس ها را دوستانم داده اند. فقط یک عکس را که روی پیاتریم استو خیلی دوستش دارم، خودم بزرگ و

آدم خاطره بازی هستی؟

آره. ولی همان طور که گفتم، حافظه بلند مدتم خیلی ضعیف است. گاهی دوستانی را می بینم که حس خیلی خوب بهشان دارم، ولی هر چه فکر می کنم، نمی توانم غیر از یک خاطره مشترک؛ خاطره دیگری پیدا کنم. ولی اساساً با گذشته ام زندگی می کنم. البته با آینده و رویاهایم بیشتر خوش هستم.

از چیدمان مبل و راحتی های جلوی تلویزیون معلوم است زیاد فیلم می بینی. فیلم که خیلی زیاد. عاشق فیلم دیدنم. فعلاً که «لاست» باز شده ام.

فکر می کنی شبیه کدام یکی شان هستی؟ متاسفانه یا خوشبختانه خیلی شخصیت و رفتارم شبیه «ساویر» است.

بهترین کتابی که خوانده ای؟

نمی گویم... شاید عجیب باشد، ولی شازده کوچولو را خیلی دوست دارم. شاید بالای 20 بار خوانده امش.

ورزش هم می کنی؟

فیتنس و شنا به همراه سوارکاری را دوست دارم و انجام می دهم.

آن بنیامینی که سه سال قبل می شناختم، برای دل خوش و در آن حد گیتار می زد، ولی الان پیانوی گران قیمت با استاد اختصاصی دارد، گیتار را حرفه ای تر تمرین می کند و...

اگر این طور نباشم، اشتباه کرده ام، ولی اگر فکر می کنی که با این کارها سبک موسیقی ام تغییر می کند، باید بگویم هر کاری را که بلد نباشم، یک کار را خوب بلدم. خیلی راحت می توانم از دانسته هایم رها شوم و به احساساتم برسم و از روی آنها آهنگ هایم را بسازم





Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند



جواهرات مظفریان برای زوجهای جوان خوش یمن و مبارک است

Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



SHOPPING FOR YOU

بهترینها، ارزانترینها، مطمئنترینها را برای شما از سراسر اروپا گلچین کرده‌ایم.

کلید بازار اروپا با رنگارنگ در دست شماست.

به دنبال آنچه هستید برای خرید و فروش در این صفحات خواهید یافت.

اگر به دنبال خرید ویلا، آپارتمان، مغازه، دفتر کار در هرکجای اروپا هستید یا قصد فروش دارید

چنانچه برای سفرهای خود به دنبال ارزانترین بلیط‌های هوایی به هر نقطه جهان هستید؟

به دنبال طرحها و مدل‌های متنوع جواهرات هستید؟

خواهان زیباترین طرح‌های لباس عروس و داماد می‌باشید؟

قصد سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف اروپا را دارید؟

یا مایلید جهت عمل‌های جراحی زیبایی پوست و صورت و سایر اندام به بهترین جراحان متخصص مراجعه کنید؟

چنانچه جهت سرمایه‌گذاری نیاز به مشاورین آگاه و ورزیده در سراسر اروپا دارید یا به دنبال وکلای آزموده هستید،

مجله رنگارنگ پل ارتباطی شما در سراسر اروپاست.

0044 208 731 9333



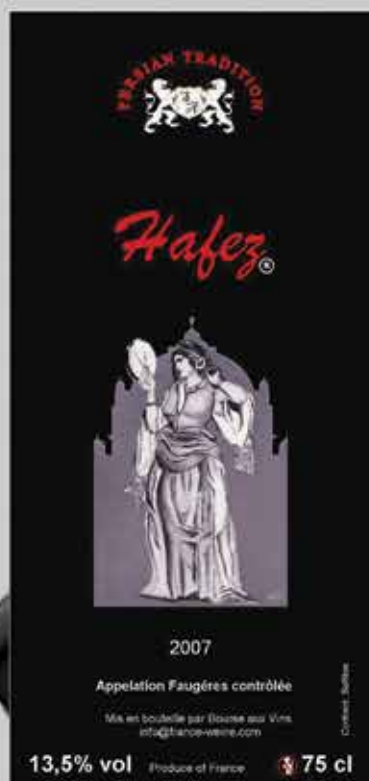
Der neue **HAFEZ** ist ab sofort
im Handel erhältlich.
Ein sehr geschmackvoller Wein
mit dem Gütesiegel AOC.



*The new **HAFEZ** is available
now at your store.
A very tastefully wine
with AOC quality.*

Jahrgang/ year

2007



*Seit 15 Jahren garantiert
die Firma Bourse aux Vins
Qualität & Geschmack
Ihrer Weine & Vodka*

*For 15 years the company Bourse aux Vins
guarantees quality & taste of their wines & vodka*

Bestellen Sie jetzt/ Order now

Germany: 069 92919956
Spain: 0951 295935

- Belgien: 032 131434
- France: 06 84184625

- Holland: 020 6841196
- England: 020 76044266

Folgende Produkte kommen ebenfalls
aus unserem Keller/ *following products
are from our wine cellar as well.*

VODKA PAKDIS

**ARAGH MAKHSOOS
PAKDIS**



Khayyam
*Hafez Shiraz Imperial
Khayyam Royal Shiraz*



Bourse aux Vins - Fon: 0049 (0)173 6009540 - **info@france-weine.com**

بستنی و فالوده ارم



ارم تولیدکننده بهترین

بستنی خامه دار، بستنی حصیری و فالوده شیرازی در سراسر آلمان

و عرضه کننده بستنی ایرانی با طعم مختلف

برای رستوران ها: با خرید ۵۰۰ عدد بستنی ۱۰۰ عدد هدیه بگیرید

Limmer Str. 9 , 30451 Hannover

Tel : +49 (0) 179 / 64 320 30

عکاسی و فیلمبرداری

جشن عروسی و میهمانیهای شما در سرتا سر اروپا

تهیه عکس و فیلم برای شرکت در

مسابقات TOP MODEL

عکسهای اداری . پاسپورتی .

آتلیه . عکسهای خانوادگی

ترمیم عکسهای قدیمی

عکاسی از: فیلمبرداری از:

۲۵ یورو

۱۵ یورو

Steindamm 32, 20099 Hamburg

Tel.: 040-34 83 90 89, 0176- 22 66 0230

E_mail: tac_film_production@yahoo.de



TAC FILM PRODUCTION



سوپر پرسپولیس

دور نمودن

گفتار نیک پندار نیک کردار نیک

به مدیریت خانم ناهید رضائی

آدرس جدید

Hohestr. 41

44139 Dortmund

با 46 U ایستگاه
Saarlandstr.

**Tel. 0231-
9504949**



دوشنبه تا شنبه: از ۱۰ صبح تا ۱۰ شب یکشنبه ها: از ۴ بعد از ظهر تا ۱۰ شب

پرسپولیس همچنان پیشتاز ارزانی با کیفیت بالاست!



این روزا سری به ما بزنید
دروغ چرا... تا قبر آ... آ...
خیلی خوشحال می شیم بابام جان



بقالی مش قاسم

در قلب فرانکفورت (مدمتری ایستگاه مرکزی راه آهن)

هرچی همه دارن، ما هم داریم!

Dusseldorfer Str. 12 , 60329 Frankfurt

Tel & Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62





تاریخچه چلوکباب

مورخین و جهانگردان اروپایی که در دوران صفویه از ایران دیدن کرده اند درباره چلوها، پلوها، ترشی ها و مرباها که در ایران طبخ می گردیده است مطالب بسیار زیادی نوشته اند ولی هرگز راجع به چلوکباب حرفی به میان نیامده است به احتمال زیاد بر اساس مطالبی که توسط

میرزا محمد رضا معتمدالکتاب نویسنده کتاب تاریخ قاجاریان شده است. به دستور شخصی ناصرالدین شاه که اصلیتی قفقازی داشته است و بر اساس نوع کبابی که در آن منطقه طبخ می شده است تهیه می شده که توسط آشپزان ناصرالدین شاه بعد از مدتی تغییر شکل داده شده است و به صورت امروزی در آمده است.

بر اساس داستانی که توسط دوستعلی خان معیرالممالک از نوادگان ناصرالدین شاه نقل شده است. حکایت از آن دارد که ناصرالدین شاه ۸۷ همرس داشته است که ۴ نفر از آنها رسمی بوده اند بقیه صیغه.. هنگامیکه یک روز جمعه شاه قصد زیارت از حضرت عبدالعظیم در شهر ری داشته است. پیشخدمتهای او مجبور بودند روز پنجشنبه به آن منطقه بروند و در حدود ۱۰۰۰۰ کباب را بر اساس دستور شاه برای خود او و ۱۰۰۰ همراه و خدمه و همسرانش آماده کنند و کبابها نیز می بایست همیشه همراه با سبزی خوردن و پیاز سرو می شده است.

در تاریخ راجع به چلوکباب و تاثیر آن در سیاست نیز مطالبی یافت می شود.

در سال ۱۳۲۴ هنگامیکه قیمت قند وارداتی از روسیه بالا رفت و علت آن نیز جنگ بین روسیه و ژاپن بوده است علاءالدوله، هاشم قندی و اسماعیل خان را که جزو تجار قند بودند، قند را به ایران وارد می کردند و قیمت قند را بالا برده بودند احضار کرد و مشغول مذاکره با آنها شد ولی بعد از یکی صحبت علاءالدوله که مسئول وقت تهران بود دستور داد تا آنها را شلاق بزنند هنگامیکه می خواستند آنها را شلاق بزنند پسر هاشم قندی پیش علاءالدوله آمد و خواست تا او را به جای پدرش شلاق بزنند و علاءالدوله دستور داد تا او را ۵۰۰ ضربه شلاق بزنند.

وقتی که موقع نهار خوردن فرا رسید

عقیده دارد که داشتن یک رستوران شناخته شده که مردم به آن اعتماد دارند از داشتن مدرک دکترای جامعه شناسی کمتر نیست.

آقای شمشیری از یاران وفادار و حامیان صنعت ملی شدن نفت توسط دکتر مصدق بوده است و در این زمینه نیز در سال ۱۳۲۰ با پرداخت مبلغ یک میلیون ریال (که مبلغ زیادی در آن زمان بوده است) جهت خرید اوراق قرضه و حمایت از ملی شدن صنعت نفت اقدام می کند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و دستگیر شدن مصدق توسط زاهدی شمشیری نیز دستگیر می شود و به جزیره خارک تبعید می شود. هم زندانی او در خارک که نامش کریم کشاورز می باشد در خاطرات شخصی اش نوشته است که شمشیری متعهد شده بود که بهترین کباب کوبیده و برگ را به هم سلولهایش بدهد که متأسفانه این شانس را نداشت به این گفته اش جامه عمل بیوشاند. درباره چلوکباب شمشیری و کبابهایش توسط بسیاری از نویسندگان و داستانویسان نوشته های زیادی به تحریر در آمده است و در این نوشته ها از چلوکباب شمشیری به عنوان یکی از قدیمی ترین و خوشمزه ترین کباب در ایران نام برده شده است.

در حال حاضر نیز بسیاری از چلوکبابی ها نام شمشیری را برای خود انتخاب می کنند که تداعی کننده کسبیت بالای چلوکباب آنها می باشند. بسیاری از آنها نیز معتقد هستند که آشپز شمشیری بوده اند اما در حقیقت خود آقای شمشیری در حدود ۳۰ سال پیش فوت کرده است و آشپز او نیز سن زیادی داشته است که می تواند تا امروز مشغول کار باشد و شاید

در سالهای اخیر نیز کباب برگ و کوبیده در ساین بزرگ که بزرگتر از اندازه استاندارد است تب زیادی پیدا کرده است که چلوکباب پهلوانی جزو اولین مکانهایی بود که کبابهایش بزرگتر از اندازه عادی بوده است و می توان به عنوان بنیانگذار این نوع کبابها از آن نام برد.

مالک یکی از معروفترین چلوکبابی های تهران که نامش چلوکباب شمشیری بوده حاج حسن شمشیری نام دارد که در قسمت شرقی سبزه میدان قرار داشت و در زمان رضاشاه تاسیس شده بود. بعدها این چلوکبابی به یک ساختمان ۴ طبقه منتقل شد که طبقه اول آشپزخانه بود طبقه دوم مخصوص مغازه دارها و بازاریان و افراد مجرد و طبقه سوم و چهارم برای خانواده ها و مقامات در نظر گرفته شده بود. هر طبقه با آئینه های زیادی تزئین شده بود و خود آقای شمشیری بر طبقات سوم و چهارم شخصا نظارت می کرد..

از ساعت ۱۱ صبح بوی کباب و برنج که در چلوکباب شمشیری پخته می شد فضای آن اطراف را پر می کرد و رهگذران را برای خوردن چلوکباب را مردد می کرد. چلوکبابی که در شمشیری ارائه می شد شامل یک بشقاب برنج همراه با کره و دو عدد کباب بوده

در دوره مشروطه نیز هنگامیکه یکی از مشروطه گرایان در تبریز مشغول سخنرانی بوده است یکی از افرادی که چلوکبابی داشته است می پرسد مشروطه یعنی چه؟ سخنران می گوید مشروطه یعنی چلوکباب ارزان و سپس با دستش طول کباب را نشان می دهد و قطر کباب هم به اندازه قطر بازوی من خواهد بود.

قدیمی ترین چلوکبابی که در تهران تاسیس شده است در حدود ۱۲۰ سال پیش بوده است. اعتمادالسلطنه در نوشته هایش را نقل می کند و می نویسد اولین چلوکبابی نامش نایب بوده است که در بازار تهران قرار داشته است و شبیه رستورانهای اروپائیان غذا را بر روی میز سرو می کرده است: ولی اسناد دیگری نیز موجود می باشد که اولین چلوکبابی در تبریز نزدیک مرز با قفقاز تاسیس شده بوده است. پیشخدمتهای رستوران نایب در آن زمان برنج ها را به صورت هرم در بشقابها قرار می دادند و همراه آن تکه کره ای نیز سرو می شده است. پیشخدمتها یکی یکی برنجها را بر سر میزها می بردند و بلافاصله نفر بعدی کبابها را با سیخ در بشقابها قرار می داده است. در آن زمان هر نفر می توانسته هر چند تا مایل بوده است کباب بخورد و مبلغی که از مشتریان گرفته می شده است یکسان بوده است و فرقی بین کسیکه یک سیخ کباب خورده و چهار یا پنج سیخ نبوده است.

چلوکباب نایب یکی از قدیمی ترین چلوکبابی های تهران بوده است. این چلوکبابی توسط دکتر حسین یزدان منش که دارای مدرک دکتر در رشته جامعه شناسی از فرانسه می باشد اداره می شود و غذاهایی که در آن ارائه می شود بسیار خوشمزه هستند. دکتر یزدان منش

طلایی، آپادانا، ارکید، جوان و تبریز. بنابراین چلوکباب یکی از خوشمزه ترین و لذیذترین غذای ملی است که در تمام دنیا معروف می شود و همه با لذت و ولع این غذا را می خورند.

جواد فریفته آشپز مخصوص احمد شاه حدود ۸۰ سال پیش هنگامیکه مقیم پاریس شد اولین کسی بود که چلوکباب را در خارج کشور ارائه کرد و نام چلوکبابی اش فریفته بود. همچنین احمد خان از ایرانیانی که در آلمان زندگی می کرد، در زمان حکومت نازی رستورانی باز کرد و نامش را هیتلر گذاشت و افرادی که هیتلر و نازی را قبول داشتند اجازه ورود به رستوران را داشتند.

در شهر لس آنجلس آمریکا یک چلوکبابی به نام نایب می باشد که اکثر ایرانیان مقیم آمریکا از مشتریان این چلوکبابی می باشند.

و چلوکبابی دیگر پسدو (pseudo) چلوکباب می باشد. هنگامیکه از مسئول آنجا سؤال شد چرا پسدو چلوکباب را اسم انتخاب کردید و چه معنی می دهد؟ گفت چلوکبابی که در اینجا سرو می شود با برنج ایرانی است و از فیله تازه گوساله تهیه می شود. هنگامیکه با گوشت گوساله کباب درست می شود بهتر است نامش را استیک پلو بگذاریم تا چلوکباب. البته این غذا چیزی شبیه چلوکباب واقعی است ولی صددرصد چلوکباب نیست.

امیدوارم اینک هنگامیکه چلوکبابی که می خورید این غذای ایرانی را که اکثریت مردم دنیا دوست دارند را با لذت تمام و غرور و افتخار میل کنند

با کره و گوجه فرنگی کباب شده و پیاز و سماق مبلغ ۶۰ ریال بوده است و اغلب افرادی که سرکار بودند و منزل نمی توانستند بروند، چلوکباب می خوردند. دانشجویان که درآمد بهتری داشتند معمولاً گوجه کباب سفارش می دادند که قیمت آن ۱۲۰ ریال بوده است.

در آن زمان در چلوکبابی ها یک کاسه خیلی بزرگ قرار داشت که در آن دوغ درست می کردند و همراه با کباب به مشتری داده می شد. یکی از موضوعاتی که مدتها در بین مردم رایج بوده است در مورد چلوکباب این بوده که اگر پسری که به سن بلوغ نرسیده بوی کباب به مشامش می رسید او باید بلافاصله چلوکباب می خورد در غیر این صورت قدرت مردانگی اش را از دست می داد!!! بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از کبابی هایی دایر شد که فقط کباب با نان می دادند و یک تور دارند که خودشان نان مورد نیاز را درست می کردند و کلمه نان داغ کباب داغ را بر روی تابلوهایشان نصب کرده اند.

امروز قیمت یک پرس چلوکباب بین ۷۰۰۰ ریال تا ۴۰۰۰۰ ریال می باشد و کباب کوبیده ۲۵ ریالی بین ۴۵۰۰ تا ۱۵۰۰۰ ریال قیمت دارد. حقوق کارگر نیز بین ۲۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ ریال است. با اینکه چلوکباب غذای سنتی و محلی ایران است و زمانی همه از آن استفاده می کردند متأسفانه باید گفت که یک غذای گرانتیتمت به حساب می آید.

■ معروفترین چلوکبابی هایی که در تهران وجود دارند عبارتند از:
نایب سعادت آباد، آبان، ولی عصر، خیابان وزراء، شاطرعباس، مدائن، البرز، یاس (که هر دو شعبه توسط برادران ناصری اداره می شود) رویال ونک، لوکس

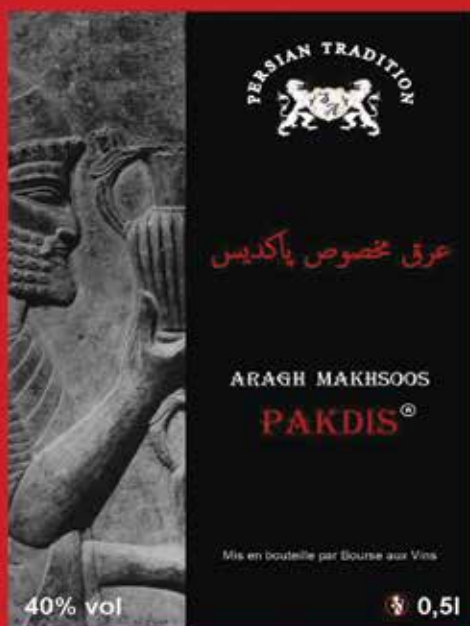
هم چون کسی اورا نمی شناسد از دنیا رفته باشد. تنها نکته ای که ممکن است باشد این است که افرادی که در چلوکبابی های دیگر مشغول بکار شده اند و مدعی بوده اند که آشپز چلوکبابی شمشیری می باشند.

اعتمادالسلطنه وزیر انتشارات ناصرالدین شاه و رئیس دفتر مترجم در آن زمان برای پرداخت بهترین چلوکباب که توسط چلوکبابی نایب ارائه می شد بین ۳ تا ۵ ریال آن زمان پرداخت کرده است.

همچنین در سال ۱۲۹۵ عبدالله بهرامی معاون اداره امنیه تهران (پلیس امروزی) بیشترین مبلغی که برای هر وعده چلوکباب پرداخت می کرده است ۴ تا ۵ ریال بوده است. حدود سی سال قبل در سال ۱۳۲۰ روزنامه اطلاعات برای یک پرس چلوکباب مبلغ ۵ ریال دریافت می شده است که شامل کباب برگ بزرگ، کره ۳۳۰ گرم برنج پیاز و نان می بوده است. در همان زمان چلوکباب کوبیده مبلغ ۴ ریال قیمت داشته است.

در بین سالهای ۳۵-۱۳۳۰ یک کباب کوبیده ۳/۵ ریال در تهران قیمت داشته است ولی در شهرهای دیگر دو عدد کباب همراه با نان و گوجه فرنگی کباب شده که شکیل یک پرس کامل را دارد ۸ ریال قیمت داشته است. اگر لیموناد یا نوشابه نیز همراه غذا صرف می شده است بین ۲ تا ۴ ریال نیز پرداخت می شده است. بنابراین با پرداخت ۱۰ تا ۱۲ ریال کاملترین غذا را یک فرد می توانست بخورد.

در آن زمان بود که از آب کباب برای خوشمزه کردن کبابها استفاده می شد و توسط چلوکبابی ها با بوی آب کباب که بر روی زغال می ریختند مشتری های زیادی را گرسنه می کردند. در سال ۱۳۵۲ چلوکباب برگ همراه



عرق مخصوص پاکدیس

ما با ۱۵ سال تولیدات درخشان در بخش شراب و ودکا محصول جدید خود را به شما عرضه می داریم از ۱۵ ماه می می توانید از مراکز پخش این شرکت در سراسر اروپا دریافت دارید

صد در صد تولید شده از کشمش

Bestellen Sie jetzt/ Order now

Germany: 069 92919956
Spain: 0951 295935

Belgien: 032 131434
France: 06 84184625

Holland: 020 6841196
England: 020 76044266

Bourse aux Vins

Fon: 0049 (0)173 6009540

info@france-weine.com

از ۳۰ خرداد ۶۰ تا ۳۰ خرداد ۸۸

پیروزی رژیم را پیروزی خود و «جبهه‌ی انقلاب» می‌خواندند. هر شکست جنبش آزادی‌خواهی را شکست دشمنان انقلاب معرفی می‌کردند.

در روز ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، رژیم کودتا در دو اطلاعیه دادستانی انقلاب اسلامی مرکز، خبر از اعدام ۲۳ نفر در تهران داد. براساس اطلاعیه‌های دادستانی، این افراد در دو نوبت ظهر، ۱۵ نفر و شب، ۸ نفر به جوخه اعدام سپرده شدند. دادستانی انقلاب آن‌ها را به خاطر شرکت در تظاهرات ۳۰ خرداد به اتهام، مرتد، مفسد، محارب و باغی اعدام کرده بود. تعدادی از اعدام‌شدگان در ماه‌ها و روزهای قبل دستگیر شده بودند. سعید سلطانی‌پور در ۲۷ فروردین در جشن عروسی خود، محسن فاضل در بهمن ۵۹ در اداره گذرنامه، علیرضا رحمانی ششتان در اسفند ۵۹ در ترمینال جنوب هنگام سوار شدن به اتوبوس، طاهره آقاخانی مقدم و محمد علی عالم زاده حرجندی در مهرماه ۵۹، در حمله نیروهای دادستانی به منزلشان، اصغر زهتابی در ۱۹ خرداد ۱۳۶۰، بهنوش آذریان و منوچهر اویسی در اوایل خرداد ۶۰ دستگیر شده بودند. (۱)



چهارشنبه سوم تیرماه ۶۰ روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون با درج اطلاعیه دادستانی خبر از اعدام دهها نوجوان دادند. همراه با اطلاعیه دادستانی عکس ۱۲ دختر نوجوان نیز انتشار یافت که بدون احراز هویت به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند و از خانواده‌هایشان خواسته می‌شد برای شناسایی اجساد فرزندان‌شان به اوین مراجعه کنند.

در اطلاعیه دادستانی انقلاب اسلامی مرکز آمده بود:

«به اطلاع خانواده‌های محترمی که فرزندان‌شان در جریان‌های ضدانقلابی اخیر تهران دستگیر شده‌اند و حکم دادگاه

بره گورستان»، «ما کشته ندادیم که حزبی بشویم، آلت دست بهشتی بشویم»، «بهشتی، رجایی، خلق آمده کجایی»، «مرگ بر ارتجاع»، «مرگ بر اختناق»، «مرگ بر بهشتی»، «لحظه به لحظه گویم، زیر شکنجه گویم، یا مرگ یا آزادی».

در میدان فردوسی خیل عظیم جمعیت، به فرمان خمینی که بطور مداوم از رادیو پخش می‌شد از زمین و بالای ساختمان‌ها توسط پاسداران به رگبار بسته شد و به این ترتیب تظاهرات مسالمت آمیز مردم تهران به خون کشیده شد.

ده‌ها نفر پیش چشم‌ان مردم اصابت گلوله قرار گرفتند. نمی‌دانم چندتایشان همان روز کشته شدند و چندتایشان از بیمارستان‌ها یکسر به اوین انتقال یافته و تیرباران شدند.

در روزهای قبل نیز بسیاری از معترضان و از جمله دوستانم یا در حمله چماقداران زخمی شده بودند و یا دستگیر و به اوین و زندان دادگستری و کمیته‌ها انتقال یافته بودند.

در غروب سنگین و غم‌آلود ۳۰ خرداد وقتی که خسته و کوفته از جنگ و گریز با پاسداران و نیروهای چماقدار باز می‌گشتم در چهارراه سعدی تهران زمین پوشیده از

می‌رفتند که به تسخیر سیاه‌ترین نیروهای جامعه درآیند. اجازه برگزاری متینگ و راهپیمایی به هیچ حزب و دسته و گروهی داده نمی‌شد. شهر جولانگاه اراذل و اوباش بود.

دسته‌های چماقدار مسلح به چاقو، قمه، پنجه بوکس و زنجیر در پناه آتش سلاح سیاه پاسداران و کمیته‌چی‌ها به هر اجتماع اعتراضی مردم حمله می‌کردند و به بیرحمانه ترین شکلی آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند.

نسل ما در مقابل دوراهی تسلیم و مقاومت قرار گرفته بود. ما را مخیر کرده بودند به مرگ یا زندگی روی زانو‌ها. نسل برآمده از انقلاب ۵۷ ایستادگی و مقاومت را با همه‌ی سختی‌هایش انتخاب کرد.

از روز سه شنبه ۱۹ خرداد تا روز دوشنبه ۲۵ خرداد این نیروهای تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق بودند که با برگزاری تجمعات اعتراضی در نقاط مختلف تهران و با هدف به هم پیوستن آن در حلقه‌ی مرکزی شهر سعی می‌کردند یک تظاهرات بزرگ اعتراضی را سازماندهی کنند اما به خاطر بیرحمی به کار گرفته شده از سوی نیروهای رژیم و چماقداران حزب‌اللهی بسیج شده موفق به انجام آن نمی‌شدند. نزدیک به دو هفته بود که مقاومت مردمی در تهران و شهرستان‌ها ادامه داشت و مجلس شورای اسلامی در این مدت در کار برکناری بنی‌صدر اولین رئیس جمهور نظام بود.

روز دو شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ رهبران جبهه ملی ایران اعلام تظاهرات کردند، اما به خاطر سازماندهی نیروهای چماقدار و فلائز و عدم حضور مجاهدین در این تظاهرات، امکان برگزاری آن را نیافتند و تهران به تسخیر چماقداران درآمد.

بالاخره روز شنبه ۳۰ خرداد بدون اعلام قبلی، نیروهای هوادار مجاهدین شاهکار تشکیلاتی خود را به منصفه ظهور رساندند و جرقه‌ی تظاهرات بزرگ در مرکز تهران را زدند. در کوتاهترین زمان ممکن صدها هزار نفر از وابستگان گروه‌های سیاسی چپ و مردم به مجاهدین پیوستند. نیروهای حزب اللهی و چماقدار قادر به جلوگیری از شروع تظاهرات نشدند. هدف تظاهرات رفتن به مقابل مجلس بود. شعار مردم چیزی نبود جز: «حزب چماق بدستان باید



ایرج مصداقی

شنبه ۳۰ خرداد ۶۰ انگار همین دیروز بود. خیابان انقلاب، طالقانی و میدان فردوسی مملو از جمعیت بود. مرد و زن، پیر و جوان، دانشجو و دانش‌آموز، کارگر و کارمند به خیابان آمده بودند تا اعتراض خود را نسبت به بسته شدن آخرین راه‌های تنفس‌شان اعلام کنند.

از روز جمعه ۱۵ خرداد ۶۰ برای بسیاری مشخص شده بود که ارتجاع حاکم عزمش را برای یک‌دست کردن حاکمیت در بالا جزم کرده و می‌رود تا اولین جراحی بزرگ در حکومت را انجام دهد.

دو روز بعد بود که لاجوردی تحت عنوان دادستان انقلاب اسلامی مرکز، فرمان بسته شدن آخرین روزنامه‌های مستقل را داد. در این حکم که با تصویب شورای عالی قضایی و حمایت مستقیم بهشتی صادر شد روزنامه میزان متعلق به مهندس بازرگان، انقلاب اسلامی متعلق به ابوالحسن بنی‌صدر، آرمان ملت ارگان حزب ملت ایران (داریوش فروهر) و نشریه جبهه‌ی ملی، عدالت و نامه مردم ارگان حزب توده که یکسره در خدمت ارتجاع حاکم بود برای رد گم‌کنی غیرقانونی اعلام شدند. تمامیت خواهان به رهبری بهشتی که در کار پیشبرد کودتای برنامه‌ریزی شده‌ی خود بودند عزم جزم کرده بودند که چیزی را باقی نگذارند.

پیش از آن نشریات گروه‌های سیاسی از جمله مجاهدین و گروه‌های چپ و دمکرات غیرقانونی اعلام شده بودند. نشریات اخیر، آخرین روزنامه‌های مخالفی بودند که از سوی حکومت تحمل شده بودند.

چماقداران و اراذل و اوباش حزب‌اللهی از طریق حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مساجد، کمیته‌ها و پایگاه‌های بسیج تحت عنوان مردم سازماندهی شده بودند و خیابان‌ها

درباره‌ی آن‌ها صادر و اجرا گردیده می‌رساند لطفاً با در دست داشتن شناسنامه‌ی عکس‌دار خود و فرزندان‌شان که عکس آن‌ها در این جا چاپ شده به دفتر مرکزی زندان اوین مراجعه کرده و فرزندان‌شان را تحویل بگیرید.

روابط عمومی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز لازم به یادآوری است که اسامی صاحبان عکس مشخص نشده است. روزنامه اطلاعات ۳ تیرماه ۱۳۶۰»

منظورشان از به کار بردن عبارت «فرزندان‌شان را تحویل بگیرند» جنازه‌ی آن‌ها بود. دختران نوجوان را بدون احراز هویت به جوخه‌ی اعدام سپرده بودند و حالا از خانواده‌هایشان با بیرحمی می‌خواستند که برای «تحویل» جنازه‌ی آن‌ها به اوین مراجعه کنند. در روزها و ماه‌های سیاه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ این نسل برآمده از انقلاب ضد سلطنتی ۵۷ بود که با جانفشانی و گذشتن از همه چیز خود در کوچه و خیابان، در کوه و جنگل، در اسارت و شکنجه‌گاه بر تخت تعزیر و تقتیل، برچوبه‌های دار و میدان‌های تیر، آزادی را طلب می‌کرد. باقیمانده‌ی این نسل را در کشتار ۶۷ به خون کشیدند به این امید که حکومت‌شان را جاودانه کنند. زهی خیال باطل.

از خرداد ۶۰ تا ۲۴ خرداد ۸۸، بیست و هشت سال گذشت و دوباره خرداد گل داد و به خون نشست. این بار نسلی تازه به میدان آمده، اما شعارهایش و خواسته‌هایش همانی است که در روزهای پرتلاطم خرداد ۶۰ در خیابان‌های شهر فریاد می‌شد. آزادی، خجسته‌آزادی. آن‌ها چیزی نمی‌خواهند به جز حاکمیت مردم و انتخابات آزاد.

کودتاجیان در ۲۴ خرداد ۸۸ به دستور خامنه‌ای و با شرکت احمدی‌نژاد جشن پیروزی کودتا را در تهران برپا کردند و با بی‌شرمی مردم به پاخاسته را «خس و خاشاک» معرفی کردند.

نیروهای سرکوبگر، حزب‌اللهی، لباس‌شخصی و بسیجی اجازه برگزاری تظاهرات و گردهم‌آبی در همه شهرها را دارند کودتاجیان از «غیرقانونی» بودن تجمعات مردمی خبر می‌دهند و ارگان‌های سرکوب‌شان وعده سرکوبی می‌دهند. یک روز پس از «جشن کودتاجیان»، مردم به جان آمده بی اعتنا به تهدیدات به منظور شکست کودتا به خیابان‌های تهران سرازیر شدند. جوش و خروش مردم یادآور صحنه‌های خرداد ۶۰ بود. منابع وابسته به رژیم خبر از سه میلیون تظاهرکننده می‌دهند.

شعارهای محوری مردم در تظاهرات‌های روزهای پرتالهاب خرداد ۸۸ «مرگ بر دیکتاتور»، «توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد»، «بسیجی بی‌غیرت دشمن خون ملت»، «مرگ بر استبداد»، «می‌جنگم می‌میرم»، رأی‌رو پس می‌گیرم»، «احمدی‌خیانت می‌کند رهبر حمایت می‌کند» است. (۲)

در تظاهرات ۳۰ خرداد ۶۰ بهشتی و رجایی به عنوان عوامل اصلی اجرای کودتای خمینی مورد خشم و کینه مردم قرار گرفتند. شعارهای اصلی تظاهرات روی آن‌ها متمرکز شده بود.

در تظاهرات خرداد ۸۸ شعارهای اصلی تظاهرات روی

احمدی‌نژاد عامل اجرایی کودتا متمرکز شده و مردم با سردادن «مرگ بر دیکتاتور» نفرت خود از خامنه‌ای ولی فقیه رژیم و رهبر کودتاجیان را به نمایش می‌گذارند.

رفسنجانی در خاطراتش از روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۶۰ می‌نویسد:

«... در دادگستری [به ریاست بهشتی] جلسه مشورتی قوای سه‌گانه با سپاه و ... بود که در کیفیت حرکت سیاسی و تبلیغات و دستگیری سران مخالفان محارب و مسائل روز تصمیم‌گیری شد.

عبور از بحران، کارمانه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۰ دفتر نشر معارف انقلاب چاپ سوم ۱۳۷۸، صفحه‌ی ۱۵۷.»

در روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۸۸ کودتاجیان مشابه سال ۶۰ عمل می‌کنند. آن‌ها هم به دنبال دستگیری مخالفان و کسانی هستند که از در مخالفت با کودتا درآمده‌اند. هدف اول دستگیری‌ها دانش‌جویان و نیروهای فعال اجتماعی و سیاسی هستند. حمله و هجوم نیروهای لباس شخصی درست مانند خرداد ۶۰ به خانه‌های مردم و دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی است. به خاطر نزدیک بودن سالگرد قیام دانشجویی ۱۸ تیر و جلوگیری از شعله‌ورتر شدن آتش قیام در این روز، نیروهای کودتاجی حمله و هجوم به خوابگاه‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها را در اولویت قرار داده‌اند. خیمه‌شب‌بازی مجلس ارتجاع و محکومیت حمله از سوی فرهاد رهبر معاون سابق وزارت اطلاعات و رئیس دانشگاه حکومت کودتا، برای فریب دانشجویان، سلب مسئولیت از دولت و خریدن وقت است.

دامنه‌ی دستگیری‌ها به حدی است که پاره‌ای از دوستان پیشین را نیز که در کودتای خرداد ۶۰ جولان می‌دادند در بر می‌گیرد. عبرت تاریخ است. اما کو کسی که درس بگیرد. بخشی از کودتاجیان دیروز، طعمه کودتاجیان امروز شده‌اند.

در خرداد ۶۰ بهانه‌ی مردم و آزادیخواهان مخالفت با تلاش رژیم و جناح حاکم برای برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری بود. این بار بهانه‌ی مردم تلاش برای بازپس‌گیری آرای است که در روز جمعه ۲۲ خرداد در مخالفت با نظام و ولایت فقیه و به نشانه‌ی اعتراض برای موسوی به صندوق‌های رأی ریختند. تفاوت اساسی بین بنی‌صدر و موسوی در این بود که بنی‌صدر حاضر نشد به خاطر حفظ قدرت مقابل مردم بایستد و در سرکوب نیروهای مرفعی با خمینی همراهی کند. موسوی امروز به دنبال رسیدن به قدرت و پیگیری خط «امام راجل» و نجات جمهوری اسلامی از مسیر قهقرا است. بنی‌صدر در خرداد ۶۰ در مقابل خمینی ایستاد؛ باید دید موسوی تا کجا در مقابل خامنه‌ای می‌ایستد. برای همین یکی از شعارهای تظاهرکنندگان موسوی موسوی سکوت کنی خانی! است.

فقط خواسته‌ها و عملکرد کودتاجیان یکسان نیست. در بسیاری زمینه‌ها تقارن عجیبی بین خرداد ۶۰ و خرداد ۸۸ است.

در خرداد ۶۰ برای اولین بار در تاریخ مبارزات یکصد ساله

میهن‌مان روحانیت حضوری نداشت و این اتفاقی می‌موند و مبارک بود. در تظاهرات خرداد ۸۸ تهران نیز روحانیت حضوری ندارد؛ هرچند کروی و خاتمی و مجمع روحانیون مبارز می‌کوشند آن را به نفع خود مصادره کنند. اما در عکس‌ها و فیلم‌های انتشار یافته جز یک مورد اثری از صدها هزار آخوندی که بندگان‌شان به حکومت مذهبی بسته است نیست. این پدیده را به فال نیک بایستی گرفت. این همه ماجرا نیست. تقویم نیز به یاری تاریخ آمده است. روزهای خرداد ۶۰ و ۸۸ هم یکسانند.

در خرداد ۶۰ دست رژیم برای سرکوب خونین باز بود. خمینی در مقام ولایت مطلقه فقیه نشسته بود و کلیه ارگان‌های سرکوب رژیم گوش به فرمانش بودند. هیچ شکافی در بالا نبود.

حالا خامنه‌ای در مقام ولایت مطلقه فقیه نشسته است که حتی نمایندگان و گماشتگانش نیز روی در روی او ایستاده‌اند. او حمایت رئیس مجلس تشخیص مصلحت نظام و خبرگان رهبری را نیز با خود ندارد.

به جز مهدوی کنی رئیس جامعه روحانیت مبارز و شیخ محمد یزدی رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، غالب آخوندهای دانه درشت این دو جریان در مناقشه اخیر از خامنه‌ای حمایت نمی‌کنند.

به جز نوری همدانی هیچ یک از مراجع تقلید رژیم از رویکرد وی حمایت نکرده‌اند. اعمال او در درون نظام هم «مشروعیت» ندارد.

در خرداد ۶۰ اعمال خمینی در داخل رژیم از «مشروعیت» برخوردار بود و حمایت جناح‌های مختلف رژیم را با خود داشت.

نیروهای سرکوبگر رژیم بطور یکپارچه پشت سر خمینی بودند و اوامر او را به جان و دل می‌خریدند. اما امروز بدنه‌ی نهادهای سرکوب رژیم با خامنه‌ای همراه و همگام نیست. بخش بزرگی از نیروهای سپاه پاسداران و نیروی انتظامی پرسنل وظیفه هستند که انگیزه‌ای برای اجرای فرامین او ندارند.

در خرداد ۶۰ صدای مردم ایران به گوش جهانیان نمی‌رسید. وسایل ارتباط جمعی مانند امروز نبود. آنچه که موجود بود نیز به طور یکپارچه در اختیار خمینی و کودتاجیان بود. مردم زیر بمباران خبری رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های رژیم بودند. مساجد و تکایا و منابر را در دست داشتند.

در خرداد ۶۰ و روزهای سیاه بعد از آن روزنامه‌های دولتی کیهان، جمهوری اسلامی و اطلاعات با هدایت سید محمد خاتمی، میرحسین موسوی و سید محمود دعایی نقش کثیف روزنامه‌های دولتی ایران، رسالت، وطن امروز و سایت‌های اینترنتی رجا نیوز، انصار نیوز، و خبرگزاری‌های فارس و ایرنا و ایسنا در خرداد ۸۸ را بازی می‌کردند. درست مانند روزهای اخیر آنها نیز چون هواداران احمدی‌نژاد که واقعیات جامعه را قلب می‌کنند، به تحریف اخبار و وقایع می‌پرداختند.

در خرداد ۶۰ اوباشی که لباس روزنامه‌نگاری به تن کرده

بودند، در کیهان و جمهوری اسلامی و اطلاعات و صبح آزادگان مردم به جان آمده و آزادیخواه را ضد انقلاب و ارادل و اوپاش می خواندند، درست مانند امروز که احمدی نژاد و ارگان های وابسته به او، مردم را «خس و خاشاک» و ارادل و اوپاش می خوانند.

و یونفرم پوش رژیم انجام می دهند پی می برند که در خرداد و تابستان ۶۰ چه بر سر مردم آمده است. به این ترتیب خرداد ۶۰ به خرداد ۸۸ وصل می شود.

۲۸ سال از کودتای خرداد ۶۰ می گذرد. نسل ما در خرداد ۶۰ وقتی دیوار تاج دهان باز کرده بود که همه را بیلد چه کار می توانست بکند و نکرد؟ چه اشتباهی در آن روزهای سرنوشت ساز مرتکب شد که نیاستی می شد؟

امروز در خرداد ۸۸ در خیابان ها جوانان فریاد می زنند: «موسوی موسوی سکوت کنی خانی»

امروز با شنیدن این شعار، خستگی ۲۸ سال گذشته از تن بیرون می رود. سرم را بلند می کنم لبخندی می زنم و پیش وجدان آسوده ام که خیانت نکردیم. نسل ما در زیر آتش و گلوله و شکنجه و بیداد سکوت نکرد، نسل ما درو شد اما به مسئولیت تاریخی خود عمل کرد.

از خاکستر نسلی به خون خفته، نسلی جدید در خرداد ۸۸، بر می خیزد و همچنان شعار به خون خفتگان خرداد ۶۰ و نسلی که به خون تپید را فریاد می کند. نتیجه ای این دور از مقاومت هرچه که باشد رژیم جمهوری اسلامی را آسیب پذیرتر از همیشه می کند.

پانویس:

۱- رجوع کنید به مقاله «و گورستانی چنان بی مرز شیار کردند»، خرداد ۱۳۸۰، مهناز متین، ناصر مهاجر، مجله آرش، فرانسه، شماره ۷۸-۷۷، ص ۹-۳۲.

<http://www.arashmag.com/content/view/489/47/1/2>

رژیم چنانچه دست به سرکوبی گسترده و خونین هم بزند از بازآفرینی دوران سیاه دهی ۶۰ عاجز است. در خرداد ۸۸ کابوس خرداد ۶۰ برای رژیم زنده شده است. به همین دلیل رفسنجانی یکی از رهبران کودتای ۶۰ با آن یکی از اهداف کودتاچیان، از صحنه بیرون کردن اوست سکوت اختیار کرده است. او به خوبی خطراتی که نظام را تهدید می کند درک می نماید. برای او حفظ نظام از هر چیزی مهم تر است.

آنچه در این سال ها گذشت را یک بار دیگر مرور می کنم. بهشتی یکی از رهبران اصلی کودتای خرداد ۶۰ چیزی نگذشت که همراه با رجایی و باهنر و... به هلاکت رسیدند.

با خود می گویم اگر خامنه ای رهبر کودتای خرداد ۸۸ هم در تیرماه ۶۰ به جای آن که حرکت دستش را از دست بدهد کشته شده بود، امروز عده ای چون مسعود بهنود، علیرضا نوری زاده، محسن سازگارا، سیدابراهیم نبوی و... که سنگ بهشتی و میانه روی او را به سینه می زنند و بخاطر از دست دادن او غبطه می خورند از صفای باطن و پپ گوشه لب و تار در بغل و روح لطیف و طبع بلند خامنه ای داستان ها نمی یافتند و به روی تاریخ و قربانیان این نظام اهریمنی جنگ نمی کشیدند؟ آیا نمی گفتند اگر خامنه ای زنده مانده بود و خشونت طلبان او را از ما نمی گرفتند، «انقلاب اسلامی» مسیر دیگری را می رفت؟ آیا نمی گفتند خامنه ای با آن «روح لطیف» اجازه ی خشونت طلبی به امثال لاجوردی و...

این ها همه مشابهت ارگان های تبلیغاتی کودتاچیان در خرداد ۶۰ و ۸۸ است. اما امروز برخلاف گذشته کودتاچیان به خاطر پیشرفت های تکنولوژیک نمی توانند همه ی راه را مسدود کنند.

با وجود شبکه ای اینترنت و دسترسی افراد به یو تیوب، فیس بوک، توئیتر و... شبکه های خبری ۲۴ ساعته، سایت های خبری، تلفن های دستی، تلویزیون های ماهواره ای، رسانه های بین المللی، دوربین های دیجیتال و ده ها ابزار مشابه دیگر تلاش رژیم برای سانسور اخبار و جنایاتی که صورت می دهد ناممکن شده است.

از تظاهرات گسترده مردم در ۳۰ خرداد ۶۰ به جز یک عکس چیز دیگری در دست نیست. اما هزاران عکس و تفسیر و فیلم و خبر از تظاهرات های خرداد ۸۸ میلیون ها بار به سمع و نظر مردم ایران و دنیا رسیده است. در حالی که هیچ عکسی از جنایات رژیم در خرداد ۶۰ نیست. جوانانی که امروز در خیابان ها هستند با دیدن جنایاتی که مأموران لباس شخصی

سوپر مارکت بهار هامبورگ

با مدیریت جواد زردشت

عرضه کلیه اجناس ایرانی مورد نیاز خانواده

ها با کیفیت بالا و قیمت مناسب



مجموعه ای از

آخرین کتابهای

منتشر شده

در ایران و خارج،

نشریات فارسی زبان

Bahar Supermarket

Schmilinsky Str. 30 , 20099 Hamburg

Tel: 040 / 2 80 25 05

SEPID سوپر سپید

نان و شیرینی، خشکبار، ادویه جات، سبزیجات تازه و خشک شده، حبوبات و انواع برنج

لبنیات ایرانی، عرقیات ایرانی، انواع کنسروها، تن و خورش های فریز شده

هر روز نان بربری داغ



از پنج پس از نیمروز، شنبه و یکشنبه از ساعت دو پس از نیمروز

نان خامه ای و رولت سفارش پذیرفته میشود

TER RUE DES ENTREPRENEURS, 75015-PARIS 62

TEL: 0145781324

FAX: 0145780515

اگر به فکر بازگشت به کشورتان هستید ما می توانیم کمک کنیم

اگر بعنوان پناهندگی سیاسی هستید و یا بصورت غیرقانونی به کشور انگلستان آمده اید
و یا از اعتبار ویزای شما گذشته است

ما می توانیم برخی از نیازهای شما را در کشور خودتان فراهم نماییم

ما می توانیم هزینه تهیه بلیط شما را پرداخت نماییم

هزینه رفت و آمد به فرودگاه در انگلستان و کشورتان را پرداخت نماییم

در زمینه تهیه برگه خروج مشاور شما باشیم

با مراجعه به فرودگاه کمک حالتان باشیم

کلیه خدمات ما
رایگان است

تلفن رایگان 0800 783 2332

IOM سازمانی بین المللی بوده و به دولت انگلستان وابسته نمی باشد

Thinking about returning to your home country?

If you are an asylum seeker, call IOM free
for an individual or a family return plan.

0800 783 2332



IOM International Organization for Migration

IOM is an international organization.
IOM is **not** part of the UK Government.
IOM will help you to return home only if you wish to do so.

www.iomuk.org

Small Business Start Up
Travel Arrangements
Flight Ticket
Relocation Grant
Baggage Allowance
Short-Term Accommodation
Job Training
Work Placements
Education



Actions co-financed
by Community Funds

21 Westminster Palace Gardens, Artillery Row, London SW1P 1RR
IOM also has offices in Birmingham, Bristol, Glasgow, Leeds, Liverpool and Manchester

گزارشگر: موش میرزای دو نبش
*

**به علت مخدوش شدن
هاله ی نور، گفتگو با حاج
دکتر استاد سید محمود
امکان پذیر نشد. به جای
مصاحبه با ایشان گزارشی
از انتخابات ریاست
جمهوری تقدیم قارئین
محترم می شود...**
*

بله!

**من قلقلک شده ام
و برای پیشبرد
دموکراسی در
انتخابات شرکت
می کنم...**
*

**البته شاید هم پروانه ی
وکالت گرفتم...**

این جانب موش میرزای دو نبش، خدمت همه ی قارئین محترم و شنوندگان و خوانندگان و بینندگان عزیز و غیره سلام عرض می کنم. هفته ی گذشته، لابد اولین قسمت مصاحبه ی این جانب را با حاج آقا محمود احمدی نژاد شنیده اید و یا خوانده اید و یا دیده اید. و اگر نخوانده اید، چیز مهمی را از دست نداده اید. فقط کمی نور چشمانتان را برای آینده ذخیره کرده اید. این هفته با چند سؤال ناب و دست اول و روشنگر که از طریق دفتر تبلیغاتی حاج آقا دکتر سید محمود

احمدی نژاد در اختیار این جانب قرار گرفته بود، به کاخ ریاست جمهوری مراجعه کرده و استدعا نمودم در صورت امکان به این عبد عبید ولی فقیه اجازه ی شرفیابی به حضور مبارک جناب رییس جمهور، به منظور ادامه ی مصاحبه داده بشود. اما بر خلاف انتظار این حقیر فقیر مفلوک، یک حاج خانم و یا حاج آقای محببه که خودش را در چادری سیاه و بلند پوشانده بود، به طوری که فقط چشم راست او، بفهمی نفهمی کمی، روبم به دیوار، گلاب به روی شما و رییس جمهوری محبوب، به اندازه ی یک پشگل گوسفند پیدا بود، با توپ و تشر فریاد زد: «مرتیکه ی الدنگ کناس چی از جان حاج آقا، دکتر می خواهی؟! برو گمشو و گرنه دستور می دهم برادران اطلاعاتی اربابت کنند. یعنی کاردی ات بکنند.»

عرض کردم: «فکر می کنم این جانب موش میرزای دو نبش را با معاندین و مفسدین فی الارض و ضد انقلابیون کافر عوضی گرفته اید، هفته ی گذشته افتخار شرفیابی و انجام مصاحبه با حضرت حاج آقا علامه دکتر استاد الاساتید سید محمد احمدی نژاد، نصیبم شد و سؤال هایی را که فاطمه خانم همسر جناب الهام (سخنگوی دولت مهرورزی با همکاری برادر جناب آقای «قوری زاده» طرح کرده و در اختیارم گذاشته بودند، از ایشان پرسش کردم و مصاحبه را قبل از انتشار از نظر جناب آقای الهام گذراندم. ایشان ضمن تایید عبودیت این جانب، اجازه ی انتشار صادر فرمودند.»

حاج خانم و یا حاج آقای محببه ی رییس دفتر با خشم پاسخ فرمودند: «حاج آقای رضا علی قوری زاده و حاج خانم، الهام گوه خوردند، با تو. هیچ کسی حق ندارد چهره ی مقام معظم رییس جمهوری را تخریب بکند و به هاله ی نور دور سر مبارک این عزیز کرده ی امت ایران و ولی فقیه صدمه یی وارد بکند.»

از حاج خانم و یا حاج آقای محببه که یک چشمش، به اندازه ی پشگل گوسفند، از گوشه ی چادر سیاهش پیدا بود، پرسیدم: «حالا هیچ راهی برای انجام ادامه ی مصاحبه با

نور چشم مبارک امت ایران و ولی فقیه وجود ندارد؟!»

ایشان جواب فرمودند: «خیر ندارد. این هفته برو نظر امت شهید پرور را درباره ی تنور انتخابات جویا بشو، چنانچه، موفق شدی که هاله ی نور دور سر حاج سید محمد، استاد ممتاز دانشگاه را رجحان دهی، و بر محبوبیت معظم له بیفزایی، هفته دیگر بیا. اگر نه برو و خودت را به دانشگاه اوین و یا دانشگاه عادل آباد شیراز معرفی کن. تمام.»

به ناچار به گفتگو با حاج آقا و یا حاج خانم محببه که یک چشمش به اندازه یک پشگل گوسفند از گوشه ی چادر سیاهش پیدا بود، خاتمه دادم و همچنان که ایشان فرمایش فرموده بودند، رفتم به دنبال نظر خواهی از مردم. که خلاصه ی آن را در پی می خوانید:

به یک نفر که در صف طویل خرید شیر پاکتی ایستاده بود، نزدیک شدم و با احتیاط گفتم: «حاج آقا سلام عرض کردم.»

طرف چنان سرخ شد که انگاری به او فحش خواهر و مادر داده ام. با عصبانیت پرسید: «به کی گفتی حاج آقا؟!»

عرض کردم: «خدمت شما سلام عرض کردم.» پرسید: «منظور از سلام؟! بعد چی می خواهی؟!»

عرض کردم: «من خبرنگار روزنامه ی بسیار پر تیراژ "هاله ی نور" هستم و چند سؤال...» هنوز جمله ام را تمام نکرده بودم که طرف با صدای بلند گفت: «اولا حاج آقا هفت جد و آبادت است. دوما شاشیدم به ریش آن میمون تیر خلاص زن. سوم...»

دیدم طرف می خواهد گیر بدهد به من. راهم را کشیدم و رفتم. در صف پمپ بنزین، خانم محبه یی که منتظر سهمیه بنزینش بود، توجهم را جلب کرد. با احتیاط به او نزدیک شدم و بعد از عرض سلام، خودم را معرفی کردم و گفتم که خبرنگار روزنامه و تلویزیون "هاله ی نور" هستم و استدعا کردم اجازه بدهند که چند سؤال در باره ی انتخابات ریاست جمهوری را با ایشان مطرح کنم.

زمان انتخابات

حسین پویا

دوباره شد زمان انتخابات
کشیده شد کمان انتخابات

بیا ای هموطن بشنو تو از من
کمی هم داستان انتخابات

اساسش بوده نیرنگ و تقلب
از اول سازمان انتخابات

دچار چالش و چرخش مداری
در ایران گفتمان انتخابات

شده آماده انواع غذاها
برای دوستان انتخابات

به زیر بار سنگین ولایت
شکسته استخوان انتخابات

برای محرمیت صیغه کرده
خود رهبر مامان انتخابات

سپس یک خل مشنگ بی خرد را
نموده زورچپان انتخابات

فرستاده غذا و آب و کارتن
برای کودکان انتخابات

پریده احمدی از روی اشتر
به روی نردبان انتخابات

شعار نان و آب مفت داده
به منظور بیان انتخابات

بسیجی با لگد از عشق رهبر
زده توی فلان انتخابات

گرفته سخت شورای نگهبان
به دست خود سکان انتخابات

که با صبر و شکیبایی بچیند
دوباره چیدمان انتخابات

کسی که خورده حق رای مردم
شده حالا شبان انتخابات

دچار بند و زندان اوینند
در ایران دشمنان انتخابات

تو هم ای هموطن با مشت محکم
بزن توی دهان انتخابات

مگر ملت کند همت دوباره
بگذرد دگل، دکان، انتخابات

خانم محجبه گفت: «خبرنگار به
این خنگی! هرگز ندیده ملتی. کی به
خاتمی رای می دهد عمو.»

پرسدم: «پس به کی رای
می دهید؟!»

خندید و گفت: «نخندی ها!
پاسخم خیلی هم جدی است.»

گفتم: «بفرمایید. نمی خندم.»

خونسرد گفت: «من به گوز
کلاغ رای می دهم. از همه ی آن
چهارتا بهتر است. حداقل آدم نکشته
است.»

سرم را از خجالت پایین انداختم
و رفتم.

کمی پایین تر از پمپ بنزین،
دخترکی با موهای ژولیده لباس مندرس
گل می فروخت. جلو رفتم و سلام گفتم.
در جوابم گفت: «چه جور گلی
می خواهی؟! رز قرمز یا صورتی؟!»

گفتم: «دختر جان موش میرزا
کسی ندارد که برایش گل بخرد.»

گفت: «پس برو دنبال کارت.
توقف بی جا مانع کسب است.»

پرسیدم: «در انتخابات شرکت
می کنی؟!»

گفت: «انتخابات چیه؟»
گفتم: «انتخابات ریاست

جمهوری!»
گفت: «ریاست جمهوری چی
هست؟»

گفتم: «مثل این که در این دنیا
زندگی نمی کنی. اگر رأی ندهی و در
شناسنامه ات مهر شرکت در انتخابات
نخورد کارت زار است؟»

گفت: «یعنی زارتر از الان.»
گفتم: «بله. زارتر از الان. دیگر

بهت نه کوپن می دهند و نه...»
گفت: «الان هم به من کوپن
نمی دهند. برای این که من شناسنامه
ندارم.»

پسیم: «چرا؟»
گفت: «چون پدرم افغانی بوده و

چند ماه بعد از ازدواج با مادرم، مرده.
به من شناسنامه نمی دهند.»

سرم را پایین انداختم و با خودم
گفتم: «من هم به گوز کلاغ رای می
دهم.»

ستار لقابی

ایشان با عصبانیت گفت: «اول برو
سئوال کردن یاد بگیر. بعد سئوال کن.
کدام انتخابات؟! سید علی گدای سابق
و عمله اش، چهار نفر را که
همه اشان سابقه ی جنایت دارند، به
مردم معرفی کرده و خواسته اند که
مردم به یکی از آن چهار تن، رای
بدهند. حالا چه فرقی می کند که کی
از صندوق در بیاید. چه خواجه علی؟
چه علی خواجه.»

گفتم: «...ولی خانم کار، وکیل
دادگستری نوشته اند که انگیزه پیدا
کرده اند که رای بدهند. و این آغاز
دموکراسی است.»

خانم محجبه جواب داد: «ولی
من قصد تمديد پروانه ی وکالت ام را
ندارم.»

گفتم: «یعنی شما در انتخابات
شرکت نمی کنید؟!»

خانم محجبه جواب داد: «در
انتخابات شرکت می کنم. ولی در
انتصابات، شرکت نمی کنم.
کاندیداهای ولی فقیه پرونده هاشان
روشن است. میمون عنترنژاد، تیر
خلاص زن بوده و به پیشینه ی خودش
افتخار می کند. زیرا او معتقد است که
کفار را کشته است و زمین را از فساد
و مفسده پاک کرده است. آن شخصی
هم که خودش را با نقاشان قاطی کرده
بوده و می گوید که مهندس بوده یا
هست، سال ۶۲ وقتی نخست وزیر
ولی فقیه بود، هزاران زندانی را اعدام
کرد. آن شخص پاسدار هم وضعیتش
معلوم است. می ماند آن شیخ
اصلاحات. یعنی فکر می کنی من
آنقدر احمق هستم که فکر کنم شیخ
می تواند، اصلاح طلب و یا مصلح
باشد؟! این مثل آن است که بگویی
"گوه معطر". گوه که معطر نمی شود.
تعفن خصلت گوه است.»

عرض کردم: «شما که هیچ
یک از کاندیداها را قبول ندارید. پس
چطور می خواهید در انتخابات
شرکت کنید؟»

خانم محجبه گفت: «من
کاندیداهای ولی سفیه را قبول ندارم.
ولی من خودم یک کاندیدا دارم که اگر
چه ایده آل نیست، اما به مراتب از آن
چهارتا بهتر است.»

پرسیدم: «منظورتان آقای
خاتمی هستند؟! یا کس دیگری؟»

شماره رنگارنگ

همانطور که مجله رنگارنگ را متعلق به خودتان می‌دانید و ساهاست که با خرید مجله ما را حمایت و پشتیبانی می‌کنید، ما نیز خود را در شادی‌ها و خاطرات شما سهیم می‌دانیم.

صفحات مجله رنگارنگ آلبومی است از عکسهایی که در طول ۲۲ سال گذشته شما از فرزندان خود برای ما فرستاده‌اید که امروز کودکان شما به مرز ۲۰ سالگی رسیده‌اند و هنوز که مجله رنگارنگ آن سالها را می‌بینید لبخندی شیرین و خاطره‌انگیز بر لبهایتان نقش می‌بندد یا دانش‌آموزان ممتازی را که سالها پیش معرفی می‌کرده‌ایم امروز، پزشک، اقتصاددان، وکیل یا صاحب مشاغل چشمگیر هستند. قصد داریم هر ماهه بخشی به زندگانی شما عزیزان اختصاص دهیم که گزارش یا عکسهایی از مراسم ازدواج، سالگرد ازدواج، تولدهای عزیزان، عکسهای فرزندان و یا درد دلها، پیامی برای کسی که دوستش دارید و یا نوشته‌های دلخواهتان را برای ما بفرستید ما نیز در مجله چاپ خواهیم نمود. به هر حال این صفحات متعلق به شماست. عکسها یا پیام‌های مورد علاقه خود را از طریق پست یا ایمیل برای ما ارسال نمایید.

ایمیل ما: rangarang_london@hotmail.com

آدرس ما: POBox: 2821 , London NW2 1DS

شهناز قائمی: برایتون انگلستان

مثل هر سال باز هم فراموش کردی که تولدم، تولدت، جشن سالگرد ازدواجمان و تولد مهیار را در کنارمان باشی ولی ما هرگز تو را و یادت را فراموش نمی‌کنیم و با دلی شکسته و خاطرات ابدی به سراغت می‌آئیم و تمامی



قلبمان و عشقمان را با گل‌های رز قرمز تقدیم می‌کنیم. همیشه بودنت را حس می‌کنیم هر چند ۵ سال است در گوری آرام به خوابی ابدی رفته‌ای.

همسر و فرزندت



معرفی دانش آموزی ممتاز

سارا در منطقه بارنت شمال لندن زندگی می‌کند به مدرسه و سس گاردن می‌رود و در کلیه درسها و امور هنری و ورزشی از شاگردان ممتاز به شمار می‌رود. و تا به حال چندین بار مورد تشویق و دریافت جوایزی نائل آمده است.

او قصد دارد در آینده شغل مدیریت بازرگانی را انتخاب نماید چون می‌خواهد در بازار تجارت جهانی توانایی‌ها و استعدادهای خود را بیشتر به اثبات برساند.

مهناز عزیزم، همسر نازنینم



شاید با این خط توانسته باشم قطره‌ای از احساسات و هیجانات درونی خود را برایت بیان کنم. هر لحظه که فکر می‌کنم به زودی صاحب فرزند می‌شویم شد که ثمره عشق ماست در آسمانها پرواز می‌کنم. لحظه به لحظه در آرزوی دیدن این میهمان عزیزمان هستم و تنها آرزویم در این روزهای پایانی بارداریت فقط سلامت تو و فرزندمان است.

همسرت امیر

تولدتان مبارک

این عزیزان در ماه ژوئیه به دنیا آمده‌اند و تولدشان را از سوی خانواده‌ها و دوستانشان و همچنین از طرف مجله رنگارنگ تبریک می‌گوئیم.

آرین - مریم - سارا - نیکی - دامون -

کلاسهای آموزش رقص

رقص تپایی مسکن روح، روان و جسم

چند صبحی است که در جنوب اسپانیا در شهر ساحلی Mijas - Costa کلاسهای برای علاقمندان به فراگیری رقص دایر شده است.

خانم فریبا که اداره این کلاسها را به عهده دارد با تقسیم‌بندی سه گانه کلاسها بر اساس:

۱ - رقص تپایی ۲ - رقص پایه ۳ - رقص ورزشی

معتقد است که رقص و رقصیدن هنری است که هر انسانی می‌تواند آن را فرا بگیرد و رقص تنها چند حرکت ساده بدنی نیست بلکه مجموعه‌ای در ارتباط با درون و برون انسانهاست که برای آنان شادی، هیجان، لذت، آرامش و سلامت را به ارمغان می‌آورد و نکته مهم در رقصنده اعتماد به نفس هم ایجاد می‌نماید.

خانواده‌های ایرانی در جنوب اسپانیا در روزهای مختلف و در سنین مختلف در این کلاسها شرکت نمی‌نمایند و ساعاتی را به خوبی می‌گذرانند.



شما و رنگارنگ

بچه ها گل‌های قشنگ زندگی



مونا و مریم



شادی



آرین



ارشیا

ایرانیان و حیوانات

همانطور که ملاحظه میکنید، تعدادی از خوانندگان مجله رنگارنگ عکسهایی از حیوانات خود را برای ما فرستاده اند که می بینید



بنجی سگ مریم (لندن)



لیو گربه حنا (کلن)



برفی سگ مرتضی (آمستردام)



سالار گربه پرپسا (لندن)

جوکهای ارسالی شما

به بزه می گن چرا زنگولت صدا نمی کنه؟
می گه گذاشتمش رو ویره!

تومراسم ختم بلندگو می گه: مرحوم وصیت کرده سیاه
نپوشین. حیف نون داد میزنه: مرحوم غلط کرده! ما به
احترامش می پوشیم!

اصفهانیه آب معدنی می خره، به زنش می گه حاج خانم
آب بریز توش، این خیلی غلیظه!

دو تا آبادانی به هم می رسن. اولی می گه: جات
خالی... دیروز رفتم شکار، هفت تا خرگوش، چهار تا
آهو و سه تا شیر شکار کردم.

دومی می گه: همش همین؟

اولی می گه: بابا! آخه با یک تیر مگه بیشتر از اینم می
شه؟

دومی می گه: تازه تفنگ هم داشتی؟

یارو رو میگیرند میبرند کلاتری. یارو میگه: منو واسه
چی گرفتید؟

جناب سروان میگه: واسه عرق خوری.

یارو میگه: پس چرا نمیارید بخوریم؟!

به یارو میگن: چند تا حیوان پرنده نام ببر

یارو میگه: کبوتر، کلاغ، خر!

بهش میگن: بابا، خر که پرواز نمیکنه

میگه: خره دیگه، یهو دیدی پرواز کرد!

فالگیر: فردا شوهرتون میمیره!

زن: اینو که خودم میدونم. بهم بگو گیر پلیس میفتم
یا نه!

پیرزن: عزیزم! توی نودمین سالگرد ازدواجمون از من
چی میخوای؟

پیرمرد: يك لحظه سکوت!

مردی از دوستش پرسید: اگر یک روز متوجه شدی که به
بیماری هاری مبتلا شده‌ای چه کار می‌کنی؟

- فوراً تقاضای قلم و کاغذ می‌کنم.

- برای نوشتن وصیت‌نامه؟

- نه برای نوشتن فهرست کسانی که باید گازشان
بگیرم!

از یه نفر می‌پرسن: شما به موتورسیکلت چی می‌گید؟
میگه: دوچرخه‌ی عصبانی!

هر وقت تو دستشویی یه سوسک دیدی، فوری با دمپایی
نکوب رو سرش، بی‌توجه از بغلش رد شو! این کارت از
صدتا فحش براش بدتره!

از یارو می پرسن: به نظر شما آگه آمریکا، افغانستان و
عربستان رو بگیره، به کره و چین هم حمله کنه تکلیف
ایران چی میشه؟ یارو میگه: چي میشه نداره که، ایران
میره جام جهانی!

چگونه باورهای خود را بسازیم؟ و چگونه آنها را بارور کنیم؟



همکارمان سارا عباسی از پاریس

نبریم. مثلاً اگر شما یک تجربه منفی را در زندگی داشتید، این تجربه تلخ در ذهن شما ثبت و ضبط می‌شود و هر زمان که با چنین شرایطی و رویدادی روبرو شدید ضمیر ناخودآگاه به طور اتوماتیک آن خاطره منفی را به یاد می‌آورد و فوراً احساسات و خاطرات مشابه را به ذهن شما می‌رساند و همین خاطرات گذشته به شما یاد می‌دهد که چگونه با در نظر گرفتن احساسات و منطقتان به آنها جواب دهید.

و اینجاست که باید بدانیم موفقیت امروزمان را مدیون شکستهای قبلی هستیم، چون اگر آنها نبودند نمی‌توانستیم تجربه‌ای کسب کنیم. ضمیر ناخودآگاه در آن واحد چندین واکنش را بررسی کرده و کارهای متفاوتی انجام می‌دهد و همه آنها در ذهن انسان ثبت می‌شود. ضمیر ناخودآگاه به ما یاد می‌دهد تا آرزوها و اهدافمان را عملی کنیم و سبب موفقیت ما در تمام زندگی می‌شود.

از طریق ضمیر ناخودآگاه می‌توانیم موفقیت را در ذهن خود به تصویر بکشیم و این کار کمک می‌کند که ما جذب چیزهای خوب شویم که آنها را می‌خواهیم. در این موقع از احساس و عقلمان کمک می‌گیریم.

فکر کردن به چیزهای خوب و مثبت همچنین می‌تواند ضمیر ناخودآگاه را در رسیدن به موفقیت کمک کند و این ما هستیم که قدرت داریم که افکارمان را انتخاب کنیم و اگر حس می‌کنیم آگاهی در مورد یک چیز داریم باید آن را بارور کنیم.

جملاتی مثل: «من شکست می‌خورم» و «توانایی این کار را ندارم» و غیره باعث می‌شود ضمیر ناخودآگاه آن را به حقیقت تبدیل کند. و در وجود ما باورهای منفی را پررنگتر کند.

باید به باورهای خود آموزش دهیم که فقط به موفقیت، شادی، کامیابی، سلامتی و عشق فکر کند.

ما با قدرت و نیروهای خاصی که در باورها و ضمیر ناخودآگاه خود داریم، باید سعی کنیم و یاد بگیریم که چگونه می‌توانیم استفاده مثبت و خوبی از زندگی داشته باشیم.

ما ساعتی در روز را نیاز به تنهایی داریم و در آن خلوت خود، بهتر است ورزش به روحیه خود بدهیم.

متوجه تغییراتی که در اطراف ما پیش می‌آید، باشیم. اما به ارزشهای خود نیز توجه زیادی داشته باشیم.

داشتن یک زندگی شرافتمندانه نیروی مثبت را تقویت می‌کند و یادآوری آن در آینده به شادی و نشاط ما می‌افزاید.

هنگامی که زیربنای زندگی با محبت و عشق باشد، خودبخود باورهای درونی رشد می‌کند و محیط خانه دلپذیر می‌شود.

مسئله مهمی که باید توجه کنیم این است که هنگامی که در خانه بحثی یا گلایه‌ای پیش می‌آید، سعی کنیم داستان و ماجرا را همان روز حل کنیم نه اینکه پرونده‌های قدیم را زیر و رو کنیم و یادآور گذشته‌های تلخ باشیم.

زندگی و دنیا را همانطور که هست بپذیریم، اما اگر با روحیه ما سازگار نیست، خودمان دست به کار شویم نه اینکه دنیا را مقصر بدانیم.

باید سعی کنیم در یک ارتباط عشق و محبت ما نسبت به هم سبقت بگیرد از نیاز ما، چون اگر ما رابطه‌ای را برای نیاز شروع کنیم هیچگاه عشق و محبت در آن رابطه پررنگ نمی‌شود.

برای هر موفقیتی که به دست می‌آوریم باید توجه کنیم که چه چیزی را از دست دادیم که به این موفقیت رسیدیم.

قدرت ضمیر ناخودآگاه خود را درک کنیم و عمل کننده باورهای درونی خود باشیم.

ضمیر ناخودآگاه می‌تواند کمک کند که باورهای درونی

اصولاً افراد همانطور که باور داشته باشند می‌توانند فکر کنند و این باورهای هر فرد هست که به او تلقین می‌کند که چطور بیانید. همانطور که می‌دانید همه آدمها مثل هم هستند و این باورهای درونی آنهاست که می‌تواند متفاوت باشد. افراد موفق با باورهای عالی موفقیت برای خود می‌سازند.

آدمهای ثروتمند باورهای عالی و ثروت آفرین دارند که با اعتماد به نفس عالی خود و بدون توجه به تمام مسائل به دنبال کسب ثروت می‌روند و به لحاظ باورهای مثبتشان، به ثروت مطلوب خود می‌رسند.

قانون زندگی قانون باورهاست. باورهای عالی سرچشمه همه موفقیت‌های بزرگ است و توانمندی یک انسان را باورهای او تعیین می‌کند و انسانها هر آنچه را باور دارند خلق می‌کنند. باورها تعیین کننده کیفیت اندیشه‌ها، اندیشه‌ها عامل اولیه اقدامها و اقدامها عامل اصلی دستاوردها هستند.

برای اینکه باورهای خود را بارور کنیم و تصویر زیبایی از زندگی برای خود بسازیم به چندین نکته باید توجه کنیم:

اولاً باید به خاطر داشته باشیم برای رسیدن به عشقهای بزرگ و دستاوردهای عظیم باید خطر و ریسکهائی را بپذیریم.

هنگامی که چیزی را از دست می‌دهیم، تجربه‌ای باشد برای ما و درس گرفتن را از دست ندهیم.

باید بتوانیم مسئولیت پذیر باشیم در مقابل کارهایی که کردیم و احترام و محبت به خود و دیگران را از یاد

مجله رنگارنگ

همیشه زبانزد همگان است

پیام تبلیغاتی خود را در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

صنعت کتاب سازی

شغلی نان و آب دار در جمهوری اسلامی

پاریس: ناصر امینی

جماعت، این است که بدی‌ها هیچ وقت یادش نمی‌رود و از یک مطلب کوچک کینه به دل می‌گیرد و دنبال انتقام جویی راه می‌افتد... به جهنم که مردم سلطنت ما را نمی‌خواهند. قابل نبودند. یک روزی پشیمان می‌شوند و چراغ بر می‌دارند و دنبال ما می‌گردند!... آیا سلطنت کردن بر این مردم مذذب افتخار دارد؟ ولش کن بابا! لایق نبودند... حالا آدم اگر در انگلستان شاه باشد یک چیزی اما شاه بودن در مملکت ایران یا افغانستان دو قران نمی‌ارزد!.. خوش به حال این اروپایی‌ها و این آمریکایی‌ها. ملاحظه کنید چقدر آزاد هستند و زن‌هایشان بدون چادر و روسری در خیابان‌ها و معابر رفت و آمد می‌کنند و لخت و عور کنار دریا و استخر و پلاژ تفریح می‌کنند و از مشروبات هر چه بخواهند می‌خورند... آن وقت در این روزنامه‌ها و مجله‌ها که از تهران می‌آید می‌نویسند ملکه مادر یک گیلان کنیاک می‌خورده است. آیا خوردن یک گیلان کنیاک جرم است؟! خدا لعنت کند اسدالله علم را که بساط شیطنیت (زن بارگی) را برای محمدرضا درست می‌کرد و باعث تحلیل رفتن قوه پسر می‌شد! به هر حال پسر شاه بود و اگر شاه از شاه بودن لذت نبرد و شاهی نکند، چه بکند؟! چند ماه قبل نیز کتابی تحت عنوان (۲۵ سال در کنار پادشاه) حاوی خاطرات اردشیر زاهدی در تهران چاپ شد که چون در آن کتاب جعلی عکسهای جالبی از خاندان سلطنت بود با استقبال مردم روبرو شد و در هفته اول انتشار تمام شماره‌های آن فروش رفت.

سپس خاطرات (شهنواز پهلوی) در دو جلد منتشر شد. در زمانی که خانواده و هر شخص در مقابل تهمت و جعل و فحاشی به مراجع قضایی مراجعه می‌کنند معلوم نیست خانواده پهلوی که در این مورد بخصوص تا این مرز فاحش مظلومیت دارد چرا از حقوق خودشان دفاع قانونی نمی‌کنند؟

ملکه مادر، در سال ۵۷ به صورت جسمی نیمه بی‌هوش و بیمار به خارج از کشور منتقل شد. کدام خاطرات را نوشته و دست نوشته او کجاست؟ البته این سریال‌ها ادامه خواهد داشت و در آینده باید منتظر خاطرات جعلی والا حضرت اشرف، مرحوم والا حضرت شاهدخت فاطمه و شرح عشق‌های جعلی آن‌ها، و تهمت‌های جاسوسی و غیره باید باشیم.

این سریال‌ها تا وقتی که جیره و مواجب مالی و گردی نویسنده آن که از وازده‌های مطبوعات دهه سال‌های چهل و پنجاه تهران است، ادامه خواهد داشت. دریغ و درد که در زمان نابکار ما وقاحت را مرزی نیست!

مشغولند به سیاق خاطرات اصغر قاتل و حاج ربابه و سید مهدی بلیغ باب شده است.

اولین سری از این خاطرات جعلی با کتاب (پری غفاری) که انواع و اقسام اتهامات را به افراد سرشناسی وارد می‌کرد آغاز شد.

قبل از آن (خاطرات فردوست) که البته با تردستی و در سطح بالاتری تنظیم شده بود به بازار آمد با احساس خطر طرفداران سلطنت، این موج خانواده شاه سابق ایران را در بر گرفت و کتاب قطوری به نام خاطرات بانو فریده دیبا، دخترم فرح چاپ و منتشر شد.

جاعل این کتاب از آن جا که حتی محل اقامت خانم فریده دیبا را نمی‌دانست، از قول ایشان وشته است: فعلا در خانه‌ام در آمریکا زندگی می‌کنم و این خاطرات را می‌نویسم، در حالی که همه می‌دانند فریده خانم دیبا بعد از انقلاب مقیم پاریس بود.

وقتی با کسی مخالف هستی آبروی او را ببرید تا مجبور شود از شهر و دیارش فرار کند. کلینی

جدیدترین این نوع جعل کثیف، کتابی است که اخیراً به نام «خاطرات ملکه پهلوی» مادر محمدرضا شاه و همسر رضاشاه در تهران منتشر شده است.

جاعل بدون این که اطلاع داشته باشد که ملکه مادر با حال بیماری در خانه دخترش شمس در آمریکا بستری بود و پس از مدت کوتاه در حال بیماری در آنجا چشم از جهان فروبست، مدعی شده است ملکه پهلوی خاطراتی نوشته و این خاطرات را ایشان در ایران منتشر کرده است.

در جایی نوشته است: ملکه مادر مشروب خوار بود و قبل از خواب یک استکان کنیاک می‌خورد.

من لازم می‌دانم به نقل از روزنامه اطلاعات چاپ لندن که روزنامه کیهان چاپ تهران برای نشان دادن (فساد در خانواده پهلوی) آن را در سرمقاله خود آورده چند سطر را عیناً از نظر خوانندگان بگذرانم.

(برگرفته از کتاب خاطرات تاج الملوک)

مردم ایران حسود هستند و نمی‌توانند بهتر از خودشان را ببینند و حتی به شاه مملکت هم حسودی می‌کنند و دنبال این هستند یک جوری به او ضربه بزنند. به زندگی خصوصی ما دخالت‌های ناروا می‌کردند، حتی ما اجازه نداشتیم یک گیلان کنیاک بخوریم. عیب ایرانی

کتاب‌های خاطرات ملکه پهلوی - فریده دیبا - فوزیه - اردشیر زاهدی - شهنواز پهلوی و دهها کتاب دیگر جعلی است.

آن چه که تا کنون در باب پرونده سازی و جعل سند و اتهامات جورواجور برای مصادره اموال و اعدام افراد در این ۳۰ سال بر مردم ما گذشت، دامنه آن چند سالی است خودی‌های رژیم را هم در بر گرفته که هر روز شاهد انواع و اقسام اتهامات، جاسوسی، وطن‌فروشی، سندسازی، جوازفروشی دست اندرکاران برای خارج کردن رقبایشان از صحنه هستیم.

ما به این روش عادت کرده‌ایم، اعترافات ساختگی، توبه نامه‌ها، پشیمانی‌های ناشی از شکنجه و دهها مورد ظلم دیگر در اثر تکرار عادی شده است.

کلینی در کتاب مشهورش گفته است:

وقتی با کسی مخالف هستی آبروی او را ببرید که مجبور به ترک شهر و دیار شود...

در تمام نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی چه استبداد مذهبی، چه در نظامهای کمونیستی از این (سلاح) که (اخلاقیات پست است) استفاده می‌کردند تا مخالفین خود را بکوبند و از میدان به در کنند.

به خاطر دارم چون نقطه ضعفی برای کوبیدن دانشمندی چون سید احمد کسروی سراغ نداشتند، کمبود دید چشم او را که بر اثر مطالعه زیاد عینک ذره بینی بر چشم داشت، قبای عثمان کرده و شایع کرده بودند، آن متفکر بزرگ و اندیشمند (فلان کاره) بود و در جوانی ... می‌زده!!

در این دیار به اصطلاح کفر که ما زندگی می‌کنیم زندگی شخصی همه محفوظ و قابل احترام است. بچه‌های سه چهار ساله را می‌بینیم که به تجویز چشم پزشک عینک‌هایی با عدسی‌های ضخیم بر چشم دارند، کدام آخوند باوجدانی است که می‌تواند همان افتراها و مزخرفاتی که برای کوبیدن سید احمد کسروی به کار برد و در مورد این کودکان معصوم بگوید.

کوه ناهموار را هموار کردن سخت نیست حرف ناهموار را هموار کردن مشکل است

این تهمت زدن‌ها از فقر فرهنگی سرچشمه می‌گیرد که لازم است با این (جهل بزرگ) مبارزه گردد. اما چند سالی است که خاطره نویسی جعلی آن هم به سبک مبتذل پاورقی‌نویس‌های دست چندم مطبوعات گذشته که از درد نان و احتمالاً (مواد) به قلم فروشی ارزان قیمت

از میان نامه‌ها، ایمیل‌ها، فکس و تلفن‌های شما



کارشناسانه‌ای در همان چند خط ارائه می‌دهید که ثابت می‌کند واقعاً کارشناس تمام عیار ورزشی هستید. در رابطه با فساد در ورزش ایران هرچه نوشته‌اید ثابت شده است باز هم دست مریزاد.

بیژن معمارزاده، پاریس، فرانسه

چرا قطع کردید؟

از آقای سرابی می‌خواستم بیرسم که چرا مدتی است مانند سابق به اپوزیسیون نمی‌پردازد. باور کنید در شهر لیدز ما تعدادی از ایرانیان به خود می‌بالیدیم که نشریه‌ای برون از واهمه از انگ و برچسب و شجاعانه از همه گروه‌های سیاسی مقاله چاپ می‌کرد اعم از پادشاهی، مجاهدین، کمونیستها. ولی مدتی است دیگر از مقالات و نوشته‌های آقای سرابی درباره اپوزیسیون خبری نیست. امیدواریم کار از جایی مشکل پیدا نکرده باشد؟

رحمان علی آبادی، لیدز، انگلستان

فریاد بر فراز خلیج فارس!

ایام سال نو بود، یکی از دوستانم به سراغم آمد و به من گفت، می‌خواهم با هم یک هفته برویم دویی، به هر حال سفر ما جور شد.

با هواپیما خلیج به دویی رفتیم. در دویی اوضاع و احوال بسیار نسبت به سال‌های قبل تغییر کرده. در آنجا رشد اقتصاد جهانی کاملاً اثراتش نمایان شده. من برای سومین بار بود که از لندن به دویی رفتم. این بار برخلاف دفعات قبل، فرودگاه شهر، هتل‌ها خلوت بود. این نشان از یک خبری داشت. در شهر با دیدن تعطیل شدن فعالیت ساختمان و برج‌های نیمه تمام و همچنین خلوتی خیابان‌ها از توریست‌ها می‌شد وضعیت جدید اقتصاد جهانی را کمی درک کرد. به هر حال در هتلی که من و دوستم بودیم، خلوتی هتل بسیار واضح بود. به قول دوستم انگار به غیر از ما مسافر دیگری نیست!!

حاکمان دویی بایستی از کنسرت گذارها که از آمریکا برای برپایی کنسرت به آنجا آمدند تشکر بکنند.

بدون تردید می‌توان گفت فقط پرواز هواپیماها از ایران به دویی بود که کمی حرکت در آنجا نشان می‌داد. دوستم گفت، قرار است همین روزها چند کنسرت در دویی برپا شود. بیشتر هواپیماها از ایران مشتاقان خواننده‌ها را به اینجا می‌آورند. دوستم با کمی جستجو فهمید کنسرت همین روزهاست و بهاء بلیط هم ۷۰۰ درهم می‌باشد که اگر ۷۰۰ درهم را تبدیل بکنیم حدود ۲۵۰ دلار می‌باشد. همین ۲۵۰ دلارها است که شب‌خیزها و امیرقاسمی‌ها را عاشق دویی و عرب‌ها می‌کند!!!

به هر حال مدت سفر ما به سرآمد و پنجشنبه صبح هتل را به مقصد فرودگاه ترک کردیم. پرواز ما به این صورت بود که از دویی به بحرین می‌رفتیم و در آنجا بعد از یک ساعت با پرواز دیگری به لندن.

به هر حال ماجرا از آنجا شروع شد که ما بر فراز خلیج فارس بودیم که در صفحه پشت صندلی وقتی مسیر پرواز را ترسیم می‌کرد روی قسمت خلیج فارس نوشته بودند خلیج العربی!!!

دوستم با ناراحتی به آن صفحه و نقشه نگاه می‌کرد، در حالی که از شدت ناراحتی صورتش قرمز بود، گفت، بین اوضاع و احوال کشور ما کار را به کجا کشانده که این عرب‌های حاشیه نشین خلیج ما هم به خود اجازه این غلط‌ها را می‌دهند. او بسیار عصبانی شده بود. من سعی می‌کردم کمی او را آرام بکنم. در همین زمان یکی از

آقای سرابی، خیلی مردی

خسته نباشید، دمت گرم، در شماره گذشته مجله رنگارنگ که شما نامه‌ای را درباره خواننده‌ای که برای سفارت خوانده بود چاپ کردید. نشان از آزادمشی و لوطی‌گری شما داشت که بی‌جهت ۳۰ سال سرپا نمانده‌ای و به تأیید نوشته‌های شما در مجله، منافع ملی را بر منافع شخصی ترجیح داده‌ای. نکته‌ای هم به نظرم رسید که شاید بد نباشد که در پاسخ نامه‌ها در مجله شما نظرتان را بنویسید.

قاسم رجبی، فرانکفورت، آلمان

فروشگاه‌های ایرانی و رنگارنگ

مدیر محترم مجله رنگارنگ با سلام،

شاید کمتر به این نکته توجه شده باشد که مجله رنگارنگ نقش عیار مغازه‌داران را در قبال کشورشان معلوم می‌کند. من بیش از ده سال است که مجله رنگارنگ را هر ماه از فروشگاه‌های مختلف ایرانی خریداری می‌کنم و برایم جالب است که صاحبان فروشگاه‌ها با عکس‌العمل‌های خود در ارائه این مجله به خریداران کاملاً می‌توانند مواضع‌شان را تشخیص داد که از توسری‌خوران سانسورچی رژیم هستند یا اینکه احساس مسئولیت در برابر نشریه رادیکال ایرانی هم دارند.

امید خلیل زاد، لندن

تبلیغ خرافات نکنید!

چند وقتی است مجله رنگارنگ را مطالعه می‌کنم. سوالی که ذهن مرا مشغول کرده است شیوه مطلب چینی این مجله است که به شکل باورنکردنی خواننده را به هر سو می‌کشاند. مطالب جامع سیاسی، تجزیه، تحلیل‌های ناب روشنگرانه، ولی بناگاه به صفحات فال و جوک، آرایش و زیبایی هم می‌رسد که از همه بدتر فال است که رواج و گسترش تبلیغ خرافاتی را به دنبال دارد. امیدوارم از انتقاد من دلگیر نشوید ولی توقع من به عنوان خواننده نشریه‌ای که وزین و پرتار و متعهد و مسئول نشان می‌دهد بعضی صفحات توی ذوق می‌زند.

منیژه از استکهلم سوئد

بیشتر از همه آگهی دارید

مجله رنگارنگ را که ورق می‌زنی بیشتر از هر مجله یا روزنامه دیگری آگهی دارد ولی نمی‌دانم چرا آقای سرابی همیشه می‌نالد. شاید این هم یک تاکتیک ننه من غریب می‌باشد.

مهناز از لندن، انگلستان

سهمیه برلین را بیشتر کنید

وقتی برای خرید مجله رنگارنگ چند جایی که در برلین این مجله را توزیع می‌کنند سری می‌زنم، گاه اتفاقی می‌افتد که می‌گویند تمام شده. اگر امکان دارد سهمیه فروشگاه‌های شهر برلین را بیشتر کنید.

بهار از برلین، آلمان

واقعاً کارشناس هستید.

مدتهاست مجله رنگارنگ را از فروشگاه‌های در خیابان پانزدهم پاریس می‌خرم. با اینکه واقعاً درباره ورزش صفحات کمی دارید ولی دست مریزاد، چنان نوشته‌های

است و سالهاست که آلوده این کار است و از مواد مخدر هم استفاده می‌کند و وحشتناکتر از همه سالهای همسر انگلیسی هم داشته و صاحب دو فرزند ۱۸ و ۱۶ ساله هم هست. مستاصل و بیچاره شدم و نمی‌دانم چه خاکی بسم بریزم. از طرفی با دروغهای ساختگی سیروس که مرا وادار کرد بیش از چهارصد هزار پوند از پدرم تقاضای قرض کنم به بهانه اینکه سیروس می‌خواهد خانه بزرگ و گرانتر بخرد و به اسم من کند برای آینده‌مان و فرزندمان! مشکل اقامت و ویزا هم دارم چون هنوز مراحل قانونی ازدواجمان را طی نکرده‌ایم و از آنجا راده و از اینجا مانده شده‌ام و تنها راهی که برایم باقی مانده است خودکشی است. که شاید از این سیاهچال نکبت بار زندگی فعلی فرار کنم. سیروس نه رستورانی دارد نه خانهای در کار است و هر آنچه را گفته بود دروغ محض بود. وقتی به یاد پدر و مادرم می‌افتم که با چه امید و آرزویی مرا به دست این ناجوانمرد سپردند دلم آتش می‌گیرد. شاید کمک خواستن از شما یا خوانندگان مجله شما، عجیب به نظر برسد ولی به خدا درمانده و مستاصل و بیچاره شده‌ام و هر لحظه بیشتر به مرگ فکر می‌کنم. تمام گناهان را به گردن می‌گیرم که چنین ساده و ابلهانه تن به قضا و قدر دادم و زندگیم را فنا کردم.

مجله رنگارنگ: به راستی چه توصیه‌ای یا راهنمایی می‌توان به این هموطن کرد؟
متأسفانه آدرس یا تلفنی برای تماس با ایشان در نامه‌شان نبوده، ولی امیدواریم ایشان چنانچه مجله رنگارنگ را دریافت می‌کنند که صد البته اتفاقی برایشان نیفتاده باشد با دفتر مجله تماس بگیرند و با افراد صاحب تخصص و آگاه در زمینه‌های امدادهای اجتماعی ارتباط برقرار سازند و همچنین از خوانندگان خود هم می‌خواهیم چنانچه در شرایط مشابه این خانم بودند چه می‌کردند؟

**توصیه‌ها و راهنمایی‌های خود را
برای ما با نامه، ایمیل یا فاکس
و تلفن در میان بگذارند.**

**P.O.Box 2821
London NW2 1DS**

RANGARANG_LONDON@HOTMAIL.COM

TEL: 02087319333

FAX: 02082019823

ارزش این را داشت.

به امید آن روزی که همه ما ایرانی‌ها نسبت به وطن و هموطن خود احساس مسئولیت بکنیم.

زنده باد ایران، زنده باد مردم ایران
برقرار باد نام خلیج همیشه فارس

خودم را خواهم کشت!

نمی‌دانم شاید جدی نگیرید، شاید هم بگوئید این از بازی‌های مطبوعاتی است. هر جور دلان می‌خواهد فکر کنید. ولی فقط یک لحظه خود را جای من بگذارید و قضاوت کنید که هرکس جای من بود راه حلی غیر از خودکشی در جلوش قرار داشت؟

۵ سال پیش در ایران در رشته معماری فارغ التحصیل شدم. پدرم یک شرکت بزرگ و بسیار موفق راه و ساختمان در ایران دارد و از نظر مالی و اقتصادی کوچکترین کمبودی نداشته‌ام شاید تنها مشکل من در ایران خواستگاران فراوانی بود که واقعاً پاشنه در خانه ما را کنده بودند. ولی به خاطر تحصیلاتم حتی به دیدن خواستگاری هم رغبت نشان نمی‌دادم. تا اینکه ۵ سال پیش سیروس به ایران آمد. او پسر دایی من بود و ۲۵ سال در انگلستان زندگی کرده بود و گس از این همه سال به ایران بر می‌گشت. او حتی در مرگ پدرش هم که برادر مادر من بود، به ایران نیامده بود. مادرم و خانواده مادر سیروس از او چون قهرمان جنگی استقبال کردند و چنان سیروس، سیروس می‌کردند که آدم تصور می‌کرد او از سیاره‌ای دیگر به زمین آمد است. سیروس حدود ۴۸ سال داشت و شکل و قیافه و ظاهرش دلچسب و جذاب بود و می‌گفت که در لندن و یکی دیگر از شهرهای انگلستان دو تا رستوران دارد و صاحب چندین خانه و درآمد بسیار چشمگیری است. مادرم و مادر سیروس با یکدیگر توافق کردند که شرایطی فراهم کنند که من و سیروس با هم ازدواج کنیم چون سیروس تنها فرزند خانواده دایی بود و این ازدواج فامیلی باعث حفظ سنن و پیشینه خانوادگی می‌شد.

خودم هم نفهمیدم چی شد؟ و چه اتفاقی افتاد؟ فقط زمانی به خودم آمدم که پای سفره عقد نشسته‌ام و به له را گفتم. داستان را کوتاه کنم. پس از چند هفته بعد از ازدواجمان با سیروس به لندن آمدم تا رویاهای طلایی و امیدهای شیرین آینده‌ام جامه عمل بپوشاند.

یکمی، دوماه اول همه چیز خوب بود و سیروس همه وقت با من بود و فقط چند ساعتی بیرون می‌رفت که سری به رستوران بزند. ولی به تدریج رویه و اخلاق او عوض شد. همیشه عصبی و بداخلاق بود. شبها دیر می‌خوابید و روزها دیر بیدار می‌شد. و در پاسخ سوالات من اوایل با بیحوصلگی و اواخر با خشونت و حتی کتک زدن عکس‌العمل نشان می‌داد. زندگی حیایی من در کمتر از چند ماه بهم ریخت. سیروس فقط زمانی که به پول احتیاج داشت با من مهربان می‌شد و مرا وادار می‌کرد به دلایل ساختگی از پدرم پول بگیرم. تا اینکه به وسیله همسر یکی از دوستان سیروس که با او در لندن آشنا شده بودم همه چیز را فهمیدم که سیروس قمارباز

مهماندارها که جوان بحرینی بود از بغل ما در حال رد شدن بود که دوستم با عصبانیت او را به سمت خود فراخواند. دوستم به او نقشه را نشان داد و با عصبانیت گفت، اینجا چرا به جای خلیج فارس نوشته شده خلیج العربی. مهماندار هم گفت این خلیج عربی است. دوستم با ناراحتی گفت احمق این خلیج فارس ماست. کم کم بحث آنها به آنجا کشیده شد که دوستم به او گفت کشور بحرین شما چند دهه قبل یکی از استان‌های ما ایران بود که با سیاست استعمار و بی‌لیاقتی وقت استعمار توانست از این استان ما کشور بحرین را درست بکند. دوستم به او گفت می‌دانی چرا؟ او گفت، نه تو بگو چرا؟

دوستم گفت: استعمار برای بلعیدن و کنترل کشورهای بزرگ یکی از طرح‌هایش این بود که از یک کشور چند کشور درست بکند. برای نمونه هند را می‌گویم از یک هند، پاکستان، بنگلادش، پنجاب، و... درآورد. تا بهتر طرحهای خود را به جلو ببرد.

مهماندار در حالی که عصبانی شده به پشت کابین هواپیما رفت و پیدایش نشد تا لحظه‌ای که ما به فرودگاه رسیدیم. برای رفتن به پرواز بعدی که از درب هواپیما بیرون آمدم تعداد زیادی پلیس در آنجا بودند. در همین لحظه که دوستم هم پشت سر من بود همان مهماندار هواپیما به پلیس گفت این، او به سمت دوست من اشاره کرد. دور ما را پلیس‌ها گرفتند و گفتند با شما کار داریم.

به هر حال چند مامور جلو ما و چند تا پشت سر ما به حرکت به سمت دفتر برای بازجویی.

بعد از حدود ده دقیقه پیاده روی، به دفتر پلیس‌های فرودگاه رسیدیم. در آنجا یکی از مامورین به من گفت با تو کاری نداریم. مهماندار فقط از دوست شما شکایت دارد. من به آنها گفتم ما با هم هستیم. به هر روی آنها دوستم را برای بازجویی به اتاقی بردند. بعد از حدود نیم ساعت او را رها کردند و به سمت پرواز بعد که چند دقیقه دیگر به سمت لندن پرواز می‌کرد رفتیم. در آنجا مسافره‌های ایرانی زیاد بودند که آنها در همان پرواز ما بودند. هیچ یک از آنها نه حرفی و نه عملی به حمایت ما انجام ندادند. اصلاً سؤالی هم نکردند که مشکل چی بود!!

قبل از اینکه درباره پروازهای بعدی بگویم بگذارید درباره بازجویی از دوستم بگویم. دوستم به من گفت: بحرین‌ها با زبان فارسی از من بازجویی می‌کردند. آنها از این بیشتر ناراحت شدند که چرا من گفتم بحرین قسمتی از خاک ایران بوده. من همان حرفهایی که به مهماندار زدم برای آنها تکرار کردم.

بعد از رهائی از فرودگاه بحرین، سوار هواپیمای بعدی شدیم. که آن هم متعلق به الخلیج بحرین بود. جالب اینکه وقتی من و دوستم بغل هم نشسته بودیم، صفحه پشت صندلی را نگاه می‌کردیم که مسیر پرواز را نشان می‌داد. این بار به جای استفاده از کلمه خلیج عربی نوشته بود خلیج فارس، دوستم نگاه به من کرد. توجه مرا به نقشه و خلیج همیشه فارس جلب کرد.

او در حالی که می‌خندید، گفت کمی اذیت شدیم ولی

فال ماه شما



فروردین



طی ماههای آینده دوستان زیادی خواهید یافت. دوربین و یا آلات موسیقی میتواند خلاقیت شما را بیشتر کند. کم کم تکنیک های جدید را بیاموزید تا بتوانید کارگاهی برای خود درست کنید. علاوه بر مشتاق، سعی کنید دقت خود را بالا ببرید. قبل از قبول تعهدات سنگین، سعی کنید به طور مقطعی کار انجام دهید. در روابط عاطفی، کمی بیشتر به طرف مقابل علاقه نشان دهید!

اردیبهشت



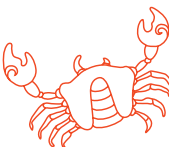
کار زیاد و نداشتن تفریح، شما را تبدیل به ماشین کوکی کرده است! برنامه ریزی برای ایام تعطیل، باعث توازن در زندگی شما خواهد شد. برای آخر هفته های آتی، برنامه مسافرت داشته باشید. اگر تفریح داشته باشید، کار نیز برایتان لذت بخش خواهد بود. باید مراقب اوضاع مالی باشید. بهتر است امور مالی را به حسابدار دقیق بسپارید تا بودجه را در جهت صحیح آن برنامه ریزی نماید. در کار شریکی پیدا خواهید کرد و برای تقسیم سهام حتما به شریک نیاز دارید.

خرداد



از خواب بهاری بیدار شوید! این ماه برای شما انرژی زیادی خواهد آورد از آن نهایت استفاده را ببرید ایده های راکد را باید به کار بگیرید. با فردی برای شروع کار مشورت کنید، هرگز ریسک نکنید و با درایت پیش بروید. ورزش کنید می توانید رژیم جدید را این از این ماه اجرا کنید. اگر سلامت باشید، فکرتان نیز درست کار خواهد کرد

تیر



این ماه برای شما فوق العاده خواهد بود. بعضی افکار قدیمی در مورد زندگی و مسائل عاطفی را دور بریزید. به این فکر کنید که دوستان جدید، کارهای جدید و یا چه تعهداتی را به دست آورده اید؟ هرگز خود را سرزنش نکنید، سعی کنید با احساسات بد خداحافظی کنید. برای ادامه راه، کلیدهایی خواهید یافت. مجردین این ماه، ارتباطات جدید که منجر به شروع زندگی خواهد شد را ادامه دهید

مرداد



با مشاوره، برای حل مشکلات خود راههای جدیدی خواهید یافت، که بتوانید زندگی را با آنها لذت بخش تر کنید. غرور را زیر پا بگذارید و بپذیرید که جواب این سوالات را خودتان نیدانید. بخواهید که شخصی از شما حمایت کند. اگر به دنبال کار جدیدی هستید، طی چند هفته آینده از طرف شرکت بزرگی به همکاری دعوت خواهید شد. حواستان جمع باشد!

شهریور



به اهداف بزرگ خود در این هفته نزدیک میشوید. آیا با توجه به انجام این پروژه ها، وقتی برای تفریح خواهید داشت؟ باید برای انجام این کارها، همراهان خوبی داشته باشید. ظاهری آراسته و مجلل از خود برای دیگران بسازید. اگر برای خود شرکتی دارید، باید کارت ویزیت، سربرگ، لوگو و بسته بندی های جدید طراحی کنید. تا شش ماه آینده به هدف اصلی زندگی خود نزدیک میشوید.

مهر



دوراندیش باشید. عادات خوب را پرورش داده و از هرگونه عادت بد قدیمی رهایی پیدا کنید، با کمی دقت می توانید عیوب خود را بیابید. صداقت یکی از خصلت های فوق العاده شماست. اگر با پیشامدهای روزگار خود موافق نباشید، هرچه زودتر اقدام کنید. دیگران باید از شما حمایت کنند

آبان

جذایت شما بیش از پیش خواهد شد. چرا دیگران به شما خیره شده اند؟! چون شما مثل مغناطیس آنها را سمت خود می کشید. با دلگرمی به کارهایتان ادامه دهید. اگر استعداد و یا فکری برای شروع تجارت دارید، دست بکار شوید چون بهترین زمان برای شروع حالاست!



آذر

عدد دو، عدد جادویی شماست. ماه آینده بهترین زمان برای شروع کار شراکتی است. با افرادی همکاری کنید مکمل شما باشند، در غیر این صورت برای شما مثل آینه در مقابلتان عمل خواهند کرد. مشکلات خیلی چیزها به شما یاد می دهند. ماه آینده می توانید روابط عاطفی را بهتر از قبل پیش ببرید. باید بیشتر به اوقات فراغت پردازید.



دی

سرو سامان دادن به امور یکی از خصوصیات متولدین دی ماه است. ساختارهایی برای زندگی خود تعریف می کنید، همانطور که برای کار برنامه ریزی می کنید برای تفریح نیز همین طور باشید. با دوستان برنامه آخر هفته بگذارید. گامهای بلند برای سلامتی بردارید و تغییراتی در تغذیه خود دهید.



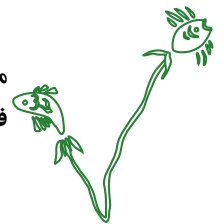
بهمن

ماه آینده بهترین ماه سال برای شماست و اقتدار دست شماست. خلاقیت داشته باشید. برای زندگی رمانتیک بیش از پیش جسارت خواهید داشت. در روابط عاطفی سردی و خشکی را کنار بگذارید و احساسات را بیان کنید. باید بیشتر به فکر ازدواج باشید. میتوانید کلاس آموزشی از آنچه میدانید برای دوستان خود ترتیب دهید.



اسفند

مهمانی در منزل خود ترتیب دهید. برای تغییر روحیه دکوراسیون منزل را تغییر دهید و رنگ روشن برای اتاقها استفاده کنید. اوقات فراغت را به باغبانی، آشپزی و کارهای دستی پردازید.



دعوت به همکاری «استخدام» در مجله رنگارنگ

مجله رنگارنگ جهت تکمیل کادر خود در کشورهای آلمان، فرانسه، اسپانیا و

انگلستان افراد ذیل را به همکاری دعوت می نماید.

1- خبرنگار در زمینه های هنری، فرهنگی، ورزش، سیاسی

2 - بازاریاب جهت فروش آگهی

3 - طراح «صفحه بند»

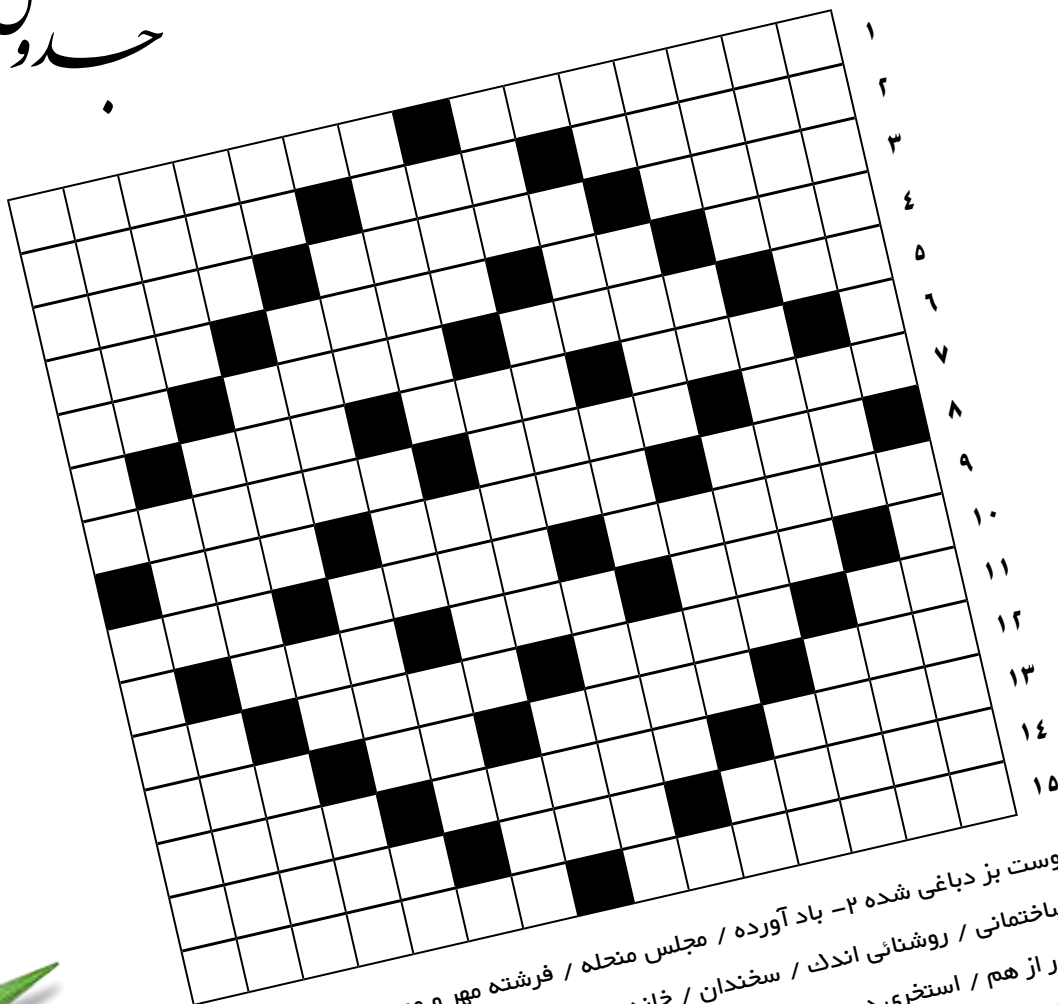
4 - تکمیل وب سایت

علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با دفتر مرکزی مجله رنگارنگ در لندن تماس حاصل نمایند.

از انگلستان 02087319333

از کشورهای دیگر 0044 208731933

حد و کلمات



افقی :

- ۱- از آثار «چوبک» / پوست بز دباغی شده ۲- باد آورده / مجلس منحل / فرشته مهر و محبت ۳- ثروتمند / شریک غم و غصه / از خنده می روند ۴- از مصالح ساختمانی / روشنائی اندک / سخندان / خانه و اسباب خانه ۵- فرمان اتومبیل / دعای شب جمعه / کبوتر محرائی / یکدندگی ۶- جدا و دور از هم / استخری در حمام / شتر بارکش ۷- ابوالبشر / از حیوانات بارکش / کاشف میکروب ۸- زنگ و حيله گر / نقره گون / قسمتی از پا ۹- پر افاده و متظاهر / دو رگه / نوعی شانه ۱۰- صف و قطار / رشته کوه آمریکائی / شهر بی قانون ۱۱- گاه تاریکی / ماه نو / از جزایر ایرانی / مادر عرب ۱۲- دلیر و پهلوان / بهره مندی / تکه و پاره چیزی / بسیار راه روند ۱۳- دوستی و محبت / فرمانروائی / پرچم ۱۴- مددکار / نوعی یقه / واحد پول عراق ۱۵- خالق «دون کیشوت» / آگاه از رنج و غم دیگران
- عمودی :**
- ۱- از آثار «هرمان هسه» / خطاب ۲- فرزند ناخلف / برداشت محصول / ناخفته ۳- مالیات مرزی / جانور نسوز / همراه پشتک ۴- خوشی و خرمی / استخوان سینه / زنگ کاروان ۵- خدای سنگی / سین مکیدنی / زمان دادنی / رودی در فرانسه ۶- جواب های / پسوند شباهت / از حروف استثناء ۷- درس کشیدنی / جوانمرد و باغیرت / درخواست بازاری و فروتنی ۸- آواز غیبی / آرزوی بزرگ / عیب و ننگ ۹- ماهی کنسروی / دوست بی ریا / نهر بسیار بزرگ ۱۰- کشت به امید باران / سخن حکمت آموز / ابزار کار ۱۱- ظرف سرکه / بلندی / آوازه / وحشی و درنده ۱۲- ماه کشنده / بنیانگذار / حرف پوست کنده / تظاهر به نیکوئی ۱۳- پدرمرده / نوشتن / دریائی در اروپا ۱۴- فرستادن / سنگینی / خانه پرنده ۱۵- بی قاعده / جزیره اندونزی .



Aquarius: The Sun in quick-talking Gemini is in the house of creative pursuits and you, who always hears the beat of a different drum, come up with a way to revitalize one of your brainchildren. The message you hear loud and clear is that opportunity is knocking. Your enthusiasm is contagious and those around you are catching some of your fire and their own latent dreams are stimulated. The springtime turning into summer moves the temperature up on the achievement barometer a notch or two. With Jupiter and Neptune expanding your personality the glow around you lights up any room you enter.



Pisces: You and a new pal you've been quietly spending time with could put a short getaway on the agenda this month and the air of secrecy around the friendship lends to the excitement. Meanwhile, with the Sun shining its rays on the place you call home, you could feel inclined to have a few people in and a good friend confides in you. Although you are loyal when it comes to keeping things quiet, with quick-talking Mercury in the house of light chatter you could unintentionally let the proverbial cat out of the bag. Your ability to be loyal to a friend and keep your own private life exciting could be a juggling act this month.



Aries: This month no matter what the venture or adventure, you will want to be the first to make the proposal. The dreams you dream will be magic carpet dreams, and you embark on a journey of seemingly large proportion. With the Sun in fast-talking Gemini and your Aries enthusiasm, you can get a following for whatever plan you want to launch and those followers will include your gang of pals. Your buddies know about your ability and talent for turning a dream or scheme into a profit-making venture and are cheering for you. There is much potential this month, but at the very least, June provides a month of positive expectation spiced with challenge and excitement.



Taurus: Your career, whether soaring or suffering from the current economic downfall, benefits if you keep an eye on opportunities that arise. Pay attention to that small voice that is whispering in your ear, Taurus. With the Full Moon falling into the house of other people's money this month, you could see an increase in cash flow. This is possibly through a raise in salary, a small inheritance, or you hit lucky numbers even though you seldom purchase a lottery ticket. The financially savvy Taurus is always looking for love as well as money and there could be a behind closed-door encounter with a certain someone that causes your heart to beat faster.



Gemini: Those Gemini natives who may have been thinking that life is a bit too challenging lately are in for a surprise. In June the Sun is shining on your personality and you could do the kind of talking that enhances the way the public views you and it does boost your confidence. June's planetary setup could bring an innovative opportunity and you want to share that opportunity with your pals. There is so much enthusiasm in the air that you should beware impulsive moves. Oh, and there also could be an exotic stranger making an appearance in your life, a stranger who charms you into calling on new resources and spicing up what previously was routine romantic behavior.



Cancer: Your deep spiritual side works overtime this month as you let go of any grudges you may have been secretly harboring. The spotlight is on you, thanks to energetic Venus in Aries, and you are attracting new people into your life. This month you are projecting loud and clear those qualities that everyone seeks out in a best friend. The red planet, Mars, is heating up that area of the life having to do with tried and true pals and also plays a role in your social activities that are for the most part all behind closed doors. It's no secret you like one-on-one friendships and the month is crammed with those kinds of intimate engagements.



Leo: Your creative juices are flowing, Leo, and you have enough faith in your ideas that you are literally pushed out of your comfort zone and begin work on your latest brainchild. Whether it's your career, a longtime goal, or a romantic interest, new faces could stand in the way of working on this project as you will get extra and special attention from the public this month. The innovative Sun in Gemini spurs your creativity and you may have to turn your back on a few party invites. At the New Moon later in the month, you may want to sequester yourself away from the crowd in order to do what you deem necessary to realize your dreams.



Virgo: This month with your own politically correct demeanor and the Sun beaming its hot rays on your public life, you are your own best public relations person. Venus the planet of both money and love is in a financial house and it could be there is a goal that you see within your grasp. Toss the aggressive Mars energy and fast-talking Mercury into the mix and there you come face-to-face with that fork in the road that could turn your life right-side up. June could be a defining month in your career. Your destiny is in your hands and in your speech at this time, Virgo.



Libra: The Full Moon in Sagittarius early in the month inspires deep conversations and you, Libra, are one of the great debaters among the signs of the Zodiac. You'll want to explore philosophical ideas with the Sun in the house of strong curiosity and faraway places. You could get so carried away that you plan a spontaneous journey, if not actually a physical trip, it will be a soul-searching spiritual journey. With Jupiter and Neptune in the mix, what seemed to be a fantasy becomes real and before you know it, you could be packing your bags. Whether traveling alone or with another, it is a journey that could fast become a thrilling adventure.



Scorpio: The Sun is the star that represents you and your personal style and it beams its light on both your finances and intimate love. You are focused on monies coming in and also on private time with a special someone. There is electricity in the air and your vibrations are akin to a mating call, bringing in those new funds or attracting like-minded souls into your life. Jupiter and Neptune traveling together bring the action to your own four walls, whether you are spending your time day trading at your computer, or having a tête-à-tête with that special someone; home is where the heart is this month.



Sagittarius: The Full Moon early in the month could bring in someone who perhaps inadvertently rains on your parade. Your runaway enthusiasm sometimes annoys the less buoyant spirit of a friend or possibly this friend is really an enemy in disguise. With Jupiter and Neptune working their magic in the area of small talk you can convert this person to your way of thinking without too much trouble. This issue may be played out at the place of your employment. It isn't big news that Sagittarians need to watch their backs on the job and this month is not an exception, but as usual you do overcome any adversity and in the long run you are the winner.



Capricorn: Your steady determination to be successful in all areas of life is brought out into the open this month as pals notice a change in your routine. How you live your daily life could be up for discussion among your friends whether or not you are present, and there are more indications that change is on the horizon. As though you were damp clay being reshaped, they can see a difference in the way you present yourself to the world. You could also be more possessive this month. Whether it's love or money (do we want to possess anything else?), you could be talking of exchanging or sharing resources this month.

SHOPPING FOR YOU

**We have chosen the best, cheapest and most reliable
for you from all over the Europe.**

The key to the European market is in your hand with Rangarang.

You will find whatever you are looking for, in this magazine, selling or buying.
If you are going to buy villas, apartments, shops and offices, everywhere you are in Europe
if you are buying, or if you are looking for the cheapest air tickets to everywhere in the world
you can find it in the Rangarang.

Are you looking for different styles in jewellery?

looking for the most beautiful wedding outfits?

Do you wish to invest in the European countries?

Do you want to find the best plastic surgeons?

If you need experienced consultants or lawyers,

Rangarang magazine is your guide in the whole of Europe.

0044 208 731 9333





**SOUTH
SPAIN IN
SUPPORT OF
PROTESTS IN
IRAN**



PHOTOS: FARID

YES WE CAN CHANGE THINGS



I'm a girl in my twenties who has since childhood lived outside of my mother home IRAN, the reason for this is:

30 years ago an evil,controlling,brutal regime took over my country and has denied me to be able to live or ever wish to return back to my once beautifull,peaceful,country IRAN.

This regime or out of control ANIMALS as I see them have not only destroyed my country however also destroyed millions of Iranian people's lives by making us all leave our country and immigrate to all over the world in order to just be able to have a normal life and to be able to live without dictatorship. I however see a glimmer of light now in this present situation that is happening both in Iran and all over the world with all the demonstrations taking place that hopefully this will be the breaking of a cruel and destroying regime after 30 years.

I believe that YES WE CAN

CHANGE THINGS and get back what is rightfully ours which is our mother land IRAN. I believe that when we as in all the millions or Iranians across the world fight on to show that we no longer accept or will tolerate this regime that they (the regime) will finally step down and admit defeat as only they can do.

I urge all you readers whom are reading this to not let go of hope that you will gain back your country,independence,freedom

and what was once a normal life back in our own country when we stick together and fight on strong to prove that this will be the final end to this inhumanity. YES WE CAN ALL MAKE THIS CHANGE HAPPEN IF WE CARRY ON BEING STRONG AND FIGHTING TOGETHER TO GAIN BACK WHAT IS RIGHTFULLY OURS!

IRAN is one of the first empires to exist and not only was it one of the beautiful countries but also a country that has provided the rest of the world some of the finest things created to date.

It's for this reason that we need to gain this back as each minute that this brutal regime is in place all the above things are being destroyed!

So I finish my section in saying that please believe and fight on for what is ours and let's get back our dream which is to regain our country, dignity, and rights.



Who is next



Every minute a star is born, why wouldn't it be you?

Our world is like a small village where everyday, the distance is decreasing and communication is improved by technology. Satellite, internet and publications are the means of connection between the people of the world. The companies, who provide the international TV programmes like Big Brothers, X Factors, Talent Shows and tens of other programmes which are the same in Europe and America, similarly are made in other continents like Asia and Africa. These programmes are broadcasted into the homes of millions of people and the chances of every talent in every corner of the world to be easily discovered and introduced to the world have improved.

Those who have talents in sport, fashion, music, cinema, economy, politic, medicine and... all would be discovered. It is the mass communication and advertisement that are the reason for the discoveries of these talents.

Rangarang magazine is an international window that aims to provide interesting topics in every field of interest for its reader in every issue so that you can read and see the news, including ranges of other topics.



The world of fashion captured by the Iranian youth & All

Rangarang the originator of a new movement

Good news for those who want to be a model

Today, the world of fashion is even more active than cinema and music. In this world where the term of the appearance of the models on the stage is short, the Iranian girls have been able to find a special place for themselves. Yasamin Parvaneh, one of the most expensive models who is married to famous singer Lee penn is one of the pioneers. Behnaz Sarrafpour is a great designer competing with the world's greatest artists. We are also witnessing the presence of the Iranian youth generation in the world of fashion whose biographies and photos are found in different accredited magazines.

Do you know the world of fashion?

These days the fashion market is getting warmer day by day. Over hundred years the world of fashion has created a great amount of profit for the market as well as the designers and producers. Both the supplier and the consumer have been benefited.

Designers and producers equally need advertising to introduce and sell their products. On the other hand consumers need to know as much about the new products and designs for best value of their money. Consumers will be able to choose the best for their taste. Advertisement in a professional and suitable way can introduce new ideas and designs to the consumer. Advertising goods such as cosmetics, clothings, jewelleryes, bags and shoes according to the latest designs and trend of the society can be so useful in giving the society information on the best and latest fashion. Iranian artists along with other world class designers have a big share in presenting new ideas, thoughts and designs to the world.

Rangarang is the pioneer of a new movement in the Iranian society for promotion of new fashions. All Iranian designers and producers of cosmetic material, clothing and jewelleryes are invited to take part in this movement and send us their ideas, suggestions and thoughts. All interested Iranian young girls and boys who categorize themselves as under are also invited to contact us for tests and photos for the archive of the magazine.

Rangarang has registered the first certified fashion agency as HANAA FASHION in England. Those interested may contact us on 02087319333 for more information.



WHAT WILL HAPPEN TO GLOBAL VILLAGE?

Today the entire world with its 5 continents is called Global village.

Technology and internet has been able to connect the people in every corner of the world and with clicking a key find, all what is happening in the world.

But what today is obvious in America and Europe, is the presence of millions of immigrants from different continents of Asia and Africa which has changed the European countries such as England, Germany, France, Spain, Italy, Sweden, Denmark and Holland. This presence has caused difference in culture and society to the European, the result of this presence is a multi-culture society, and we can see this effect especially in younger generation's which those who cannot read and write and speak in their mother languages. Multi-culturing and inclina-

tion of the new generation has caused the change and coarseness in the society especially in the younger generation.

Youth with differences in race, culture and religion has been together largely and we can see an invisible defiance and war that affect each other. Asian and African with their own culture and tradition and their rigid family customs beside the free culture of Europe with their democracy, both has made an uncertain panorama, which has caused the biggest worries for the family (both European and immigrants).

We would like to invite you, the dear readers that if you have any opinion and views about this matter, send it to us and we would publish it so the other readers know about this topic.

GATES TO CIVILISATION

Iran is a country commonly described as the 'Gates to Civilisation'. 2500 years ago, the Kings of Iran were powerful, ruling the majority of the world. They introduced the first constitution of human rights which was the basis of freedom and democracy. When they captured and invaded a country, they gave power to a person who was voted in favour of the people of that country. On top of this, those people had freedom in choosing their religion, language and their traditions. The constitution of human rights was written by the Iranian King, Cyrus, more than 2500 years ago and now is used as the basis of democracy and freedom in the United Nations. But now, the country of Iran has been ruled for more than 30 years with a new government that have introduced a new face to the Iranian culture to the world through God and Islam and this has been the reason for embarrassment of the true Iranian people. This current regime has executed more than 200,000 of their opposition because of their political view against this regime during the last 30 years. Hundreds of women and men have been stoned to death because of their relationships, lots of people have been executed for the most absurd reasons. Their fingers, hands, eyes have been cut off and removed. All this has been done in the name of Islam and the Quran.

Iranian women who should have freedom in what they wear, equal jobs opportunities and have good, respectable positions in society have now been forced to wear a Hijab, Chador and uniform for working and they have been restricted in doing the jobs they most desire.

The regime of Iran is spending the money belonging to the people of the country and giving this to the other countries in support of the Regime when 90 per cent of country is suffering poverty and the effects of a downward spiralling economy.

Some of those who have immigrated and are getting some preferences from this regime are acting their role as representatives for this government trying their best to show a positive side to this regime. However, the statistics show another harsh reality the regime has caused, Drug addiction, prostitution, unsafe society, public executions in cities and streets, construction of new prisons, patrolling the streets and public places by security guards for controlling the unhappy (discontent) Iranian people which clearly show that this is a regime based on dictatorship and inhumanity.





Polo House Restaurant & Club

Polo house is the newest stylish and chic wine bar, restaurant and club.

This event was yet another "invitation only" party which was packed with a lot of celebrities like the founder of the fair "Luxury please" in Vienna GERHARD KRISPEL business partner of GERHARD SCHEUTZ.

This was yet another very delightful and special evening for all guests that attended as they were once again spoilt with the finest French Champagne by the owner JAMES HEWITT.

Marbella Garden Furniture



This was organised by the owner DENISE, who had set out a beautiful layout of all her new high quality, light weighing garden furniture (a must have in this scorching heat for all homes). There were many beautiful people who attended the event which was a cocktail gathering on a lovely sunny day in the surroundings of the shop located in Marbella.



Playas del Duque Spa & Beauty Centre

This newly renovated well established spa and beauty centre from Playas del Duque invited the top people of the town hall along with many selected guests to their lovely re-opening.



VTA 3 Gallery

The exhibition was by one of the best known Spanish Artists CARMEN VERELA & ROBERTO REULA.

There were over 200 people who attended this beautiful cocktail event.



Nobilis Gallery

Nobilis organised a very special event for very selected artists whom are currently living in Marbella.

Celebrities such as OSCAR HORATIO HOLTZECKER and BO & LOTTA KURE attended this special event along with the owner of the longest and well established Real Estate PANORAMA in Marbella CHRIS CLOVER as well as the minister of tourism JOSE LUIS HERNANDEZ GARCIA.



Barbara Weber Couture
international fashion designer

Tel: 0034 630 166 189



PEOPLE AND FASHION

BY BARBARA WEBER COUTURE

Marbella is one of the most captivising places in the world, Attracting a diversity of BEAUTIFUL PEOPLE.

who come to enjoy the unique climate, superb golf courses, international cuisine, luxury hotels, exclusive nightlife and of course beautiful shops with the most high class brands for interior and fashion.

My name is Barbara; I am always looking for BEAUTY. If you want to be mesmerized come to Marbella.

The mixture of cultures and influences has created a dynamic and cosmopolitan city, making it one of the most desirable destinations in the world.



Photos: Phil Coe



Da Bruno Ristorante

Da Bruno is one of the most beautiful and well known Italian restaurants in Marbella. At this event they were introducing the song MARBELLA MARBELLA, by interpret Dario Poli.

The event featured a well known singer on the coast by the name of YANELLA There were more than 300 glamorous guests by invitation.



Photos: Tilmann Roemer

Sol i luna

Sol i luna is one of the most beautiful restaurants in the city. There stunning and beautiful surroundings were the place for their exhibition of THE NIGHT OF DIAMONDS. PERLBERGER & HART presented their extraordinary diamond and jewellery collection. this was another "invitation only" event. Celebrity guest was JENNY GUCCI



Photo: Phil Coe



Photo: Gary Edwards



Photo: Mugga

Novelli's Restaurant & Locrimar Hotel

JEAN CHRISTOPHE NOVELLI has launched the newest and most exciting restaurant to add to the ever growing international cuisines available in Marbella.

Novelli is an award winning international michelin star chef offering the very best class of cuisine. The guests who attended this event were spoilt with the finest champagne and delicious canapés.



This is the best opportunity

This is the best opportunity for business owners to sent their advertisements to ten thousands of people and be connected to new markets which each market has its own costumers.

Your advertisement would be offered and presented to the ten thousands of new costumers.

Extending the contracts and continuous of advertisements shows that the business owners are pleased with their business with this magazine.

And show their happiness with continuing their contracts.

Our advice to the business owners is to try this magazine with giving their advertises and seeing the good results, then they will be so pleased and join the other business owners.

We will be waiting for your contact or try to find you and encourage you to be present in this international magazine with a huge circulation and history of 22 years of published.

RANGARANG OFFICES IN EUROPE

GERMANY : 0049 173 600 95 40 (MR. ASEFI)

SPAIN:0034 63 79 87 009 (MISS HANNAH)

FRANCE:0033 64754 88 16 (MR. MOTAGHIAN)

ENGLAND (MAIN OFFICE):0044 8731 93 33

WEB: WWW.RANGARANG.CO.UK

EMAIL: RANGARANG_LONDON@HOTMAIL.COM

POBOX 2821, LONDON NW2 1DS UNITED KINGDOM



بهترین قیمت‌های
گارانتی شده به
تهران و ایران



Qatar Airways
To Tehran
£335
Including Tax and Charges

Qatar Airways
To Mashad
£335
Including Tax and Charges

bmi
To Tehran
£415
Including Tax and Charges

Emirates
To Tehran
£365
Including Tax and Charges

Turkish Airlines
To Tehran &
Tabriz
£395
Including Tax and Charges

Iran Air
To Tehran
£466
Including Tax and Charges

Gulf Air
To Shiraz
£365
Including Tax and Charges

Gulf Air
To Tehran
£365
Including Tax and Charges

Business Class
To Tehran
fr £989
Including Tax and Charges

با تماس تلفنی خود یا از طریق اینترنت از قیمت‌های ارزان ما با خبر شوید

www.YouShouldTravel.com

Tel: 0207 724 8455

Open Monday to Saturday 9.30am till 6.00pm

Dubai.....£250	Erbil.....£765
Beirut.....£400	Sanaa.....£385
Damascus.....£315	Khartoum.....£395
Cairo.....£290	Nairobi.....£350
Amman.....£460	Darussalam.....£465
Muscat.....£255	Addis Ababa.....£495
Istanbul.....£155	Lagos.....£460
Casablanca.....£208	Kuwait.....£335

IKB Travel & Tours, 230 Edgware Road, London, W2 1DW E-mail: Travelinfo@IKBtravel.co.uk

All Prices are from & subject to availability and change.



We Want You

Urgently seeking staff member to join our team.

Must be GDS trained Please contact

Abir on 0207 725 2277 or Abir@ikbplc.com

STAFF REQUIRED



RANGARANG

Est:1988

Issue No: 1043 €2 / £ 1.5

MONTHLY MAGAZINE



Support of protests in Iran



Barbara & Celebrities



Gates to Civilisation

What will happen to Global village?

